

فهرست: آنچه خواهید خواند:

- ❖ سوال: چرا دولت باید در اقتصاد دخالت کند؟
- ❖ دولت چقدر باید در مسائل اقتصادی دخالت کند؟ (عوامل موثر بر میزان دخالت دولت)
- ❖ اهم وظایف اقتصادی دولت:
- ❖ نقش دولت در اقتصاد از دیدگاه های مکاتب
- ❖ چند نوع دولت در تئوری اقتصادی مطرح می شود
- ❖ ملاک ها و جلوه های توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی
- ❖ نظریات موجود در خصوص حدود وظایف دولت
- ❖ نقشهای دولت در اقتصاد
- ❖ تعادلهای اساسی اقتصاد
- ❖ ترکیب درآمدهای عمومی دولت
- ❖ درآمدهای غیر مالیاتی دولتها
- ❖ ترکیب درآمدهای دولت ایران
- ❖ ترکیب ترکیب درآمدهای دولت ایران در نظام جدید
- ❖ هزینه های عمومی دولتها
- ❖ طبقه بندی هزینه های عمومی از نظر ماهیت
- ❖ طبقه بندی هزینه های عمومی از نظر مولد بودن
- ❖ طبقه بندی هزینه های عمومی از نظر تاثیر اقتصادی
- ❖ اصول هزینه های مطلوب
- ❖ علل افزایش هزینه های عمومی
- ❖ اثرات هزینه های عمومی
- ❖ سیاست گذاری اقتصادی
- ❖ اهداف سیاستگذاری اقتصادی
- ❖ تقسیم بندی اهداف سیاستگذاری اقتصادی از نظر زمانی
- ❖ ابزارهای سیاستگذاری دولتها
- ❖ مراحل دوگانه سیاستگذاری مالی
- ❖ سیاستگذاری مالی و اصل حد مزاح یا اصل (حداکثر مزیت اجتماعی)
- ❖ نقش اطلاعات در سیاستگذاری مالی
- ❖ عناصر اصلی تشکیل دهنده بودجه
- ❖ بودجه به مفهوم ابزار مدیریت مالیات
- ❖ اهداف کلان مالیاتها
- ❖ هدف از وصول مالیات چیست
- ❖ صفات اصلی مالیات
- ❖ عوارض



- ❖ تفاوت عوارض و مالیات
- ❖ نکات مهم در تعریف مالیات
- ❖ عوامل تشخیص دهنده مالیات
- ❖ ظرفیت مالیاتی
- ❖ عوامل موثر بر ظرفیت مالیاتی ملی : مربوط به در آمد
- ❖ افزایش ظرفیت مالیاتی سرمایه ملی از دو طریق صورت می گیرد
- ❖ اصول حاکم بر مالیات
- ❖ تعلق مالیاتی
- ❖ چه عواملی بر تعلق مالیاتی تاثیر گذارند
- ❖ اصابت مالیاتی
- ❖ اثر مالیاتی
- ❖ انتقال مالیاتی
- ❖ مراحل انتقال مالیات
- ❖ اشکال انتقال مالیات
- ❖ عوامل موثر در انتقال مالیات
- ❖ اشخاص مشمول مالیات
- ❖ قرائن مالیاتی ، ضرایب مالیاتی
- ❖ سال مالیاتی
- ❖ مقایسه مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم
- ❖ مهم ترین مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم معمول در اغلب کشورها
- ❖ کشش عرضه و تقاضا و ارتباط آن با مالیات
- ❖ عوامل موثر کشش تقاضا
- ❖ عوامل موثر بر کشش قیمتی عرضه
- ❖ اثرات مالیات بر اقتصاد
- ❖ تعلق مالیاتی - پرداخت کننده نهایی مالیات
- ❖ مقدمه ای بر اثرات مالیات بر اقتصاد
- ❖ سیاست مالی دولت
- ❖ اثرات اقتصادی و اجتماعی مالیاتها (چهار اثر)
- ❖ اثرات اقتصادی وضع مالیات از دیدگاه اقتصاد عمومی
- ❖ اثرات اقتصادی وضع مالیات از دیدگاه اقتصاد خرد
- ❖ تقسیم بندی مالیاتها از دیدگاه اقتصاد خرد
- ❖ در مورد دستمزد کارگران موضوع انتخاب بین استراحت و درآمد مطرح می شود .
- ❖ جمع بندی
- ❖ انواع سیستمهای مالیاتی از لحاظ تمایل به مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم
- ❖ عدالت مالیاتی



- عوامل موثر در رشد درآمدهای مالیاتی
- اطلاعات مالیاتی برای حسابداران و مدیران
- ❖ بهبود روش های عملیاتی اخذ مالیات
- ❖ فرار مالیاتی چیست و چگونه ایجاد میشود
- ❖ زمینه های پیدایش فرار مالیاتی
- ❖ فرق بین فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی
- ❖ دلایل ایجاد فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی
- ❖ راهکار های بهبود روش های عملیاتی اخذ مالیات:
- ❖ اندازه گیری فرار مالیاتی در ایران
- ❖ یارانه Subsidy مالیات منفی
- ❖ آثار مثبت و منفی یارانه در اقتصاد
- ❖ در پرداخت های یارانه دو هدف ظاهرا متناقض برای دولت پیش میاید .
- ❖ بررسی عوامل موثر بر فرار از پرداخت مالیات
- ❖ مشخصات یک سیستم مالیاتی مناسب
- ❖ ارزش افزوده به چه معنی است
- ❖ مالیات بر ارزش افزوده به نفع کیست
- ❖ مالیات بر ارزش افزوده به ضرر کیست



سوال : چرا دولت باید در اقتصاد دخالت کند ؟

(۱) **تامین رفاه اجتماعی** : تامین رفاه اجتماعی دلیل تشکیل دولت و ضامن بقای نظام می باشد .

(۲) **ناکامی بازار در :**

الف (ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا و حفظ تعادل پایدار

ب) آثار خارجی تولیدات و ضرهای وارده به دیگران مثلاً : محیط زیست ، تخریب آثار فرهنگی

ج) تعدی به حریم یکدیگر (حمایت صنایع داخلی در برابر صنایع خارجی)

د) انحصار طلبی بخش خصوصی : ذات بازار آزاد انحصار طلبی می باشد .

و) ضمانت اجرایی تدوین قوانین و تعهد نسبت به نسل آینده .

(۳) **هدایت بخش خصوصی** برای جهت دهی فعالیتهای اقتصادی (نفع جامعه و نفع فرد)

(۴) **انجام وظایف قانونی** (که بار مالی داشته و نیاز به تامین مالی دارد)

(۵) **تفاوت میان صلاح فرد و جامعه**

(۶) **عدم توانایی بخش خصوصی** در سرمایه گذاری های زیر بنایی یا نامعقول بودن آن از دیدگاه خصوصی

(۷) **یک سری فعالیتهای اقتصادی** هستند که برای دولت حکم **سیاست** را دارند ، مثل : مخابرات ، پست

(۸) **دخالتهای درونی** : (حمایت از صنایع نو پا در برابر صنایع قدیمی - نقش ریش سفیدی)

(۹) **توزیع مجدد در آمد**

(۱۰) **مسائل حقوقی سیاسی روابط بین کشورها** جنگ حوادث غیر مترقبه طبیعی ونیاز به دخالت دولت و

در دست گرفتن اوضاع دارد .

(۱۱) **گسترش نیازها و خواسته های مردم**

(۱۲) **کاهش منابع کشورها**



دولت چقدر باید در مسائل اقتصادی دخالت کند ؟ (عوامل موثر بر میزان دخالت دولت)

← درجه توسعه و پیچیدگی اقتصاد جامعه : هرچه اقتصاد جامعه ای توسعه یافته تر باشد میزان

دخالت دولت کمتر است (بلوغ اقتصادی)

← شاخصهای نشاندهنده توزیع مجدد درآمد در جامعه

← حوادث غیر مترقبه و جنگ و ثبات سیاسی

← بینش عقیدتی حاکم بر جامعه (دیدگاه اقتصادی - اقتصاد باز یا بسته)



اهم وظایف اقتصادک دولت:

دولت دو وظیفه دارد : ۱ - تصدی گری - ۲- نظارت

← **تصدی گری** : دخالت مستقیم و انجام فعالیت اقتصادی

← **نظارت** : تدوین قوانین و کنترل حسن اجراء آن توسط بخش خصوصی



نقش دولت در اقتصاد از دیدگاه های مکاتب

❖ دیدگاه کلاسیک ها :

(دولت و لخرج ترین عضو جامعه)

- ← دولت باید حداقل مداخله را در امور اقتصادی داشته باشد .
- ← نقش دولت در اقتصاد محدود به عرضه کالاهای عمومی محض و تامین امنیت داخلی و ایجاد تشکیلاتی برای این نقشها باشد .
- ← بازار آزاد خود در اقتصاد عدالت ایجاد خواهد کرد .
- ← اقتصاد غیر متمرکز
- ← کمترین وظیفه برای دولت

❖ دیدگاه نئو کلاسیکها :

(مقاطع زمانی)

- ← به تدریج کلاسیکها نبوده ولی محوریت بحث آنها با کلاسیکها یکی بود .
- ← دولت وظیفه مراقبت و نظارت بر مکانیسم بازار دارد .
- ← دولت به ترجیحات افراد احترام می گذارد و تنها زمانی در اقتصاد دخالت می کند که نارسایی محدودیت زمان وجود داشته باشد (دخالت مقطعی)

❖ مکتب نهادی :

(دولت حمایت گر و تامین کننده کمبودها)

- ← دولت باید نقش حمایتی داشته باشد . نقش کارگزار برای دولت
- ← دولت فقط باید در نظامهای تامین اجتماعی دخالت نماید و با پرداختن به تقویت محدودیت تامین بنیه بخش خصوصی بطور غیر مستقیم در اقتصاد دخالت نماید .
- ← دولت در جایی باید دخالت کند که رفاه اجتماعی آنجا باشد در نتیجه حدود در مقاطع اقتصادی مختلف فرق می کند .

❖ مکتب سوسیالیستی (جمعی گرایان)

- ← معتقد بودند (دولت در اقتصاد نقش اساسی دارد . دولت مقتدر)
- ← مالکیت خصوصی باید کلاً حذف گردد .
- ← مالکیت خصوصی جز افزایش شکاف طبقاتی ندارد .
- ← نتیجه این اعتقاد ، اقتصاد متمرکز با برنامه ای بود
- ← بیشترین وظیفه برای دولت

❖ کینزیها :

(دولت ابزار است)

کینزیها معتقد بودند که عرضه به تقاضا وابسته است و پول عامل بوجود آورنده تقاضا است و دولت باید از طریق سیاستهای کلان اقتصاد ، رکود و تورم را کنترل نماید و هدف دولت باید در تثبیت قیمتها بکوشد .

❖ فیزیوکراتها :

(دولت محافظ)

اقتصاد مانند طبیعت راه خود را پیدا می کند و دولت نباید این نظم را بهم بزند و دولت باید از اقتصاد مانند محیط زیست مراقبت کند و آنرا آلوده نکند و جلوی آلوده کنندگان را بگیرد یعنی وظیفه محافظت



چند نوع دولت در تنوع اقتصاد مطرح می شود:

دولت نئو کلاسیکی: در این دیدگاه دولت وظیفه مراقبت و نظارت بر مکانیسم های بازار را به عهده دارد. دولت به ترجیحات افراد احترام می گذارد و تنها زمانی در اقتصاد دخالت می کند که در بازار نارسایی هایی به وجود آید. در قالب این دولت فرض بر این است که کارکرد سیستم بازار به طور غیر متمرکز و با توجه به آزادی های فردی به نفع جامعه منجر خواهد شد.

دولت کینزی: این دولت عقیده دارد که رها کردن اقتصاد به طور آزاد در اختیار مبادلات فردی این امکان را فراهم نمی آورد که خود به خود منافع جامعه را تامین نماید. معمولاً دشواری هایی وجود دارد که برای حل و فصل آنها همواره همراهی دولت در کنار بازار امری ضروری است. دولت کینزی در عین حال که تمرکز را در اقتصاد محکوم نمی کند، دولتی کردن همه امور را نیز تایید نمی کند.

دولت سوسیالیسم: دولت و بخش عمومی در تفکر سوسیالیسم بخش خصوصی را کنار می گذارد. دولت سوسیالیسم عملاً نفع فردی را در نظر نمی گیرد.

دولت اسلامی: دولتی است که خود را موظف می داند علاوه بر توجه به امور عقلانی در اقتصاد حاکم بر جوامع، به طور آرام و آزادانه به راهنمایی جوامع در راستای استفاده از اهرم های دینی در اقتصاد بپردازد. یعنی دولت تلاش کند فضایی فراهم نماید که مردم با اشتیاق به سوی عملی کردن احکام مالی و حقوقی اسلام حرکت کنند.



ملاک ها و جلوه های توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی :

مهمترین معیارها برای این منظور عبارتند از:

۱. سطح تولید و درآمد ملی یا درآمد سرانه:

یکی از معیارهای کمی اندازه گیری توسعه نیافتگی یا توسعه یافتگی، درآمد سرانه یک کشور است. گرچه کشور با درآمد سرانه بالا را نمی توان لزوماً توسعه یافته تلقی کرد اما هر کشور توسعه یافته دارای درآمد سرانه نسبتاً بالایی است. تقریباً کشور توسعه یافته ای وجود ندارد که سطح درآمد سرانه آن پایین و مثلاً مشابه کشورهای آفریقایی باشد.

۲. تداوم رشد معقول اقتصادی:

گرچه ممکن است کشورهای توسعه یافته دارای نرخ رشد خیلی بالایی نباشد اما کشورهای توسعه یافته معمولاً در رشد اقتصادی خود دارای ثبات هستند و اگر گاه گاه رشد اقتصادی آن ها به دلیلی دچار کاهش شود مجدداً تمایل به بازگشت به وضعیت عادی را دارند. این در حالی است که یک کشور توسعه نیافته چنان چه به دلیلی موقتاً صاحب رشد قابل توجهی شود با تغییر جزئی در شرایط رشد اقتصادی آن دچار کاهش شدید شده و تمایل به بازگشت به آن رشد بالا را ندارد.

۳. نرخ رشد جمعیت:

به طور کلی در کشورهای توسعه یافته نرخ رشد جمعیت بسیار پایین و در برخی موارد صفر است. در حالی که در اغلب کشورهای توسعه نیافته نرخ رشد جمعیت نسبتاً بالاست. رشد اندک جمعیت در کشورهای



توسعه یافته عمدتاً ناشی از کاهش نرخ زاد و ولد است در حالی که رشد بالای جمعیت در کشورهای توسعه نیافته بیشتر ناشی از بالا بودن نرخ زاد و ولد است، گرچه نرخ مرگ و میر در کشورهای توسعه نیافته نیز تا حد قابل توجهی کاهش یافته است. اما هنوز در مقایسه با کشورهای توسعه یافته نرخ مرگ و میر بالاست.

۴. نرخ باسواد و بیسواد:

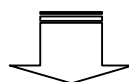
به طور معمول نرخ بیسوادی در کشورهای توسعه یافته بسیار پایین و تقریباً صفر است. در حالی که نرخ بیسوادی در کشورهای توسعه نیافته بسیار بالا است. در ضمن باید توجه داشت که کیفیت باسوادی در کشورهای توسعه یافته بسیار متفاوت از کشورهای توسعه نیافته است. در کشورهای توسعه یافته افراد باسواد علاوه بر این که سواد خواندن و نوشتن دارند، دارای یک فن و مهارت شغلی مرتبط با سواد خود می باشند و حال آنکه امار باسواد در کشورهای توسعه نیافته عمدتاً بر سواد خواندن و نوشتن تاکید دارند. به علاوه درصد جمعیت اهل مطالعه در کشورهای توسعه یافته بسیار بالاتر از کشورهای توسعه نیافته است.

۵. توزیع درآمد و امکانات:

شاید در ابتدا فرض شود که در کشورهای غربی و توسعه یافته نابرابری توزیع درآمد و امکانات وجود دارد. اما در هر حال توزیع درآمد و امکانات در کشورهای توسعه یافته مناسب تر از کشورهای توسعه نیافته است. در واقع بدترین وضع توزیع درآمد مربوط امریکا نیست بلکه مربوط به کشورهای امریکای لاتین و آسیای جنوبی است. نکته مهم تر آن است که نابرابری توزیع درآمد در کشورهای توسعه نیافته سبب پدید آمدن موقعیت ممتاز و شان و منزلت اجتماعی ویژه ای برای ثروتمندان آن ها می شود که انواع تبعیض ها را به همراه دارد. در حالی که در کشورهای توسعه یافته اولاً، وجود نظام تامین اجتماعی کارآمد تا حد زیادی مشکلات نابرابری توزیع درآمد را کم رنگ کرده است و ثانیاً افراد جامعه بدون توجه به سطح درآمد از مقام و منزلت اجتماعی نسبتاً مناسبی برخوردارند که از پدید آمدن تبعیض جلوگیری می نماید.

۶. ترکیب تولید و مصرف:

در کشورهای توسعه یافته طی فرایندی توسعه هم از جهت تولید و هم از جهت مصرف به تدریج از سهم محصولات کشاورزی کاسته می شد. ادامه روند به این صورت بود که ابتدا بر سهم محصولات صنعتی افزوده شده، بعد به همراه کاهش آن از سهم محصولات کشاورزی و صنعتی بر سهم خدمات افزوده می شد. به عبارت دیگر امروزه درصد بالایی از تولید و مصرف کشورهای توسعه یافته از نوع خاصی خدمات مانند تحصیل، تفریح، ورزش، هنر، مراقبت های درمانی و مواردی از این قبیل می باشد. در کشورهای در حال توسعه به طور معمول سهم تولید و مصرف محصولات کشاورزی و برخی اقلام نسبتاً ضروری صنعتی از کل تولید و مصرف بالاتر است. زیرا در سطوح پایین درآمد معمولاً درصد بالایی از درآمد، صرف کالاهای ضروری می شود. در برخی از کشورهای در حال توسعه رشد سریع جمعیت و عدم قابلیت جذب نیروی کار توسط بخش کشاورزی و عدم امنیت کافی و سایر موانع بازدارنده، سبب شده است تا سهم خدمات از کل تولید ملی بسیار بالا باشد، اما اگر هم سهم خدمات بالاست نه ناشی از بالا بودن اقلامی چون تفریح و هنر، بلکه ناشی از مشاغل و خدماتی چون تجارت و دلالتی و هم چنین خدمات تقریباً غیرضروری دولتی است.



۷. سرانه تسهیلات آموزشی و بهداشتی:

در کشورهای توسعه یافته تسهیلات آموزشی از قبیل هزینه سرانه آموزش (از مکتب تا عالی)، تعداد معلم نسبت به دانش آموز و دانشجو، مساحت فضای آموزشی نسبت به دانش آموز و دانشجو، سرانه کتاب دانش آموز و دانشجو و مواردی از این قبیل بالاتر از کشورهای در حال توسعه است. هم چنین تحصیلات همراه با آزمایش و عمل یا به صورت کاربردی است که سبب ایجاد ابداعات و نوآوری های تکنولوژیکی می شود. هم چنین در کشورهای توسعه یافته تسهیلات بهداشتی و درمانی از قبیل تعداد پزشک به ازای یک جمعیت مشخص، سرانه بستر بیمارستانی، هزینه سرانه بهداشتی بسیار بالاتر از کشورهای در حال توسعه است.

۸. بیکاری و کم کاری:

بی کاری از مشکلات بزرگ اقتصادی در بسیاری از کشورهای جهان سوم و حتی در کشورهای پیشرفته است. با این حال اولاً، درصد بیکاری در کشورهای توسعه نیافته بسیار بالاست و ثانیاً، با احتساب بیکاری پنهان در این کشورها که درصد قابل توجهی از نیروی کار را در خود جا داده است. همچنین کم کاری گسترده در بخش دولتی، ابعاد بیکاری در کشورهای توسعه نیافته بسیار گسترده است. نکته دیگر آن است که جمعیت بیکار در کشورهای توسعه یافته تحت پوشش سیستم های تامین اجتماعی است و حال آنکه در کشورهای توسعه نیافته جمعیت بیکار از پوشش حمایتی مناسبی بهره مند نیست.



نظریات موجود در خصوص حدود وظایف دولت

دیدگاه اول: نقش کم رنگ دولت

دیدگاه دوم: نقش فعال تر دولت

دیدگاه سوم: نظریه سوسیالیست ها

← نقش کم رنگ دولت ها

- ۱- **تامین کالاهای عمومی**: تامین هزینه های دفاع و حفظ امنیت و تامین عدالت، (بهداشت عمومی، حقوق مالکیت عمومی، امنیت) اقدامات شاهرها و سدهای بزرگ
- ۲- **تمایز سود و زیان فرد و اجتماع**: هدایت و وادار کردن بخش خصوصی در تولید بهینه با در نظر گرفتن هزینه های اجتماعی (حفاظت محیط زیست)
- ۳- **ریسکهای فوق العاده**: فعالیتهایی که مستلزم سرمایه گذاری سنگین هستند و گذشت زمان اقتصادی بودن آنها را روشن می کند و پذیرش خطرات فوق العاده مدیریت اقتصاد کلان که برای بخش خصوصی جالب نیست.
- ۴- **انحصارهای مطلوب**: انحصاراتی که در صلاح و حمایت از مصرف کننده است و در صورت عدم تعادل سود و زیان، کسری آن از بودجه عمومی تامین می شود فقر زدایی
- ۵- **شرایط خاص**: سیل، زلزله بحران ها، جنگ، تورم (حوادث طبیعی)



← نقش فعال تر دولتها

- ۱- مشوق ابتکار و تحرک فکری: حمایت از نخبگان و دانشمندان و فرهیختگان جامعه
- ۲- موثر بر شکل مصرف بخش خصوصی: تعیین حد و حریم تولیدات بخش خصوصی از لحاظ نوع تولید و قیمت (مسکن، سیگار)، تنظیم سیاستهای ضد انحصاری، تنظیم بازار
- ۳- توزیع مجدد در آمد: کاهش شکاف دهکهای در آمدی (تنظیم سیاستهای اقتصادی همگانی)
- ۴- اشتغال کامل و ثبات و رشد اقتصادی: بیمه محصولات، تنظیم فعالیتهای مالی تلاش برای سوق دادن و نگه داشتن بازار در تعادل اشتغال کامل این انتظار را از بخش خصوصی نمی توان داشت.

← دیدگاه سوسیالیستی:

برنامه ریزی متمرکز، تدوین و اعمال تمام سیاستهای تولید توسط دولت (کار آفرینی)

* نقش حداقل:

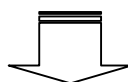
- * رفع نارسایی های بازار: حقوق مالکیت عمومی - مدیریت اقتصاد کلان - بهداشت عمومی - امنیت و دفاع و برقراری نظم
- * بهبود برابری: (حمایت از فقیران) برنامه های فقر زدایی - حوادث طبیعی
- * آثار خارجی: حفاظت از محیط زیست

* نقش متوسط:

- * تنظیم انحصار: تنظیم سیاستهای ضد انحصاری - تنظیم سیاستهای صنایع همگانی - تنظیم بازار کالا و خدمات
- * حمایت از مصرف کننده: تنظیم فعالیتهای مالی - بیمه محصولات
- * عرضه بیمه های اجتماعی
- * توزیع مجدد در آمد

* نقش فعال

- * هماهنگ کردن فعالیتهای بخش خصوصی تقویت بازار - کار آفرینی
- * در دست گرفتن کامل نبض بازار



نقشه‌های دولت در اقتصاد

- ۱- نقش قانون گذاری ۲- نقش ثبات بخشی ۳- نقش تخصیصی ۴- نقش عدالت خواهانه
۵- نقش هدایت گری

(۱) تصریح شده در قانون:

- ❖ ایجاد بستر مناسب جهت تعیین حقوق مالکیتها و اجراء آن (ضمانت اجرا)
- ❖ جلوگیری از انحصار و تعادل در بازار
- ❖ جلوگیری از تبعات خارجی (آثار محیط زیست)
- ❖ بهبود جریان اطلاعات (حمایت از مصرف کننده)
- ❖ جلوگیری از برخی تولیدات (پول شویی ، مواد محترقه ، مشروبات الکلی و نشر کتب غیر مجاز)

(۲) نقش ثبات بخشی (سیاست گذاری):

قانون گذاری و سیاستگذاری دو واژه نزدیک بهم هستند سیاستگذاری یعنی راهکار عملی اجرای قانون، فرایند قانون گذاری یک فرایند نظری است و راهکار عملی اجرای قانون توسط سیاستگذاری تعیین می شود. در حقیقت سیاستگذاری راههای اجراء یک قانون را نشان میدهد. سیاستگذاری یعنی اجراء قانون در کوتاهترین ، سودمندترین روش. برداشتن موانع اجرایی قانون را سیاستگذاری می گوئیم. دولت باید خط مشی های لازم جهت دستیابی به وضع پایدار قیمتها، رشد مطلوب در تولیدات و اشتغال کامل و ... را ایجاد کند.

(۳) نقش تخصیصی:

تقسیم منابع بین بخش خصوصی جهت تولید کالای عمومی و خصوصی در بهترین حالت تخصیص بهینه عوامل تولید توسط خود بازار امکان پذیر نیست به چند دلیل:

وجود مالکیت مشاع: دارائیهایی که بطور مشترک متعلق به جامعه است، قابل تفکیک نیست و همگان می خواهند بیشترین بهره را از آن ببرند. (جنگلها، منابع طبیعی، ماهی دریا، آب های زیر زمینی، چاهها)

کالاهای عمومی: کالاهایی که بعلت اینکه مصرف کنندگان حاضر نیستند بهای استفاده را بپردازند بخش خصوصی (بازار) حاضر به تولید ان نیست.

آثار خارجی: اثرات خارجی تولید محصولات توسط یک بخش که با نام هزینه خارجی تولید نامیده می شود و خود تولید کننده نمایی به پرداخت آن ندارد و عملاً توسط سایرین پرداخت می شود. نمایشگاه ها: ازدحام

انحصار: در دست گرفتن برخی صنایع در دست برخی تولید کنندگان بدلیل عمدی یا غیر عمدی ارزان تر شدن تولید محصول در مکان خاص

(۴) نقش عدالتخواهانه:

- * برقراری موازنه عادلانه حقوق و دستمزد کارگران و کارفرمایان
- * تقویت قدرت اقتصادی خانوار
- * تفسیر صحیح قانون و جلوگیری از سوء برداشت و سوء استفاده بخش خصوصی
- * معافیتهای مالیاتی



۵) نقش هدایت گرایانه :

بخش خصوصی بی تعهد است و نسبت به مسائل اجتماعی تعهدی ندارد و بدنبال کسب سود است تولید مواد محترقه ، افزایش قیمت خود سرانه تولید کنندگان



تعالیهائ اساسی اقتصاد

مجموعه پنج تعادل در اقتصاد ، تعادل اساسی اقتصاد را تشکیل میدهند :

۱- تعادل پولی ۲- تعادل مالی ۳- تعادل ارزی ۴- تعادل اقتصادی ۵- تعادل اجتماعی

تعادل پولی :

همانند تعریف عرضه و تقاضا و تعادل ، تعادل پولی عبارتست از تعادل میان عرضه و تقاضای پول یا به عبارتی دقیقتر تعادل پولی عبارتست از تنظیم حجم پول متناسب با میزان کالا و خدمات تولیدی جامعه و حفظ ارزش داخلی و خارجی پول و جلوگیری از افزایش نامتناسب قیمتها

وظیفه هر واحد پول این است که یک اندازه معینی کالا را بخرد ، حال اگر حجم پول به یک باره دو برابر شود ولی مقدار کالا و خدمات تغییر نکند ، قیمتها دو برابر خواهد شد و هر واحد پول نصف مقدار قبلی کالا را خواهد خرید

← چنانچه نرخ افزایش پول (حجم نقدینگی) در جامعه سریعتر از نرخ افزایش کالا در جامعه باشد ، افزایش قیمت خواهیم داشت (تورم)

← چنانچه دولت بدون توجه به حجم کالای قابل ارائه ، اعتبار و پول را به بخش دولتی تزریق کند ، موجب برهم زدن این تعادل خواهد شد .

← متولی سیاستگذاری پولی بانک مرکزی جمهوری اسلامی و سازمان مدیریت برنامه ریزی میباشد

تعادل مالی :

تعادل مالی یعنی توازن و تعادل بین در آمد و هزینه و جلوگیری از کسر بودجه ،

← تعادل مالی یعنی هماهنگی بین دریافتها و پرداختهای کشور دریافتها و پرداختهای کشور شامل دو بحث

می شود :

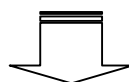
۱- بحث در آمد عمومی و هزینه های عمومی (جاری و عمرانی)

۲- دریافت و پرداختهای دولت از طریق مبادلات بازرگانی خارجی که بصورت تراز پرداختها عنوان می

شود که هماهنگی بین دریافتها و پرداختهای ارزی به تعادلی ارزی موسوم است.

عدم تعادل ارزی اگر مثبت باشد اقتصاد ملی از بین المللی طلبکار می شود که در صورت استفاده

صحیح از آن موجبات توسعه اقتصادی فراهم می شوند و اگر منفی باشد (یعنی افزایش واردات) به علت



افزایش واردات، افزایش قیمت محصولات داخلی و گران تر شدن صادرات و مجدد افزایش واردات را خواهیم داشت (اثر فزاینده - تشدید اثر)

← توضیح بیشتر: فزونی هزینه بر در آمد یعنی افزایش حجم پول در جامعه و این یعنی گران تر شدن قیمت محصولات و در نتیجه گران شدن صادرات و در نتیجه تمایل به واردات و افزایش واردات

← اگر دولت متوسل به مالیات اضافی گردد، این مالیات از تولید کنندگان گرفته می شود و در نتیجه باز با افزایش قیمت محصولات روبرو می شویم و اگر کالا صادراتی باشد با گرانتر شدن صادرات مواجه می شویم و چون دولت هم مصرف کننده خود محصولات (داخلی) می باشد، مخارج دولت هم اضافه تر می شود و در نهایتا دور باطل خواهیم داشت.

← کسر بودجه و انتشار اضافی اسکناس باز هم موجب افزایش قیمتتها و در نتیجه عدم تعادل در موازنه بازرگانی در جامعه خواهد بود.

تعادل ارزی

تعادل ارزی یعنی متعادل نگه داشتن پرداختهای خارجی کشور و جلوگیری از کسر موازنه پرداختهای ارزی و از بین رفتن یا کاهش ذخایر ارزی مملکت

عدم تعادل مالی در حالت منفی سبب گرفتن وام از نهادهای جهانی می شود و یا از طریق کاهش ارز خارجی پول ملی جبران می شود.

← تضعیف ارزش پول ملی devaluation

افزایش نرخ ارز رسمی از یک برابری به یک برابری دیگر (بزرگتر) مثلا ارزش دلار از ۸۰۰ تومان به ۱۰۰۰ تومان که این امر باعث ارزان تر شدن صادرات تشویق خارجیان از ما و افزایش حجم صادرات می گردد، همچنین این امر باعث گران تر شدن واردات و در نتیجه کاهش واردات می شود و در نتیجه این کار تا توازن پرداختها ادامه دارد.

پس نتیجه می گیریم:

حجم در بودجه دولت فقط از نظر پول داخلی مطرح نیست بلکه ترکیب ارزی هم مهم است و اگر هزینه های ارزی بیش از ظرفیت ارزی باشد کسری موازنه پرداخت را داریم.

تعادل اقتصادی

شامل تعادل اقتصادی: کوتاه مدت و بلند مدت

تعادل اقتصادی یعنی تعادل بین عرضه و تقاضای کل جامعه. تقاضا یعنی (تقاضای دولتی و تقاضای خصوصی). عدم تعادل اقتصادی یعنی:

تقاضا < عرضه (تورم) یا تقاضا > عرضه (رکود)



تبادل اقتصادی را در دو حالت بررسی می کنیم .

الف (کوتاه مدت در کوتاه مدت دولت

بمنظور مقابله با تورم از طریق افزایش ، مالیاتها ، قدرت خرید جامعه را کاهش میدهد و همچنین با کاهش هزینه های عمومی حجم پول در گردش را کم می کند و برای مقابله با رکود نرخ مالیاتها را کاهش داده و هزینه های عمومی را افزایش میدهد در نتیجه حجم پول در گردش افزایش میابد و موجب تبادل کوتاه مدت می شود .

ب) تبادل اقتصادی بلند مدت در چهار چوب ساختار اقتصادی و اجتماعی هر کشور بررسی می شود

- سرمایه گذاری در زیر ساختارهای عمرانی ، داشتن برنامه های میان مدت (برنامه توسعه چهارم ، پنجم و ...) و بلند مدت (چشم انداز ۲۰ ساله)
- بالا بردن ظرفیت اقتصادی جامعه
- امنیت اقتصادی
- ثبات قیمتها (نرخ رشد ثابت)

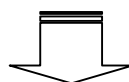
تبادل اجتماعی :

حفظ قدرت و توانایی مالی طبقات و دهکهای مختلف جامعه ، توزیع مجدد در آمد ، به حداقل رساندن فرار از مالیات و انتقال بار مالیاتی

مدیریت تقاضا در کوتاه مدت

تقاضا = عرضه : معادله تبادل بازار

اگر عرضه > تقاضا انگاه تورم
اگر تقاضا > عرضه ، انگاه رکود



↑		↑	↑	↑	↑	↑	↑	↑	در حالت رکود
افزایش	مالیات	مخارج دولتی	درآمد قابل تصرف افراد	مصرف	پس انداز	سرمایه گذاری	درآمد ملی	تقاضای کل	
↓	↓								

↑	↑								در حالت تورم
افزایش	مالیات	مخارج دولتی	درآمد قابل تصرف افراد	مصرف	پس انداز	سرمایه گذاری	درآمد ملی	تقاضای کل	
↓		↓	↓	↓	↓	↓	↓	↓	



ترکیب درآمد های دولت ایران

- بخش اول : درآمدهای مالیاتی
- بخش دوم : درآمد نفت و گاز
- بخش سوم : درآمد انحصاری و مالکیت دولت
- بخش چهارم درآمد فروش کالا و خدمات
- بخش پنجم : حق بیمه ، کمکهای دریافتی
- بخش ششم : اصل سود وامها و سود سرمایه گذاری ها در خارج از کشور



ترکیب درآمدهای عمومی دولت:

درآمدهای دولت به ۴ دسته ی: مالیاتی، استقراضی، پولی و سایر تقسیم میشود:

درآمدهای مالیاتی که عمدتاً در مکاتب اقتصادی به ۵ دسته تقسیم میشوند:

- ۱) مالیات بر درآمد: عمدتاً از درآمد کسب شده توسط افراد برداشت میشوند مانند درآمد بر حقوق، اجاره املاک، درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی و سهم بیمه.
 - ۲) مالیات بر ثروت: شامل مالیات بر هرگونه نقل و انتقال ثروت و سهام.
 - ۳) مالیات بر فعالیت های بازرگانی: مالیاتی که از انجام برخی از فعالیت های اقتصادی، بازرگانی کسب میشود مثل خرید و فروش ارز، مالیات بر سفرهای خارجی، مالیات بر سرمایه گذاری.
 - ۴) مالیات بر مصرف: مالیاتی که از مصرف برخی کالاها کسب میگردد مثل وجوه گمرکی، مالیات بر ارزش افزوده
 - ۵) مالیات بر صادرات: مالیاتی که از انجام ارسال خدمات به خارج از کشور حاصل میگردد.
- ← فعالیت های صادرات: درآمدی که از حجم صادرات از فرد یا از اشخاص گرفته میشود که در کشور ما فعلاً نرخش صفر میباشد.

درآمدهای استقراضی: درآمدهایی هستند که در حال حاضر برای دولت درآمد محسوب میشوند اما در آینده باز پرداخت اصل و بهره آن از محل درآمدهای مالیاتی انجام میشود جوامع با این درآمد دولت بطور کل موافق نیستند زیرا منفعت مربوط به نسل حاضر و بار مالیاتی بر دوش نسل آینده میباشد مگر در حالت هایی که برای نسل آینده منافی داشته باشد.

درآمدهای پولی: شامل چاپ سکه و اسکناس کنترل اعتبارات بانکی به شرط متناسب بودن حجم پول و کالا در جامعه که غالباً از دو محل تامین میشود چاپ پول کاغذی و استقراض از سیستم بانکی. ***این درآمد در حالت اشتغال کامل تورم را میباشد و در حالت اشتغال ناقص از دو درآمد قبلی بهتر است.

درآمدهای سایر: شامل درآمدهایی که دولت از محل تصدی گری و مالکیت درآمد کسب میکند.



درآمدهای غیر مالیاتی دولت

درآمدهای غیر مالیاتی شامل وجوهی هستند که دولت از محل فعالیتهای اقتصادی جمع آوری می کنند.

درآمدهای غیر مالیاتی دولت به چهار دسته تقسیم می شوند:

- ۱- درآمدهای ناشی از اعمال تصدی دولت
- ۲- درآمدهای حاصل از فروش، اجاره اموال دولتی و منابع طبیعی
- ۳- درآمدهای اداری و اجرایی
- ۴- هدایا و کمکهای بلاعوض



- ۱- شامل فروش تولیدات و محصولات تولید شده توسط دولتها و درآمدهایی که حالت انحصاری برای دولتها دارند: آب، برق، تلفن، گاز، موسسات فرهنگی و ...
- ۲- حق الامتیاز، کرایه و اجاره، فروش اموال و ... عاید دولتها می شود.
- ۳- اجرای وظایف قانونی به شکل کارمزد (صدور گذرنامه، شناسنامه، سند مالکیت، دعاوی دادگستری و ...)
- ۴- اعانه های ارادی افراد به دلت بدون انتظار پاداش - ارادی بودن پرداختها توسط افراد



هزینه های عمومی دولتها

عبارتست از بهای کالا و خدماتی که در حدود فعالیت دولتها پرداخت می شود

- ❖ **هزینه های عادی:** مستمر و تکراری با روند یک نسبت ثابت افزایش یا کاهش
- ❖ **هزینه های فوق العاده:** غیر مستمر و مقطعی و الزامی
- ❖ **هزینه های اداری:** هزینه های عمومی دولت و مربوط به امور عمومی دولت (هزینه های کارکنان، خدمات فرهنگی و ...)
- ❖ **هزینه های سرمایه ای:** هزینه هایی که در آینده کسب درآمد می کنند، طبیعت سرمایه دارند و یکبار برای همیشه انجام می شوند.
- ❖ **هزینه های انتقالی:** هزینه هایی که طرفه از سوی دولتها به اقشار آسیب پذیر و یا مشخص شده در قانون که در قبال پرداخت آنها دولت بهره مستقیم نمی برد.
- ❖ **هزینه های درآمدی:** هزینه هایی که در طول ایجاد درآمد ایجاد می شود.
- ❖ **هزینه های توسعه ای:** نوع خاص از هزینه های سرمایه ای
- ❖ **هزینه های غیر توسعه ای:** هزینه هایی برای تامین امنیت داخلی و خارجی و حراست از مرزهای ملی و اجرای قوانین

تغییرات هزینه های دولتها را از دو بعد بررسی می کنیم.

- ۱- دوره زمانی
- ۲- بعد زمانی

- بعد زمانی، تغییرات هزینه دولت را در مقاطع مختلف زمانی نشان میدهد. (مراحل مختلف اقتصادی)
- بعد مکانی، تغییرات هزینه دولت را در مقایسه با سایر کشورها نشان میدهد.
- ❖ بعد زمانی بیشتر با حقیقت همراه است.
- ❖ اهمیت هزینه های دولت مهم است و اهمیت آن زمانی بیشتر می شود که دولت نتواند آن را از راه درآمد خود تامین کند و نهایتاً منجی کسر بودجه شود.



طبقه بندی هزینه ها عمومی از نظر ماهیت

از دیدگاه کلاسیکها: هزینه های عادی و هزینه های فوق العاده

از دیدگاه مکاتب مالی جدید:

۱- هزینه های اداری و اجرایی

۲- هزینه های سرمایه ای

۳- هزینه های انتقالی

۱- این دسته از هزینه ها شامل هزینه های کارکنان و هزینه های غیر توسعه ای و هزینه های عادی می گردد عادی، اداری، غیر توسعه ای

۲- هزینه های سرمایه ای شامل هزینه های توسعه ای و درآمدی بر عهده و معمولاً بصورت وسایل و تجهیزات و دارائیهای ثابت ظاهر می شود.

۳- این هزینه ها در تولید ناخالص ملی منظور نمی گردد ولی جزء درآمد قابل تصرف افراب بحساب نمیاید. از اثرات فوری این نوع هزینه ها در جامعه، افزایش تقاضا و مصرف در سطح جامعه است.

۳- الف) هزینه های انتقالی اجتماعی:

ناشی از عواملی چون انقلابها و کودتاها: بیمه بیکاری که خود بدو صورت است:

۱- انتقالی جمعی کمک های دولت به مناطق سیل زده، زلزله زده و ...

۲- انتقالی فردی بیمه بیکاری، تامین اجتماعی، خسارت عضوی کارمندان و کارگران

۳- ب) هزینه های انتقالی مالی:

ناشی از عدم ثبات اقتصادی، اصل و بهره وامهای دریافتی دولتها

۳- ج) هزینه های انتقالی اقتصادی:

در زمان توسعه اقتصادی و تشویق برای تولیدهای مولد و جهت دهی سرمایه گذاریها و تقویت بنیه اقتصادی خانوار



طبقه بندی هزینه ها عمومی از نظر مولد بودن

۱- هزینه هایی که از نظر مالی تامین کننده مخارج خود هستند درآمد حاصل از اعمال تصدی دولت در قالب آب، برق، گاز، تلفن

۲- هزینه های که از نظر اجتماعی تامین کننده مخارج خود هستند. آموزش و پرورش (نتیجه بخش بودن) (خروجی)

۳- هزینه هایی تامین کننده مخارج خود از نظر مالی نیستند ولی مولد می باشند احداث کتابخانه ها

۴- هزینه هایی که در آینده از انجام مخارج بالاتر جلوگیری می کنند بهداشت و واکسن

۵- هزینه هایی که جنبه اسراف و تبذیر دارند هزینه نگهداری کارکنان زائد



طبقه بندی هزینه ها که عمومی از نظر تاثیر اقتصادک

- ۱- هزینه مالی خرید عوامل تولید و کالاهای مصرفی - هزینه هایی که صرف خرید کالا و خدمات در سیستم اقتصادی می شود. خرید لوازم - اجاره ساختمان - مواد اولیه
- ۲- هزینه های انتقالی (قبلاً توضیح داده شد)

در شرایط رقابت خالص :

- ✓ این هزینه ها در اثر رقابت با بخش خصوصی ، باعث افزایش قیمت می شود .
- ✓ امکان کاهش ظرفیت اقتصادی و ظرفیت مالیاتی می شود .
- ✓ باعث جابجایی منابع از بخش خصوصی به عمومی و تغییر در ماهیت تولید ناخالص داخلی می شود

شود

- ✓ کاهش تولید ناخالص داخلی در بخش خصوصی و افزایش آن در بخش عمومی

در شرایط رقابت ناقص :

- ✓ در قیمت ها باعث تغییر می شود .
- ✓ تولید را به سمت جریان اشتغال کامل می برد
- ✓ تولید ناخالص داخلی را بالا میبرد
- ✓ با بخش خصوصی رقابت نمی کند ، منابع از بخش خصوصی به عمومی جابجا نمی شود
- ✓ افزایش ظرفیت اقتصادی و ظرفیت مالیاتی



اصول هزینه ها که مطلوب

- ۱- اصل حداکثر سود اجتماعی (اصل حد مزاج) Maximum social advantage (MSA)
برای هر هزینه باید مطلوب ترین را بدست آورد و هزینه ای نباید در راهی انجام بشود که بعداً بتوان ادعا کرد که اگر در راه دیگری انجام می شد مطلوبیت بیشتری بدست میامد .
- ۲- اصل اقتصاد هزینه کردن نباید تاثیر معکوس بر توان پس انداز ملی بگذارد. بی محابا خرج نکردن و عوارض جانبی هزینه ها را هم در نظر گرفتن
- ۳- اصل مشروعیت هزینه ها باید از نظر قوه قانونی مورد تایید قرار بگیرند .
- ۴- اصل کشش هزینه باید قابل انعطاف (کشش پذیر) باشند ، افزایش هزینه آسان است ولی حذف و کم کردن آن سخت ، بنابراین در انجام هزینه زمینه های برگشت به عقب راحتی الامکان تدارک دید .
- ۵- اصل عدم تاثیر معکوس بر تولید و توزیع هزینه ها باید همراه با برنامه یزی برای تولید و توزیع ثروت در جامعه باشد تا رفاه کلی جامعه را زیاد کند .
- ۶- اصل مازاد هزینه ها نباید از درآمد ها زیاده تر شوند و اصطلاحاً کسری بودجه نباید مزمن شود .
- ۷- اصل بهبود رشد و ثبات اقتصادی هزینه ها نباید ثبات اقتصادی جامعه را برهم بزنند .



علل افزایش هزینه ها عمومی

- ۱- تغییر و توسعه مفهوم دولت از تامین کننده امنیت تا تامین کننده رفاه
- ۲- افزایش جغرافیایی و جمعیتی حوزه نفوذ دولتها: لزوم زندگی اجتماعی و تغییر در نیازها و خواسته ها و تقاضای افراد جامعه
- ۳- نیاز به رشد اقتصادی: تغییر اقتصاد از کشاورزی و معیشتی به اقتصاد در حال توسعه و توسعه یافته
- ۴- تورم و افزایش هزینه خدمات عمومی: تورم سبب انتقال درآمد و ثروت طبقات پایین به بالا می شود و وظیفه دولت توزیع مجدد این درآمد است.
- ۵- حفظ و نگهداری ثروت ملی: دولتها امانت دار مردم در حفظ ارزشها، آثار فرهنگی و ...
- ۶- بالا رفتن ظرفیت های مالیاتی و لزوم دخالت دولت در جمع آوری آنان و استفاده برای جامعه
- ۷- اقتصاد جنگ: جنگ سرد و گرم، جنگ الکترونیک و سعی در متلاشی کردن همدیگر
- ۸- بر عهده گرفتن وظایفی که ناگزیر به هزینه های عمومی است. (تولید کالاهای عمومی) توقع روز افزون مردم
- ۹- توسعه خدمات اجتماعی: تعلیم و تربیت، بهداشت عمومی، تحقیقات پزشکی و بیماریهای جدید و مقابله با آنان - تاثیرات بیشتر بیماریها
- ۱۰- ضررهای انتقال فناوری های جدید: کشورهای توسعه یافته امروزه با انتقال فن آوریهای جدید وابستگی های فرهنگی بیشتری میاورند.
- ۱۱- تمایل به داشتن دولت قدرتمند: که خود بخود هزینه ها را بالا میبرد
- ۱۲- فعالیتهای رفاهی، پرداختهای انتقالی، شکاف روز افزون طبقات اقتصادی جامعه و بار مسئولیت توسط دولت
- ۱۳- مسائل اجتماعی: بیکاری، تورم، رکود فساد اجتماعی، امنیت اجتماعی و ...



اثرات هزینه ها عمومی

اثرات هزینه های عمومی به دو بخش تقسیم می شوند

- ۱- پیخواه با برنامه ریزی بدنبال ایجاد آن هستیم
- ۲- پیامد اثر ناخواسته یا پیامد، تبعات، خود بخود ظاهر می شود.

اثرات تولیدی هزینه های عمومی

اثرات مستقیم

اثرات غیر مستقیم

غیر مستقیم:

- ۱- بالارفتن رفاه اجتماعی و توان کار در جامعه



۲- کمک به افشار آسیب پذیر و بار مثبت روانی جامعه (افراد احساس می کنند تنها نیستند و حامی

دارند)

۳- کنترل بخش خصوصی و تخصیص مناسب منابع

مستقیم:

۱- رشد اقتصادی ، بهبود رشد صنایع زیر بنایی ، پژوهش و تکنولوژی

۲- ابزار سیاسی دولت

۳- ایجاد توازن بین صنایع مختلف کشاورزی ، صنعت ، بازرگانی و تجارت



سیاست گذاری اقتصادی

سیاست گذاری اقتصادی به مجموعه اقدامات و دخالت های دولت در اقتصاد به منظور تحقق اهداف اقتصادی و اجتماعی معین، با استفاده از ابزارهای تحت مهار خود در چارچوب امکانات و محدودیت ها اطلاق می گردد. هدف اساسی از سیاست گذاری های دولت عبور از وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب است. سیاست گذاری های دولت نوعاً در ارتباط با یکدیگر و به طور هماهنگ اعمال می گردند. وضعیت مطلوب مشترک همه اقتصادها، حصول تعادل های اساسی توأم با اشتغال مناسب و رشد و توسعه اقتصادی است .

بدیهی است که اقتصاد محض سرمایه داری، سر و کار چندانی با سیاست گذاری نداشته باشد. پنداشت کلاسیک ها این بود که تعادل پایدار و مطلوب را ساز و کارهای بازار، متأثر از رفتار انسان اقتصادی که معقول است، تحقق خواهد بخشید و بنابراین، نیازی به دخالت دولت در امور اقتصادی که معقول است، تحقق خواهد بخشید و بنابراین، نیازی به دخالت دولت در امور اقتصادی نمی باشد. اما دوران های تند و بحران های کشنده، این تخیل نادرست را فرو پاشید و این واقعیت کلی را که عدم تعادل، حالت عمومی اقتصادهای آزاد است، آشکار کرد. در اوج یکی از همین بحران ها (بحران بزرگ ۱۹۲۹ میلادی) است که سرانجام فضای عمومی برای طرد نظریات کلاسیک و نئوکلاسیک آماده شد و کینز بر مبنای نظر به عمومی خود، حصول و حفظ تعادل های اساسی اقتصاد را در شمار مسئولیت دولت ها قرار داد و آنها را موظف به سیاست گذاری به ویژه سیاست گذاری مالی برای تحقق این مهم نمود .

تحولات پس از جنگ جهانی، بر تثبیت قیمت ها و مهار تورم و حصول و حفظ تعادل تراز پرداخت ها با هدف تعادل اشتغال مطلوب در سیاست گذاری دولت افزود. و تنها دولت ها به رشد و توسعه متعادل جوامع خود، بسیار دل بستند. تحقق هدف هایی که در جهان امروز با مشکلات بیشتری، به ویژه در کشورهای در حال رشد، نسبت به گذشته روبرو است. پیدائی تورم های رکودی، درایت و تیزبینی خاصی را از سوی سیاست گزاران می طلبد و فاصله زیادشونده توسعه ایجاب می کند که کشورهای در حال توسعه نیازمند مرکب های بسیار تندرو باشند تا این فاصله را بپیمایند. این مرکب ها را در اقتصاد با نام برنامه ها و برنامه ریزی ها می شناسند .

آنچه در خصوص اهداف کلی از اعمال سیاست های اقتصادی گفته شد، مطلبی متعارف است، مسئله اصلی کشورهای کمتر توسعه یافته امروز، در درجه اول رشد و توسعه نیست، بلکه مسئله اصلی آنها رهایی و



شکستن دورهای شوم است. اساساً اگر رهایی از قیودات اقتصاد مسلط جهانی تحقق نیابد و اگر دورهای شوم فقر شکسته نشوند، سیاستگذاری‌های که در راستای اهداف متفاوت انجام می‌گیرند، بی‌فایده خواهند بود و حکایت مثبت بر سندان کوفتن است. گذشته از آن، یک جامعه اسلامی، از آنجا که توسعه اقتصادی معنایی وسیع‌تر از معنای معمول آن می‌یابد و تحقق عدالت اجتماعی رکن اساسی این معنا است، سیاستگذاری اقتصادی باید در سوی تحقق عدالت اجتماعی سوق یابند.

تغییرات آگاهانه در اندازه ترکیب و زمان‌بندی هزینه‌ها و درآمدهای مالیاتی دولت‌ها را سیاستگذاری مالی می‌گویند. هزینه‌ها با مخارج دولت‌ها نوعی تزریق درآمد به حساب می‌آید و مالیات‌ها نوعی نشت درآمد محسوب می‌شوند. تغییراتی که در سطح فعالیت‌های اقتصادی دولت‌ها رخ می‌دهد ناشی از تفاوت بین هزینه‌های دولت و درآمدهای ناشی از مالیات‌ها و سایر منابع تأمین درآمد است که بعضی از صاحب‌نظران آن را تغییر آگاهانه در وضعیت بودجه دولت‌ها تعبیر و تفسیر می‌نمایند.

در اغلب سیستم‌های مالی کشورها اندازه هزینه‌های دولتی و درآمدهای مالیاتی ثابت نیستند، بلکه به محض تغییر سطح درآمد، آنها هم تغییر می‌یابند. برای مثال، بخش اعظم از کل مالیات‌های دریافتی توسط دولت ایران از مالیات‌های مستقیم به دست می‌آید. تغییر به دست آمده در بودجه دولت‌ها شاید ناشی از تصمیمات دولت‌ها در مورد تغییر نرخ‌های مالیاتی و یا مخارج خود دولت‌ها باشد و شاید ناشی از تغییر سطح درآمد ملی ناشی شده باشد.



اهداف سیاستگذاری اقتصادی :

اهم اهداف سیاستگذاری اقتصادی را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

- ✓ رهایی از وابستگی
- ✓ تحقق عدالت اجتماعی
- ✓ رشد و توسعه اقتصادی
- ✓ ایجاد و حفظ تعادل‌های اساسی اقتصاد
- ✓ تثبیت و حفظ ثبات قیمت‌ها و مبارزه با تورم
- ✓ حصول و حفظ شرایط اشتغال مطلوب و مبارزه با رکود
- ✓ مبارزه با تورم رکودی



تقسیم‌بندی اهداف سیاست‌گذاری اقتصادی از نظر زمانی

اهداف سیاست‌گذاری اقتصادی را می‌توان از نظر زمانی به دو هدف کوتاه‌مدت و هدف بلندمدت تقسیم‌بندی نمود.

← اهداف سیاست‌گذاری اقتصادی کوتاه‌مدت

این اهداف را می‌تواند در سه چهره تأمین اشتغال، مطلوب، تثبیت قیمت‌ها و تحصیل تعادل تراز پرداخت‌ها معرفی نمود.

← اهداف سیاست‌گذاری اقتصادی بلندمدت

این اهداف را می‌توان در چهره‌های زیر معرفی نمود.

- ✓ تشخیص صحیح منابع
- ✓ بازپخش درست‌تر درآمد و ثروت
- ✓ بازپخش درست‌تر درآمد و ثروت
- ✓ حمایت ترجیحی از بخش‌های خاص و اولویت دادن به آنها
- ✓ حصول و حفظ حد مطلوب جمعیت



ابزارهای سیاست‌گذاری دولت‌ها

دولت‌های امروزی با ابزارهای متعددی جهت دستیابی به اهداف مطلوب اقتصادی خود آشنا شده‌اند. آنها این ابزارها را با توجه به نوع اهداف و وضع موجود و امکانات و محدودیت‌ها، برای تحقق اهداف اقتصادی به کار می‌گیرند. به‌طور کلی می‌توان، ابزارهای سیاست‌گذاری دولت‌ها را به سه دسته اصلی تقسیم نمود:

۳. سایر ابزارها

۲. ابزارهای پولی

۱. ابزارهای مالی

از این سه دسته، ابزارهای مالی، به مالیه عمومی ارتباط دارد و در واقع، موضوع مالیه عمومی بررسی ساز و کارهایی است که به‌وسیله آنها، دولت‌ها، در سوی انجام وظایف قانونی خود، اقدام به تأمین درآمد و انجام هزینه می‌نمایند.

درآمد عمومی و هزینه عمومی، دو جانب تشکیل‌دهنده بودجه هستند و از این‌رو، گاهی از سیاست‌های مالی به سیاست‌های بودجه‌ای نیز تعبیر گردیده است.



مراحل دوگانه سیاستگزاری مالی

← سیاستگزاری مالی انبساطی

در سیاستگزاری مالی انبساطی دولت‌ها بیشتر بر روی ابزاری که در جهت هزینه‌ها در اختیار دارند، متمرکز می‌نمایند. یکی از ابزارهای سیاستگزاری مالی انبساطی، سرمایه‌گذارهای دولتی (عملیات عمرانی و تولیدی) است که به مراتب بیش از ابزار مالیاتی می‌تواند دولت‌ها را در اجراء این سیاست یاری نماید و به نتیجه مطلوب یعنی رفع رکود و ایجاد تحرک در فعالیت‌های اقتصادی جامعه باشد.

← سیاستگزاری مالی انقباضی

دولت‌ها برای پیشگیری و یا تضعیف فشار تورمی دست به اتخاذ این سیاست می‌زنند و با توجه به ابزارهای مالی، سیاستگزاری مالی انقباضی در دو جهت به مرحله اجراء و عمل در می‌آید. یکی در جهت درآمدها و دیگری در جهت هزینه‌ها.

سیاستگزاری انقباضی منابع درآمد بدین‌صورت است که دولت دست به افزایش نرخ مالیات و یا وضع مالیات‌های جدید زده و بدین ترتیب سعی می‌کند با جذب قسمتی از پول در گردش، از افزایش تقاضا که عامل پیدایش فشارهای تورمی است بکاهد و بین عرضه و تقاضای کل تعادل ایجاد نماید.

سیاستگزاری انقباضی هزینه‌های دولتی بدین‌صورت است که دولت از انجام سرمایه‌گذاری بر خرج وسیع خودداری نموده و گامی در جهت افزایش تقاضا و حجم پول در گردش که زائیده این سرمایه‌گذاری‌ها است، برندارد.

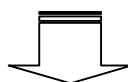
یکی از سیاستگزاری‌های مالی انقباضی، سیاستگزاری مالیاتی انقباضی است که به‌عنوان سریع‌ترین و مهم‌ترین حربه‌های تقلیل تقاضای کل عمل نموده و بحران تورمی را کاهش می‌دهد.

سیاستگزاری مالی و اصل حد مزاج یا اصل (حداکثر مزیت اجتماعی)

اصل حداکثر مزیت اجتماعی که گاهی به اصل حداکثر سود اجتماعی و یا اصل حداکثر رفاه کل هم تعبیر می‌شود، ستون فقرات و اصل هادی سیاستگزاری دولت و ساخت‌دهنده مالیه عمومی است، همان‌طور که هر فردی دوست دارد که با استفاده از منابع محدود در اختیار خود بیشترین رفاه و ارضاء را برای خویش تدارک نماید، دولت‌ها هم باید مزیت یا سود اجتماعی منابع محدود در اختیار آنها را حداکثر نمایند. ، برای تحقق اصل حد مزاج ، تحقق شرایط زیر ضروری است :

۱. هزینه‌های دولت و مالیات‌ها باید در حدود مشخصی قرار گیرند .
۲. هزینه‌های عمومی باید میان استفاده‌های مختلف به‌نحو مطلوبی توزیع گردد .
۳. منابع مختلف اخذ مالیات را باید چنان تعیین نمود که خسارات حاصل از آن حداقل گردد .

در توضیح شرط اول می‌گوئیم که هزینه‌های عمومی باید در هر جایی تا آن حد گسترش یابد که مزیت جامعه از یک افزایش بسیار کوچک در یک جهت، دقیقاً با عدم مزیت حاصل از یک افزایش بسیار کوچک در مالیات‌ها یا هر منبع درآمدی دیگر از نظر قدر مطلق برابر باشد. برای آنان که با بحث مطلوبیت در اقتصاد خرد



آشنائی دارند، می گوئیم که این شرط در واقع مشابه شرط حداکثر نمودن مطلوبیت حاصل از دو کالای مورد استفاده یک مصرف کننده خاص در شرایط داده شده است که متضمن تساوی مطلوبیت های نهائی حاصل از استفاده از هر کدام از کالاها تقسیم بر قیمت های آنها است، در واقع، در تحلیل درآمد - هزینه دولت ها، مالیات ها از نظر مردم دارای عدم مطلوبیت است زیرا به هر حال، معنای اولیه آنها خارج نمودن بخشی از درآمدهای مردم از دست آنها است .

در توضیح شرط دوم، یادآور می شویم که دستیابی به حداکثر مزیت اجتماعی، نیازمند کاربرد اصل مطلوبیت نهائی متعادل) قانون تعادل مطلوبیت های نهائی) است. اگر بنا به فرض، هزینه های دولت را شامل دو شکل هزینه های صنعتی و هزینه های کشاورزی بدانیم، معنای اصل مذکور این است که هزینه های دولت بر این دو شق مختلف به گونه ای تقسیم گردد که مطلوبیت های نهائی حاصل از ریال (واحد پول) آخرین خرج در هر دو مورد یکی شوند. به گونه ای که هر ترکیب جدیدی جز آن، مجموع مطلوبیت حاصل از هزینه ها را کاهش دهد. بنابراین، با تحقق این شرط، سود اجتماعی حاصل از هزینه های دولتی حداکثر خواهد بود .

موضوع شرط سوم، توزیع بار مالیاتی است. هر مالیاتی از دید پرداخت کننده از نوعی تحمل زیان است و هر دولت کاردانی می داند که نباید این زیان به بیهوده افزایش پیدا کند. بنابراین، دولت ها باید بکوشند که توزیع مالیات ها را بر کانون های مختلف پرداخت طوری انجام دهند که حداقل عدم مزیت یا زیان را برای مالیات دهندگان به بار آورد. در این صورت، تحقق شرط سوم، به معنای تحقق زیان اجتماعی حداقل خواهد بود .

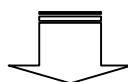


نقش اطلاعات در سیاست گذاری مالی

سیاست گذاری مالی سه مؤلفه درآمدهای عمومی، هزینه های عمومی و کسری بودجه نقش اساسی را ایفاء می کنند. دولت ها برای ایفاء بهینه نقش خود نیازمند یک سری اطلاعاتی هستند که این اطلاعات یاری دهنده تصمیم گیری مدیران دولتی و سیاست گذاری مالی در هر دولتی به شمار می آید .

سیاست گزاران مالی برای تصمیم گیری صحیح و مؤثر به دو نوع اطلاعات زیر نیازمند هستند:

۱. اطلاعات اساسی درباره درآمدهای دولت
۲. اطلاعات اساسی درباره هزینه های دولت



عناصر اصلی تشکیل دهنده بودجه

۱. پیش بینی: به طور کلی تمام محتویات بودجه برای آینده است، بودجه آینده نگر است. خلاف حسابداری که نشان دهنده گذشته ها و واقعیت هاست و با ارقام قطعی بوده و ثبت رویدادها سروکار دارد، ارقام درآمد و هزینه ها برآوردی و غیرقطعی بوده و پیش بینی میشود.

۲. درآمدها و هزینه ها: توجه به امکانات مالی در پیش بینی برنامه ها امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. اصولاً انجام هزینه ها باید در چارچوب درآمدها انجام گیرد.

۳. زمان: انجام پیش بینی بدون در نظر گرفتن زمان میسر نیست. پس باید دارای بعد زمانی باشد. این فاصله زمانی بودجه با توجه به اختیارات قانونگذار یکسال می باشد. علت انتخاب یکسال بیشتر به خاطر امکانات و پیشبینی دقیق تر اوضاع اقتصادی در جامعه می باشد.

۴. اهداف: صرف پیش بینی درآمدها و هزینه ها در بودجه کافی نیست. بلکه باید در ارتباط هزینه ها با تأمین اهداف معین و مشخص شود. اهداف و سیاست های بودجه دولتها در چارچوب برنامه های مختلف دولتها منعکس می گردد. بودجه

تسهیم منابع مالی بین برنامه های مختلف دولت به منظور تحقق و دستیابی به برنامه ها با اهداف مشخص و از پیش تعیین شده است.

۵. برنامه مالی: برنامه ریزی عبارتست از هدایت کلیه فعالیت های اقتصادی و اجتماعی در جهت تأمین نیازها با توجه به مقتضیات و امکانات کشور. اهداف و سیاست های بودجه به عبارتی برنامه کوتاه مدت یکساله - متأثر از برنامه های میان و بلند مدت توسعه اقتصادی، اجتماعی جهت رسیدن به اهداف مقرر در قانون اساسی هر کشوری است. بودجه بدون برنامه نه تنها سازندگی ندارد بلکه می تواند خسارت های عظیمی حتی به نسل های آینده وارد کند. بودجه یک برنامه مالی برای یک دوره محدود زمانی است که به وسیله آن، درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار و نیز هزینه های برنامه ها و عملیات برای رسیدن به اهداف خاص و معین پیش بینی می شود.



بودجه به مفهوم ابزار مدیریت

نقش هایی که بودجه به عنوان ابزار مدیریت ایفا می کنند عبارتند از:

(الف) برنامه ریزی: مدیران می توانند از طریق بودجه بندی برنامه عملیات خود را از قبل تنظیم و متناسب با آن نیازمندی ها و هزینه های لازم را برآورد نمایند.

(ب) هماهنگی: بودجه وسیله ای برای هماهنگی فعالیتهای مختلف سازمان جهت رسیدن به اهداف مورد نظر به کار می رود. بودجه می تواند از تداخل، تکرار و تضاد وظایف در سازمانها از طریق پیش بینی هزینه عملیات جلوگیری نموده و فعالیت های مختلف را هماهنگ سازد.



ج) کنترل: مدیران می توانند با مقایسه هزینه های پیش بینی عملیات و هزینه های انجام شده از پیشرفت کار و یا انحرافات موجود آگاهی یابند و درصد اقدام های اصلاحی لازم برآیند. در این صورت سیستم حسابداری نقش موثری در کنترل عملیات از طریق اعتبارات و هزینه های مربوطه ایفا خواهد کرد.

د) بهبود روابط با مردم: مدیران می توانند با اطلاع رسانی به موقع به مردم در خصوص چگونگی دریافت درآمدهای حاصل از مالیات و سایر منابع درآمد و توزیع آنها بین بخشهای مختلف به بهبود روابط میان مردم و دولت کمک نمایند.

ه) تقویت مشارکت و تعهد به اهداف: کارکنانی که به نوعی در تنظیم و کنترل هزینه های خود شرکت دارند حس مشارکت و مسولیت پذیری آنها تقویت شده و خود را بیشتر متعهد برای تحقق اهداف منعکس شده در بودجه خواهند دانست.



مالیات

سهمی از دارایی یا در آمد یا مصرف افراد بر حسب توانایی پرداخت آنان برای تامین مخارج عمومی که دولت بر اساس اصل همکاری ملی و طبق قوانین نقدا برداشت می کند .



اهداف کلان مالیاتها:

- ۱- اهداف در آمدی: ایجاد درآمد و تامین هزینه های دولت و تامین ورودی سبد بودجه
- ۲- اهداف توزیعی: توزیع مجدد در آمد و پر کردن شکاف اختلاف طبقاتی
- ۳- اهداف تثبیتی: مبارزه با تورم و رکود
- ۴- اهداف تخصیصی: جهت دهی به مصرف برخی از کالاها و اصلاح الگوی مصرف



هدف از وصول مالیات چیست؟

هر دولتی برای اداره جامعه نیازمند امکانات مالی است تا بتواند وظایفی را که از جانب مردم به عهده گرفته به نحو مطلوبی انجام دهد. عمده ترین این وظایف عبارتند از:

- ۱- حفظ استقلال و تمامیت کشور از طریق تامین وسایل و تجهیزات دفاعی استقرار و اداره نیروهای نظامی و انتظامی .
- ۲- ایجاد و توسعه راه های ارتباطی و وسایل حمل و نقل .
- ۳- تامین بهداشت. آب. برق. مخابرات و سایر وسایل ارتباطی جمعی برای عموم.



۴- تامین آموزش در همه سطوح .

۵- تامین قوه قضائیه برای حل و فصل دعاوی و استقرار امنیت اجتماعی .

۶- تامین مایحتاج عمومی افراد جامعه در یک سطح قابل قبول .

۷- تامین زیر ساخت های اقتصادی و صنایع مادر و کلیدی برای ایجاد زمینه های تولید و اشتغال و تعادل اقتصادی .

۸- تقویت روح بررسی تحقیق از طرح تاسیس مراکز پژوهشی و تحقیقاتی و حمایت و تشویق محققان .

۹- تامین خود کفایی در علوم و فنون. صنعت و کشاورزی .

۱۰- تامین خدمات و حمایت های مالی در جهت بر خور داری از تامین اجتماعی. باز نشستگی. بیکاری. پیری و از کار افتادگی و تامین خدمات درمانی و بهداشتی به صورت بیمه همگانی و فراهم آوردن موجبات داشتن مسکن متناسب با خانواده ها .

بنابراین ملاحظه می شود که دولت برای دستیابی به اهداف خود برای پاسخگویی به نیاز های جامعه که به شمع ای از آن اشاره شد نیازمند منابع مالی است امروز در کلیه کشورها صاحب نظران مسائل اقتصادی بهترین منبع تامین هزینه های دولت را مالیت می دانند. زیرا علاوه بر آن که اتکا دولت را به منابع خدادادی مثل نفت که یک ثروت ملی و متعلق به نسل های آینده نیز هست ، کم میکند. یک شور و اشتیاق ملی برای مشارکت در امور کشور در آحاد افراد جامعه ایجاد میکند .



صفات اصلی مالیات

۱- اجباری بودن همگان مکلفند

۲- بدون عوض رابطه ای بین پرداخت مالیات و سهم افراد از کالاهای عمومی وجود ندارد .

۲- قطعی بودن درآمد قطعی برای دولت است و قابل استرداد نیست (بجز موارد اشتباه محاسباتی)



← مالیات یکی از ابزار توزیع مناسب درآمد در جامعه است (بشرط روش صحیح اخذ و هزینه کرد در محل صحیح)

← به پرداخت کنندگان مالیات (مودی) گویند .

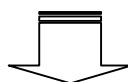
← هم وصول مالیات و هم مصرف مالیات باید از گذرگاه قانون (مجلس شورای اسلامی) بگذرد .



عوارض

وجوهی است که دولت یا شهرداریها در جهت مصارف خاص و یا ارائه خدمات به افراد خاص (ذینفع)

دریافت می نمایند . (عوارض شهرداری ، عوارض نوسازی) (عوارض استفاده از اتوبان) (عوارض گمرکی)



تفاوت عوارض و مالیات

محل مصرف مالیات مشخص نیست و مالیات به طور اجمالی صرف مخارج عمومی جامعه می شود و متعلق به کل جامعه است. (هزینه عمومی)
عوارض صرفا عوض خدمات مشخصی است که به افراد ذینفع (پرداخت کننده) داده می شود. (هزینه معین)



نکات مهم در تعریف مالیات :

۱- مالیات برای پرداخت مخارج عمومی است . هدف اصلی مخارج عمومی رسیدن به اصل حد مزاج
۲- مالیات برای اجرا سیاستگذاری مالی است .
سیاستگذاری مالی دولت آثاری چون محدودیت مصرف یک کالای خاص ، حمایت از صنایع خاص و داخلی و یا منطقه می باشد ، که این در راستای اهداف قانونی می باشد و مالیات ابزار این سیاستگذاری است .



براساس قوانین مالیات کشور انواع مالیاتها به شرح زیر می باشد:

۲ مالیاتهای غیر مستقیم

۱ - مالیاتهای مستقیم

مالیاتهای مستقیم : اگر به طور مستقیم از دارائی درآمد افراد وصول و شامل مالیات بر دارائی مالیات بر درآمد می باشد.

الف: مالیات بر دارائی :

۱ - مالیات سالانه املاک ۲ - مالیات بر ارث ۳ - حق تمبر ۴ - مالیات بر درآمد اتفاقی

ب : مالیات بر درآمد:

۱ - مالیات بر درآمد اجاره املاک ۲ - مالیات بر درآمد کشاورزی ۳ - مالیات بر درآمد حقوق
۴ - مالیات بر درآمد مشاغل ۵ - مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی ۶ - مالیات بر درآمد اتفاقی
مالیاتهای غیر مستقیم: مالیاتهای غیر مستقیم که بر قیمت کالاها و خدمات اضافه شده و به مصرف کننده تحمیل می گردد و بر دو نوع است :

ب : مالیات بر مصرف فروش

الف : مالیات بر واردات

الف : مالیات بر واردات :

۱ - حقوق گمرکی ۲ - سود بازرگانی ۳ - ۳۰٪ از مبلغ اتومبیل های وارداتی ۴ - ۱۵٪ حق ثبت

ب : مالیات بر مصرف و فروش :

۱ - مالیات بر فرآورده های نفتی ۲ - مالیات تولید الکل طبی و صنعتی ۳ - مالیات نوشابه های غیر الکلی



- ۴ - مالیات فروش سیگار ۵ - مالیات اتومبیل ۶ - ۱۵٪ مالیات اتومبیل های داخلی ۷ - مالیات فروش خویار ۸ - مالیات حق اشتراک تلفن خودکار و خدمات بین الملل ۹ - مالیات ضبط صوت و تصویر



عوامل تشخیص دهنده مالیات

- ۱- ماخذ و مبنا ۲- نرخ مالیات ۳- مبلغ مالیات
- ۱- ماخذ (مبنا) موضوعی که مالیات بر آن تعلق می گیرد، امتیاز یا مالی که مالیات بر آن بسته می شود.

بر دو نوع است : (۱) **مبنای اقتصادی: درآمد، ثروت و مصرف** (۲) **مبنای غیر اقتصادی: مالیات سرانه :**

۲- نرخ مالیات درصدی از مبنا (ماخذ) مالیات که مبنای محاسبات مالیات قرار می گیرد .

نرخ مالیات بر سه نوع تقسیم می شود :

۱-۲- نرخ تناسبی ۲-۲- نرخ تصاعدی ۳-۲- نرخ تنازلی

۱-۲- نرخ تناسبی : به نرخ می گفته می شود که بدون توجه به تغییرات مبنای مالیات همیشه ثابت است .

این نرخ به یک نسبت مساوی به مقادیر متغیر مبنای مالیات تعلق می گیرد .

۲-۲- نرخ تصاعدی : به نرخ می گردد که با افزایش مالیات مقدارش افزایش می یابد و در

حقیقت مبنا به چند بخش تقسیم می شود . به هر بخش نرخ مشخص تعلق می گیرد .

خود نرخ تصاعدی به سه بخش تقسیم می شود .

الف (نرخ تصاعدی کلی

در این نرخ، مبنای مالیات به چند طبقه (از پائین به بالا) تقسیم شده و هر طبقه مشمول نرخ مشخصی است که با نرخ قبلی تفاوت دارد، ولی در حال افزایش است. در این نرخ به محض اینکه درآمد شخص از یک طبقه تجاوز نموده و جزء طبقه بعدی قرار گرفت. نرخ مشخص برای آن طبقه نسبت به کلیه درآمد مشخص و نه مازاد آن، احتساب می گردد.

مثلاً اگر درآمد مبنای مالیات باشد :

درآمدهای تا ۱۰۰,۰۰۰ ریال مشمول نرخ ۱۰ درصد

درآمدهای تا ۲۰۰,۰۰۰ ریال مشمول نرخ ۱۵ درصد

درآمدهای تا ۳۰۰,۰۰۰ ریال مشمول نرخ ۲۰ درصد

درآمدهای تا ۴۰۰,۰۰۰ ریال مشمول نرخ ۲۵ درصد می گردند

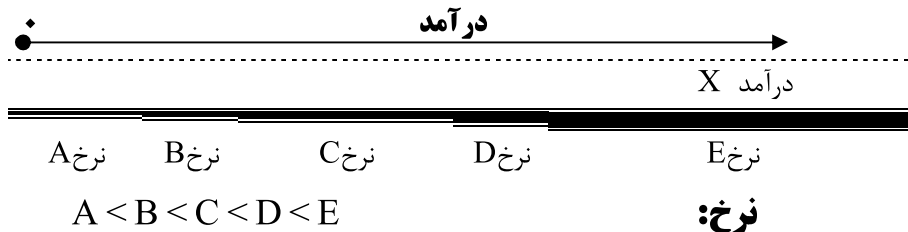
در مثال فوق کسی که درآمد آن ۱۰۰,۰۰۰ ریال است، ۱۰,۰۰۰ ریال خواهد پرداخت و به محض اینکه درآمد آن یک ریال

افزایش پیدا کرد مثلاً ۱۰۰,۲۰۰ ریال شد مشمول پرداخت نرخ مالیات طبقه دوم با نرخ ۱۵ درصد خواهد شد و باید ۵,۳۰ ریال

مالیات اضافی پرداخت نماید. یعنی کل مالیات پرداختی وی ۱۵,۳۰ ریال خواهد بود .



از این نرخ کمتر در حال حاضر استفاده می‌شود، چرا که با اصل عدالت مالیاتی مغایرت دارد. در ایران، آب، برق و تلفن مشمول پرداخت مالیات از این نوع نرخ است.



← فلش پیکان درآمد روی هر نرخي افتاد ، کل درآمد به همان نرخ محاسبه میگردد .

← کل درآمد بایک نرخ محاسبه می شود : مثلاً نرخ کسر بیمه تامین اجتماعی حقوق کارگران

(ب) نرخ تصاعدي طبقه ای

نرخي است که برای هریک از طبقات نسبت به مازاد طبقه قبل، نرخ طبقه موردنظر اعمال می‌شود.

به عنوان مثال داریم :

درآمدهای تا ۱۰۰،۰۰۰ ریال مشمول نرخ ۱۰ درصد

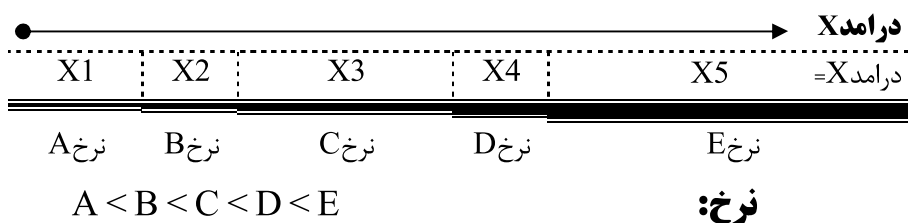
درآمدهای تا ۲۰۰،۰۰۰ ریال نسبت به مازاد ۱۰۰،۰۰۰ مشمول نرخ ۱۵ درصد

درآمدهای تا ۳۰۰،۰۰۰ ریال نسبت به مازاد ۲۰۰،۰۰۰ مشمول نرخ ۲۰ درصد

درآمدهای تا ۴۰۰،۰۰۰ ریال نسبت به مازاد ۳۰۰،۰۰۰ مشمول نرخ ۲۵ درصد می‌گردند

← پیکان درآمد متناسب با نرخ به چند بخش تقسیم شده و به تناسب قرار گرفتن هر بخش روی

هر نرخ ، مالیات محاسبه شده و نهایتاً با هم جمع میشود.



$$X1 + X2 + X3 + X4 + X5 = X \text{ درآمد}$$

(ج) نرخ تصاعدي متمایل

در این نرخ، نرخ تصاعدي حالت کاهش یابنده دارد و آن موقعی است که مبنای مالیات و نرخهای تصاعدي متعلق به هر طبقه پس از آنکه به حد معینی رسید، هر چه مبنا وسیع تر شود، نرخ مالیات افزایش کمتری می‌یابد.

به عنوان مثال داریم :

درآمدهای تا ۱۰۰،۰۰۰ ریال مشمول نرخ ۲۰ درصد

درآمدهای تا ۲۰۰،۰۰۰ ریال نسبت به مازاد ۱۰۰،۰۰۰ مشمول نرخ ۳۰ درصد

درآمدهای تا ۳۰۰،۰۰۰ ریال نسبت به مازاد ۲۰۰،۰۰۰ مشمول نرخ ۴۰ درصد

درآمدهای تا ۴۰۰،۰۰۰ ریال نسبت به مازاد ۳۰۰،۰۰۰ مشمول نرخ ۴۵ درصد می‌گردند



درآمدهای تا ۵۰۰,۰۰۰ ریال نسبت به مازاد ۳۰۰,۰۰۰ مشمول نرخ ۴۸ درصد می گردند

← این نرخ، با اصل عدالت مالیاتی مغایرت دارد، چرا که دولت از صاحبان درآمدهای بالاتر، حمایت می کند .

← در این نرخ ، نرخ تصاعدی حالت کاهش یابنده دارد و موقعی است که هر چه مبنا وسیع تر شود ، نرخ مالیات افزایش کمتری می یابد .

نرخ A	نرخ B	نرخ C	نرخ D	نرخ E
B-A	<	C-B	<	E-D

← نرخها زیاد می شوند ولی سرعت افزایش آن کم می شود .

۲-۳- نرخ تنازلی : در این نرخ هر چه مبنای مالیات وسیعتر می شود ، از نرخ مالیات کاسته می شود .
برخی از مالیات بر مصرف این گونه هستند .

نرخ A	نرخ B	نرخ C	نرخ D	نرخ E				
A	>	B	>	C	>	D	>	E

$A > B > C > D > E$

← نرخ تناسبی : موقعیت نرخ نسبت به تغییرات مبنا ثابت - مغایر با اصل عدالت مالیاتی

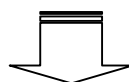
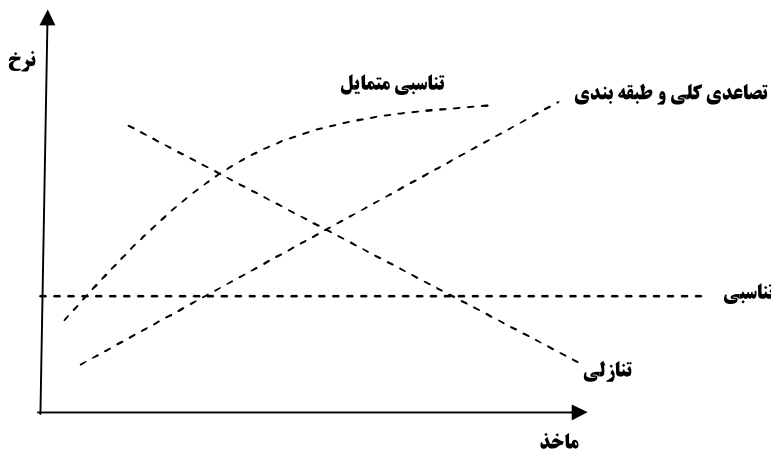
← نرخ تصاعدی: موقعیت نرخ نسبت به تغییرات مبنا متغیر

← تصاعدی کلی مغایر با عدالت مالیاتی

← تصاعدی طبقه ای موافق با عدالت مالیاتی

← تصاعدی متمایل مغایر با عدالت مالیاتی

← نرخ تنازلی: موقعیت نرخ نسبت به تغییرات مبنا متغیر - مغایر با اصل عدالت مالیاتی



۳- مبلغ مالیات = نرخ * مبلغ مالیات

ماهیت مالیات به نرخ مالیاتی و ماخذ مالیات بستگی دارد. و ایندو برهم نیز موثرند مثلا یک نرخ تناسبی ممکن است بر اثر بخشودگی ها و معافیت‌های متعدد قانونی در طبقات مختلف در عمل به یک نرخ تصاعدی تبدیل شود.



هرگونه افزایش در درآمدها مالیات به یک از صور زیر قابل حصول است:

افزایش نرخ مالیات‌های موجود و جاری؛

افزایش مبنای مالیات‌های موجود و جاری از طریق حذف معافیت‌ها و بخشودگی‌ها

برقراری مالیات جدید



ظرفیت مالیات Tax capacity

ظرفیتی که بر اساس آن (در حدود آن) کلیه برداشتهای مالیاتی صورت می‌گیرد و مبنای ظرفیت اقتصادی است و از دو جهت بررسی می‌شود.

(۱) ظرفیت مالیاتی درآمد ملی مربوط به درآمد

(۲) ظرفیت مالیاتی سرمایه ملی مربوط به سرمایه

(۱) عبارتست از توانایی مالی در آمد ملی در ایجاد درآمدهای مالیاتی



عوامل موثر بر ظرفیت مالیات ملی: مربوط به درآمد

الف) عوامل انسانی: ظرفیت مالی ← ملی تولید ملی ← عوامل انسانی شامل:

حجم جمعیت - ساختمان جمعیت - عکس العمل و روحیه جمعیت در مقابل مالیات

حجم جمعیت: هماهنگی بین جمعیت و ثروتهای طبیعی جامعه (کم جمعیت و پر جمعیت)

ساختمان جمعیت:

✓ درصد طبقات جمعیت. (پیر و جوان، سطح تحصیلات، عنصر کار در خانواده و تعداد مصرف کننده در خانواده)

✓ روند تغییرات جامعه از نظر جمعیتی (درصد افزایش تولد نوزادان یا مرگ و میر افراد جامعه) و متوسط شاخص عمر



✓ تقارن در مصرف و هماهنگی اقتصادی جامعه (پیش بینی و قابلیت آن) همسو بودن همگی جامعه در الگوی مصرف

عکس العمل و روحیه جمعیت در مقابل مالیات:

- ✓ حساسیت دین (زکات و پرداخت مالیات وظیفه شرعی) دیدن آثار
- ✓ همسوبودن اقشار جامعه در تحمل بار مالیاتی و یا انتقال آن به دیگری
- ✓ گردش درست مهم مالیات در جامعه (تحرك صحيح) از لحاظ انسانی و وجدانی و اعتقادی

ب) عوامل اقتصادی

ساختمان اقتصادی اوضاع و احوال اقتصادی

ساختمان اقتصادی

- آیا اقتصاد توسعه یافته است یا توسعه نیافته؟
 - آیا اقتصاد جامعه کشاورزی است یا صنعتی؟
 - تحرك و گردش ثروت چگونه است؟
 - توزیع در آمد ملی به نحوی است؟ روابط طبقاتی؟
 - ← اخلاق مردم در سرمایه گذاری یا پس انداز (جماد) رکود مالی تحرك مالی
 - ← در کشورهای با اقتصاد صنعتی ماخذ تعلق مالیات وسیع است و بالعکس
 - ← طبقات مختلف جامعه از نظرتوزیع ثروت به ۳ دسته تقسیم می شوند:
- غنی، متوسط فقیر باید هر طبقه نسبت به قدرت مالی خود مالیات بدهند.

اوضاع و احوال اقتصادی

- ← جنگ
- ← تحریم
- ← حوادث غیر مترقبه
- ← انقلاب
- ← و ...

ج) عوامل سیاسی

مواضع سیاسی، درگیر بودن با سایر کشورها از بعد سیاسی، آماده به جنگ بودن یا نبودن افزایش و کاهش بودجه نظامی

۲) ظرفیت مالیاتی سرمایه ملی مربوط به سرمایه
اگر از ظرفیت مالیاتی در آمد ملی نتوان هزینه های عمومی را تامین کرد: باید از سرمایه ملی برداشت

کرد.



افزایش ظرفیت مالیات سرمایه ملی از دو طریق صورت می گیرد:

۱- افزایش ارزش انواع سرمایه

شامل زیر بخش است:

الف) اضافه ارزش سرمایه از نظر اوضاع و احوال اقتصادی

ب) اضافه ارزش سرمایه حاصل از فعالیت دولت

ج) اضافه ارزش سرمایه مربوط به عوامل پولی

الف) گران شدن زمین، بالا رفتن قیمت جهانی طلا، سهم الارث و سایر اوضاع و احوال اقتصادی از مواردی هستند که حاصل نوسانات، دچار اضافه ارزش می شوند و گاهی این اضافه ارزش بقدری زیاد است که هم عدالت اجتماعی و هم ثروتهای طبقاتی را بر هم می زند و دولت از این وضعیت مالیات برداشت می کند مثلا رونق بساز و بفروشی و انبوه سازی و ...

ب) فعالیتهای دولت بصورت احداث کارخانه، توسعه شهرها، راه آهن، راه سازی موجب افزایش ارزش زمینهای حومه می گردد و ارزش آنها را از مسکونی و کشاورزی به تجاری تغییر میدهد، این اضافه ارزش باید بخشی از خود را بشکل مالیات برگرداند.

مثلا ایجاد منطقه آزاد تجاری، اعلام دولت بعنوان پایگاه (پایتخت فرهنگی)، احداث سد و ...

ج) بالا رفتن ارزش پول (نرخ ارز) که می تواند توسط بازار باشد و یا عمدا توسط خود دولت ایجاد

شود.

۲- افزایش حقیقی ثروت ملی



اصول حاکم بر مالیات

۱- قانونی بودن مالیات هیچ مالیاتی نباید اخذ شود مگر به موجب قانون (اصل ۵۱ قانون اساسی)

ماخذ مالیات و نرخ مالیات (ارکان مالیات)

← ارکان مالیات باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسند.

۲- محرمانه بودن اطلاعات مالیاتی پرونده های مالیاتی شامل اسرار مالی شرکت است و محرمانه بودن

آنان الزامیست مگر با حکم قضایی

۳- عدم تبعیض بین مودیان رنگ پوست، دین، نژاد، قومیت نباید بعنوان تبعیض در اخذ مالیات گردد.

۴- عدالت و برابری بار مالیاتی باید بطور عادلانه بین مودیان تقسیم گردد.

تقسیم تساوی از دیدگاه مالیاتی دو بخش است.

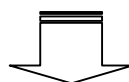
۱- تساوی شخصی در نظر گرفتن وضعیت شخصی معلولیت، بیماری، تاهل، بازنشستگی، وضعیت کار

۲- تساوی عددی تناسب مستقیم با درآمد (دریافتی)

عدالت مالیاتی بر دو نوع است:

- عدالت افقی از افراد در طبقه یکسان باید مالیات یکسان گرفته شود. (پزشکان هم تخصص)

- عدالت عمومی از افراد با درآمد بیشتر باید مالیات بیشتر گرفته شود (کارگر - مهندس - مدیر)



- ۵- **سهولت:** باید حداکثر سهولت در پرداخت مالیات برای مودیان ایجاد شود تسهیلات (محل پرداخت ، شرایط پرداخت ، اظهارنامه)
- ۶- **اطمینان:** مبنای محاسبات ، فرمول و روال اخذ مالیات مشخص و شفاف باشد (مبلغ ، ماخذ ، زمان ، طریقه پرداخت)
- ۷- **صرفه جویی:** وجه اخذ شده از محل مالیات باید در مقابل هزینه های متحمل شده صرفه باشد و منافع بیش از منابع هزینه شده باشد .
- ۸- **حداکثر در آمد:** مالیات باید حداکثر در آمد را برای دولت ایجاد کند ، باید سه ویژگی داشته باشد
- ۱- پر بهره فقط روی یک پایه تکیه نداشته باشد روی همه پایه ها ، راه فرار مالیاتی بسته شود
 - ۲- با ثبات نوسانات اقتصادی کمترین تاثیر را داشته باشد
 - ۳- انعطاف پذیر کشش مالیاتی صفر یا نزدیک به آن باشد و باعث عکس العمل در مردم نشود - مردم با کمترین حس فشار آنرا پرداخت نمایند .
- ۹- **بی طرفی مالیاتی** مردم را به فعالیت خاص تشویق و یا بازداشت ننماید .
فعالیت‌های تولیدی → ← فعالیت‌های تجاری



تعلق مالیات Tax incidence

- ← چه کسی واقعا مالیات را می پردازد ؟
 - ← بار مالیاتی نهایتا به دوش چه کسی است ؟
- مثال : اگر کالای بازار رقابت کامل باشد ، مالیات وضع شده بر کالا به دوش تولید کننده خواهد بود .
- تعلق مالیاتی یعنی ایستگاه نهایی بار مالیاتی پرداخت کنندگان واقعی
- ← تعیین و تشخیص پرداخت کنندگان واقعی مالیات مهم است .

در مالیات‌های مستقیم امکان پذیر هست و در مالیات‌های غیر مستقیم امکان پذیر نیست



چه عواملی بر تعلق مالیات تاثیر گذارند ؟

۱- کشش عرضه و تقاضا

- ← اگر تقاضا برای کالایی با کشش باشد تعلق به تولید کننده بیشتر گرایش پیدا می کند. کالای معمولی ضروری
- ← اگر تقاضا برای کالایی بی کشش باشد تعلق به مصرف کننده بیشتر گرایش پیدا می کند. کالای لوکس
- ← اگر عرضه برای کالایی با کشش باشد ، بار مالیاتی به جانب مصرف کننده متمایل خواهد بود .
- ← اگر عرضه برای کالایی بی کشش باشد ، بار مالیاتی به جانب تولید کننده متمایل خواهد بود .



۲- قیمت

← اصلی ترین راه انتقال بار مالیاتی ، تغییر قیمت هاست ، اگر مالیات ها موجب تغییر قیمت نشود ، انتقال بار مالیاتی نخواهیم داشت .

۳- زمان

اگر زمان را به سه بخش کوتاه مدت - میان مدت - بلند مدت تقسیم کنیم بدیهی است که انتقال بار مالیاتی در کوتاه مدت و تا حدودی میان مدت به تولید کننده آنهم بصورت سود کمتر ناشی از کم شدن تقاضا بر می گردد اما در بلند مدت بار مالیاتی به مصرف کننده منتقل می گردد .

۴- هزینه

انتقال بار مالیاتی هزینه را افزایش میدهند و افزایش قیمت از تقاضا کم می کند تقاضای کم منجر به کاهش تولید می شود و کاهش تولید سبب سرشکن شدن سر بار روی تعداد تولید کمتر و در نتیجه افزایش قیمت می شود . و این افزایش به مصرف کنندگان منتقل می شود .

۵- طبیعت مالیات

نوع مالیات مستقیم یا غیر مستقیم هم بر تعلق مالیاتی موثر هستند

۶- شکل بازار

بازار رقابت کامل ، رقابت انحصاری ، انحصار چند جانبه و انحصار کامل در بازار رقابت کامل انتقال بار مالیاتی معنا ندارد و هر چه بصورت انحصار کامل نزدیک تر می شویم ، انتقال بار مالیاتی برای مصرف کننده بیشتر می شود .



اصابت مالیاتی

اصابت مالیاتی یعنی تعیین اولین گروه برخورد کنندگان مالیات یعنی عکس تعلق مالیاتی



اثر مالیاتی

نتایجی که به تبع اخذ مالیات بوجود می آید . اثر بر فروش و



انتقال مالیاتی

یعنی جابجا کردن بار مالیاتی تا مرحله تعلق مالیاتی ، یعنی فاصله بین اصابت مالیاتی تا تعلق مالیاتی



مراحل انتقال مالیات

۱- برخورد اولیه ۲- انتقال مالیات ۳- برخورد نهایی ۴- اثر مالیاتی



اشکال انتقال مالیات

- ۱- انتقال مالیات به فعالیتهای بعدی مصرف کننده نهایی
- ۲- انتقال مالیات به فعالیتهای قبلی عوامل تولید
- ۳- تبدیل مالیات به سرمایه (کاپیتالیزه شدن سرمایه)
- ۴- افزایش حجم فروش و تغییر تولید

- ۱- چنانچه مقدور باشد مالیات پرداخت شده توسط تولید کننده از طریق افزایش قیمت به مراحل بعدی تا خرده فروش و نهایتا مصرف کننده منتقل می شود که بستگی به حساس بودن کالا به قیمت است . (اگر حساس باشد مصرف کننده نهایی ناچار به خرید آن می باشد)
- ۲- چنانچه افزایش قیمت مقدور نباشد ، تولید کننده سعی می کند از طریق خرید مواد اولیه ارزانتر و یا پایین آوردن نیروی هزینه کار تولید (سربار مستقیم و غیر مستقیم) و یا نهایت صرفه جویی معقول و یا نا معقول (غذا و پوشاک ندادن به کارگران) جبران مالیات نموده و آنرا انتقال دهد.
- ۳- در مواردی که انتقال مالیات به دو طریق قبل تحقق پیدا نکند و مالیات به اموال نامعقول زمین ، خانه و ... بسته شود ، مالیات به ارزش آن اضافه می شود که به آن کاپیتالیزه شدن سرمایه گوئیم .
- ۴- اثر منفی انتقال که ممکن است منجر به تغییر جهت در روند اقتصادی در سطح کلان شود .



عوامل موثر در انتقال مالیات

- ۱- **نوع مالیات**
مالیات مستقیم یا غیر مستقیم
در مالیات مستقیم انتقال مالیات بسیار مشکل و یا غیر ممکن است ولی در مالیات غیر مستقیم انتقال مالیات راحت تر است .
- ۲- **مقدار مالیات**
هر چه مقدار مالیات بیشتر باشد سعی در انتقال آن بیشتر خواهد بود
- ۳- **اعتقاد به نظام مالیاتی**
فرهنگ مالیاتی
- ۴- **دوره زمانی**
در کوتاه مدت انتقال سخت تر و در دراز مدت انتقال آسانتر است
- ۵- **منطقه جغرافیایی**
گستره جغرافیایی تعلق مالیات هر چه گسترده تر باشد امکان جابجایی (قاچاق) کالا از منطقه به منطقه کمتر است
- ۶- **سیاستهای مختلف اقتصادی دولت**
انتقال مالیات به سایر سیاستهای اقتصادی دولت هم بستگی دارد .
اهداف دولت از اخذ مالیات ، سیاست کنترل قیمت ها و دستمزدها و ...
- ۷- **نوع بازار**
کشش منحنی عرضه و تقاضا برای تقاضا کننده و عرضه کننده و اینکه افزایش قیمت توسط عرضه کننده تا چه حدی بر روی مقدار (کشش منحنی های عرضه و تقاضا) خرید مصرف کننده تاثیر گذار است؟



- ← اگر تقاضا برای کالایی با کشش باشد بار مالیاتی به مصرف کننده امکان دارد انتقال می یابد .
- ← اگر تقاضا برای کالایی کم کشش باشد تولید کننده براحتی بار را به مصرف کننده منتقل می کند .



اشخاص مشمول مالیات

کلیه افراد حقیقی یا حقوقی که در ایران دارایی داشته و یا در آمدی کسب می کنند (ایرانی و غیر ایرانی)



قرائن مالیاتی ، ضرایب مالیاتی

- * **قرائن مالیاتی** عبارتست از عواملی که در هر رشته از مشاغل که می توان از روی آن درآمد شغل را تعیین کرده و یا تقریبا تشخیص داد
- ← پزشکی : تعداد برگه های دفتر چه بیمه داده شده به اداره بیمه جهت تسویه حساب ، تعداد عمل های انجام داده در بیمارستانهای مختلف
- ← فروش : فاکتورهای فروش صادر شده به سایرین که در لیست خرید سایرین به واحد اطلاعات مالیاتی مشخص می باشد
- ← قرائن مالیاتی غالبا از مراجعی جز خود افراد تعیین می شود . وکلا : تعداد تمبر مصرفی و حق التحریر و حق الزحمه در دفاتر اسناد رسمی
- * **ضرایب مالیاتی** : ارقام مشخصه ای که بصورت ضریب توسط کمیته ای مشخص می شود تا ضربدر قرائن شود و نهایتا مبلغ مالیات بدست آید .
- ← ضرایب و قرائن هنگامی معنی دارند که مودی اطلاعات درست در مورد فروش و درآمد خود ندهد که در آن صورت تعیین مالیات علی الراس گویند . تعیین مالیات علی الراس = ضرایب * قرائن



سال مالیاتی

- * دولت و مشاغل حقیقی : از ابتدای فروردین تا پایان اسفند
- * مشاغل خصوصی : مطابق اساسنامه
- * جهت دادن اظهارنامه (مالیات تکلیفی) چهار ماه بعد از سال مالی



انواع مالیات:

مالیات ها بر اساس اینکه از گروه هدف چگونه گرفته شود به دو دسته تقسیم می شوند: (منبع در آمد)

۱- مالیاتهای مستقیم

۲- مالیاتهای غیر مستقیم

❖ مالیاتهای مستقیم مالیاتهایی هستند که مستقیماً از گروه هدف گرفته می شوند و انتقال بار مالیاتی دشوار و یا غیر ممکن است.

❖ در مالیاتهای غیر مستقیم پرداخت کننده نامشخص و تحقق آن بستگی به نظر افراد دارد و قابلیت انتقال بالایی دارند.

۱- مالیاتهای مستقیم:

مزایا

۱- **عادلانانه بودن**: از فرد درآمد دار کسب می گردد و با نرخ تصاعدی غالباً از افراد با درآمد بیشتر، بیشتر مالیات گرفته می شود.

۲- **اقتصادی بودن**: هزینه جمع آوری مالیاتهای کمتر است

۳- **معین بودن**: وقت اندازه گیری آن زیاد است و پرداخت کنندگان و دولت از میزان آن مطلع هستند. دولت هم در پیش بینی بودجه بیشتر روی آن حساب باز می کند

۴- **باککش بودن**: ضریب کشش مالیاتهای مستقیم بالاست. تابع در آمد هستند.

۵- **هوشیار سازی**: پرداخت کننده مالیات متوجه مالیات پرداختی می شود و در نتیجه توقع و انتظارات هم از دولت در خصوص نحوه خرج مالیات بیشتر می شود (پاسخگویی)

۶- **نداشتن ارتباط مستقیم با قیمت**: زیاد نمی توان روی ازدیاد قیمت ارتباط آن با مالیات مستقیم مآور داد.

معایب

۱- **درد آفرینی**: پرداخت آن درد دارد. زمینه های ذهنی منفی

۲- **پذیرفتنی نبودن**: چرا باید مالیات دهند؟ کسی دوست ندارد. نیاز به توضیح زیاد و فرهنگ مالیاتی

۳- **گریز پذیری**: طفره رفتن و گریختن از مالیاتهای مستقیم آسان است. (دفاتر تقلبی، فاکتورهای نادرست و اطلاعات غلط مالی)

۴- **دل به خواه بودن**: دست دولت در تعیین نرخ باز است.

۲- مالیاتهای غیر مستقیم

مزایا

۱- **راحتی**: دولت هزینه جمع آوری ندارد. خود مودیان بطور خودکار برای پرداخت مالیات می آیند.

۲- **گریز ناپذیری**: مالیات با قیمت عجین شده است و طفره رفتن مشکل است.

۳- **عادلانانه بودن یا نبودن** (شمشیر دو لبه) اگر بر روی کالای لوکس بسته شود عادلانه است و اگر بر روی کالای عادی بسته شود ناعادلانه.

۴- **باککش بودن**: اگر این مالیات را بر روی کالای ضروری یا کالای که تقاضا برایشان بی کشش است سرشکن نمائیم، باککش است.

۵- **اثرات اجتماعی سودمند**: مصرف کالایی را می توان محدود کرد و یا تشویق به مصرف کرد.

۶- **تشکیل سرمایه**: این مالیاتها، سهم مصرف را در ترکیب درآمد قابل تصرف کاهش و سهم پس انداز را افزایش میدهند و در نتیجه پس اندازها را می توان در فرایند تولید بکار گرفت.



- ۷- **بازجایی عوامل تولید:** مالیات بر روی برخی کالاها تولید آنرا محدود می کند و در نتیجه منابع به سوی تولیدات دیگر می روند.
- ۸- **مشمول وسیع:** مودیان (مصرف کننده و ...) مشمول بیشترند .
- ۹- **مولد بودن:** درآمد تولید شده ان بمراتب بیشترند ولی در زمان نا مشخص .
- ۱۰- **جانشینی برای مالیاتهای مستقیم:** در مواردی که مالیاتها مستقیم اثر منفی بر پس انداز و سرمایه گذاری دارند ، غیر مستقیم بهتر است .

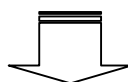
معایب

- ۱- **نامعین بودن:** میزان مالیات غیر مستقیم تحمیلی بر یک کالا را همواره نمی توان پیش بینی کرد و در نتیجه پیش بینی در آمد حاصله نیز سخت است (بخاطر انتقال بار مالیاتی)
- ۲- **تنازلی بودن:** فقیر و غنی به یک مقدار مالیات میدهند و چون سهم درآمد بیشتری از فقرا صرف مالیات می شود عملا به آنان ظلم بیشتر می شود .
- ۳- **هوشیار ناسازی:** چون پرداخت آن احساس نمی شود آگاهی هم نخواهد بود و دولت هم پاسخگویی کمتر دارد .
- ۴- **خطر غیر اقتصادی بودن:** نیاز به تشکیلات اداری دارد و می تواند تشکیلات نادرست هزینه زا باشد و ضمنا نشتی زیاد دارد زیرا انتقال بار مالیاتی دارد و در این میان ممکن است با تدابیری دولت کم دریافت کند.
- ۵- **خط تورم زا بودن:** در دام شرایط روانی مساعد تورم بودن
- ۶- **خطر گریز پذیری:** دامنه مشمول ناصحیح، استفاده از کالاهای جایگزین، چگونگی تدوین قوانین
- ۷- **رفاه زدایی:** در کل رفاه اجتماعی را پایین میاورد چون افزایش قیمت را بدنبال دارد.



مقایسه مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم

- ۱- پرداخت کننده مالیات مستقیم مشخص و در غیر مستقیم نا مشخص است .
- ۲- نوسانات مالیات مستقیم کم و غیر مستقیم زیاد است
- ۳- مالیات مستقیم با فرهنگ مالیاتی نسبت مستقیم و غیر مستقیم ارتباط چندانی ندارد
- ۴- مالیاتهای مستقیم یکباره پرداخت می شوند ، غیر مستقیم به مرور
- ۵- مالیاتهای غیر مستقیم ابزار سیاستگذاری بهتر هستند نا مستقیم
- ۶- مالیاتهای مستقیم بیشتر جلب نظر می کنند ، غیر مستقیم خیر (نا محسوس)
- ۷- مالیاتهای مستقیم به عدالت مالیاتی نزدیکتر هستند اما در غیر مستقیم با شرط و شروط
- ۸- مالیاتهای مستقیم نقش بیشتری در توزیع مجدد در آمد دارند ، غیر مستقیم با شرط (نوع کالا)
- ۹- در کشورها توسعه یافته سهم مالیات غیرمستقیم بیشتر است (تاکید بیشتر روی غیر مستقیم است)
- ۱۰- مالیاتهای مستقیم ضد تورم هستند غیر مستقیم تورم زا



مهم‌ترین مالیات‌هاک مستقیم و غیر مستقیم معمول در اغلب کشورها

(۱) مالیات بر درآمد شخصی

این مالیات ممکن است بر انواع درآمد شخص یا بر مجموع درآمد وی وضع شود. در مالیات بر انواع درآمد، هریک از منابع متعدد درآمد شخصی (مانند حقوق، بهره پول، درآمد املاک، اجاره‌بهای مستغلات، درآمد حاصل از تصدی مشاغل آزاد مانند درآمد پزشکان، وکلای دادگستری و...) معمولاً به طرق و نرخ‌های مختلف مشمول مالیات قرار می‌گیرد.

در مالیات بر مجموع درآمد کلیه عواید شخص از منابع مختلف درآمد روی هم محاسبه می‌شود و معمولاً پس از کسر بخشودگی‌های مقرر در قانون با «نرخ‌های تصاعدی» مشمول مالیات قرار می‌گیرد. به‌طور کلی وصول مالیات بر انواع درآمد سهل‌تر است ولی مالیات بر مجموع درآمد بیشتر منطبق با عدالت مالیاتی است. از آن جا که مالیات بر درآمد شخصی به ترتیبی که توضیح داده خواهد شد یک نوع انعطاف‌پذیری در دریافت مالیات بوجود می‌آورد که یکی از عوامل مهم ثبات اقتصادی محسوب می‌شود، امروزه در اغلب کشورها مالیات بر درآمد مهم‌ترین منبع عواید دولتی به حساب می‌آید.

انتقاد وارد بر مالیات بر درآمد شخصی این است که موجب کاهش انگیزه‌ی فعالیت شخصی و سرمایه‌گذاری مولد می‌گردد. اما مالیات بر درآمد دو جنبه دارد که ممکن است اثرات یکدیگر را خنثی کنند. از یک سو چون دولت قسمتی از درآمد حاصل از کار و فعالیت افراد را به عنوان مالیات اخذ می‌کند بدین جهت ممکن است افراد فراغت را به کار و فعالیت بیشتر ترجیح دهند و این عمل از نظر اقتصادی مفید نمی‌باشد. از سوی دیگر چون مالیات بر درآمد شخصی باعث می‌شود که پس از کسر مالیات، درآمد خالص (درآمد قابل تصرف) کمتری باقی بماند، ممکن است این امر موجب شود که افراد برای حفظ سطح زندگی و میزان مصرف خود بر ساعات کار بیافزایند و با کوشش و فعالیت بیشتر کمبود درآمد را جبران کنند. اما بی‌شک مالیات بر درآمد شخصی باعث کاهش پس‌اندازهای اختیاری افراد می‌شود و این امر ممکن است موجب تقلیل سرمایه‌گذاری خصوصی شود که باید با سرمایه‌گذاری دولتی جبران شود.

(۲) مالیات بر درآمد شرکت‌ها

از مجموع عواید شرکت، مخارج و هزینه‌های مختلف کسر می‌گردد و درآمد ویژه باقی می‌ماند که به نرخ‌های تصاعدی مشمول مالیات قرار می‌گیرد. لیکن محاسبه درآمد ویژه شرکت‌ها و نوع هزینه‌هایی که باید کسر شود به سادگی امکان‌پذیر نیست. از طرف دیگر باید میان مالیات و سرمایه‌ی اولیه‌ی تشکیل شرکت‌ها تناسب معقولی برقرار گردد تا عدالت مالیاتی رعایت شود؛ به گونه‌ای که شرکت‌های با سرمایه‌ی اولیه‌ی کم‌تر مالیات کمتری نسبت به شرکت‌های با سرمایه‌ی اولیه‌ی بیشتر بپردازند. برای حل این مسائل روش‌های مختلف مالی و حسابداری به کار گرفته می‌شود.

شرکت‌های بازرگانی سعی می‌کنند که قیمت و میزان تولید خود را به نحوی تنظیم کنند که منافع آن‌ها حداکثر شود، پس همیشه این امکان وجود دارد که شرکت‌های مذکور از طریق افزایش قیمت کالای خود قسمتی از مالیات متعلقه را به مصرف‌کنندگان انتقال دهند. چنانچه تقاضا برای کالای مزبور در مقابل افزایش قیمت چندان تغییر نکند (مردم مجبور باشند آن کالا را تهیه کنند و کالا ضروری باشد) امکان انتقال مالیات بیشتر است.



مالیات بردرآمد شرکتها از مقدار وجوهی که در سرمایه گذاری جدید به کار می افتد می کاهد، زیرا این نوع مالیات باعث می گردد که از سرمایه گذاری مجدد مقدار وجوهی که به عنوان مالیات به دولت پرداخت می شود جلوگیری به عمل آید و سود قابل توزیع بین صاحبان سهام نیز کاسته شود. واضح است که کاهش پس انداز شرکت و همچنین تنزل پس انداز صاحبان سهام به علت تقلیل سود سهام که در نتیجه وضع مالیات حاصل شده است، در بازار پول و سرمایه اثر می گذارد و نتیجتاً در کاهش سرمایه گذاری مؤثر واقع می شود. به همین جهت در بسیاری از کشورها سود توزیع نشده شرکتها از پرداخت مالیات معاف می گردد و در تعیین نرخهای مالیات بردرآمد شرکتها نیز جانب اعتدال رعایت می شود.

۳) مالیات بر دارایی

مالیات بر دارایی به انواع مختلفی مانند مالیات بر ارزش اراضی، مالیات بر ارث و نقل و انتقالات بلاعوض و مالیات نقل و انتقالات قطعی تقسیم می شود. مالیات بر ارث و نقل و انتقالات بلاعوض در تعدیل توزیع غیر عادلانه ثروت مؤثر است و از نظر اداری نیز تشخیص و وصول آن نسبتاً آسان است. مالیات بر اراضی ممکن است بر قیمت اراضی و یا افزایش ارزش اراضی وضع شود. در صورتی که مالیات بر اضافه ارزش اراضی وضع شود اضافه ارزش مزبور هر ساله ارزیابی می شود و مشمول مالیات قرار می گیرد. گاهی مالیات بر اضافه ارزش اراضی در موقع انتقال املاک و اراضی وصول می گردد. معمولاً هر قدر فاصله بین خرید و فروش کمتر باشد نرخ مالیات بیشتر است و بدین ترتیب مبلغ مالیات با فاصله زمانی بین خرید و فروش اموال و مقدار منفعتی که در نتیجه معامله حاصل گردیده است ارتباط پیدا می کند. مالیاتهای مزبور وسیله مؤثری برای جلوگیری از سفته بازی در معاملات غیر منقول به شمار می رود و ممکن است در تجهیز پس انداز خصوصی برای سرمایه گذاری مولد مؤثر واقع شود. در بسیاری از کشورها، مالیات بر اراضی و منازل مسکونی مهم ترین منبع درآمد برای شهرداریها و حکومتهای محلی به شمار می رود.

۴) مالیات بر مصرف و فروش

مالیات بر مصرف که نوعی مالیات غیر مستقیم است، روی قیمت کالاهای مورد مصرف عمومی کشیده می شود و از تولید کننده کالاهای و خدمات مزبور وصول می شود. بنابراین مالیات بر مصرف جزئی از قیمت کالا را تشکیل می دهد به نحوی که معمولاً مصرف کننده نمی تواند تشخیص دهد چه مقدار از قیمت کالا بابت مالیاتی است که تولید کننده و یا فروشنده به دولت می پردازد. مالیات بر مصرف اغلب به کالاهای و خدماتی تعلق می گیرد که در مقابل تغییرات قیمت حساسیت کمی دارند و به همین جهت این نوع مالیات یکی از منابع مهم درآمد دولت را تشکیل می دهد. کالاهای و خدماتی که در اغلب کشورها مشمول مالیات بر مصرف قرار می گیرند عبارتند از: دخانیات، بنزین، قند و شکر و بعضی دیگر از کالاهای تجملاتی و ضروری، چون اگر این مالیات بر کالاهای ضروری وضع شود، سنگینی آن را طبقات کم بضاعت بیشتر احساس می کنند.

مالیات بر فروش به کالاهایی تعلق می گیرد که در مرحله خرده فروشی به دست مصرف کننده می رسد. در این نوع مالیات فروشگاهها موظف هستند که مبلغ مالیات را مجزا از قیمت کالا حساب نموده و در یک رقم



جداگانه به نحوی که مصرف کننده از مبلغ آن اطلاع حاصل کند، دریافت دارند. غرض از این نوع محاسبه آن است که مصرف کننده مالیات را بپردازد. در ایران این نوع مالیات وجود ندارد.

۵) مالیات بر ارزش افزوده (VAT)

به طور خلاصه مالیات بر ارزش افزوده نوعی مالیات غیرمستقیم عام بر عموم کالاها و خدمات (مگر موارد معاف) است که به صورت چند مرحله‌ای از اضافه ارزش کالاهای تولید شده (ارزشی که در هر مرحله به ارزش کالا افزوده می‌شود) یا خدمات ارائه شده در مراحل مختلف تولید و توزیع اخذ می‌شود. به عبارت دیگر مالیاتی است که در طول فرآیند تولید و خدمات از محل تولید تا فروش کالا به مشتری نهایی، مرحله به مرحله اخذ می‌شود. نکته مهم آن که چون جمع ارزش افزوده‌های بنگاه‌های اقتصادی در یک کشور برابر تولید ملی همان کشور است (معاملات واسطه‌ای - کل معاملات = ارزش افزوده) بنابراین مالیات بر ارزش افزوده، برابر مالیات بر تولید ناخالص ملی است. به عبارت دیگر پایه مالیات بر ارزش افزوده، تولید ناخالص ملی است.

اکثریت بالایی از کشورهای پذیرنده‌ی مالیات بر ارزش افزوده، این مالیات را تا حد زیادی جایگزین مالیات‌های دیگر به خصوص مالیات‌های بر مصرف و فروش ساخته‌اند. باید توجه داشت که به علت گستردگی پایه مالیاتی در این نوع مالیات می‌توان نرخ مالیاتی را در سطح پایین برقرار کرد.

مالیات بر ارزش افزوده می‌تواند تا حد زیادی جایگزین مالیات‌های دیگر شود، هم‌چنین امکان دارد این مالیات بخشی از فعالیت‌های اقتصادی را که تحت پوشش قرارداد آن‌ها با استفاده از سایر روش‌ها مثل مالیات بر فروش دشوار است را پوشش دهد.

مالیات بر ارزش افزوده سازوکار خود اجرایی دارد، لذا احتمالاً هزینه‌های جمع‌آوری در مقایسه با سایر روش‌های اخذ مالیات پایین‌تر است. هم‌چنین استفاده از این روش موجب کاهش مالیات مضاعف، کاهش فرارهای مالیاتی و کاهش وقفه زمانی پرداخت نیز می‌شود. این نوع مالیات به دلیل افزایش قیمت تمام شده‌ی فروش در مراحل مختلف ممکن است اثر تورمی داشته باشد، اما چنانچه با گسترش پایه‌ی مالیاتی نرخ‌های مالیات کاهش یابد، چندان به صراحت نمی‌توان در این خصوص اظهار نظر کرد.

هم‌چنین اثر این مالیات در درآمد گروه‌های کم‌درآمد غیرقابل اجتناب خواهد بود. حتی اگر مالیات فوق به آخرین حلقه که خرده فروشی است برقرار نشود، انتقال مالیات به قیمت خرده فروشی قطعی خواهد بود در نتیجه گروه‌های با درآمد کم و متوسط نسبت به گروه‌های با درآمد بالا، سهم بیشتری از درآمدشان را بابت مالیات پرداخت می‌کنند این مالیات تنازلی است.



کشش عرضه و تقاضا و ارتباط آن با مالیات

- ← حساسیت یک متغیر در مقابل متغیر دیگر در علم اقتصاد کشش نام دارد .
- ← کشش بصورت درصد تغییر هم نشان داده می شود. در صد تغییرات یک متغیر نسبت به متغیر دیگر

تقاضا موثر بر: ← **قیمت** → موثر بر: **عرضه**

- ← در اقتصاد عموماً چهار نوع کشش مد نظر است :
 ۱- کشش قیمتی تقاضا ۲- کشش قیمتی عرضه
 ۳- کشش درآمدی تقاضا ۴- کشش متقاطع (درصد تغییر تقاضای یک کالا در اثر تغییر قیمت کالای

دیگر)

- ← در اقتصاد بازار رقابتی هم خریداران و هم عرضه کنندگان قیمت پذیر هستند یعنی تا زمانی به خرید و فروش علاقمند هستند که برای آنها ارزش افزوده و سود داشته باشد بنابراین کشش قیمتی تقاضا و فروش منعکس کننده این علاقمندی است .

- ← کشش عرضه و تقاضا ، حساسیت و واکنش عرضه و تقاضا را نسبت به قیمت نشان میدهند .
 کشش عرضه یعنی اگر قیمت کالا یک درصد افزایش یابد عرضه کنندگان آن کالا چند درصد عرضه بیشتری دارند .

- ← کالاهای براساس کشش درآمدی به ۳ دسته تقسیم می شوند .

۱- کالای پست ۲- کالای عمومی ۳- کالای لوکس

- ۱- کالای پست : با افزایش درآمد ، تقاضا برای آن کاهش یابد و بالعکس (کشش درآمدی کمتر از صفر)

- ۲- کالای ضروری : کشش درآمدی بین ۰ و ۱ می باشد . درصد تغییرات تقاضا برای کالا چند درصد عرضه بیشتری دارند . درصد تغییرات قیمت باشد و جهت تغییرات مثبت است (درآمد افزایش یابد ، تقاضا هم افزایش میابد اما نه به اندازه تغییرات قیمت)

- ۳- کالای لوکس : کشش درآمدی بزرگتر از یک است ، درصد تغییرات تقاضا بیش درصد تغییرات درآمد است . (با افزایش درآمد تقاضا بیش از درآمد تغییر می یابد)

❖ برای افراد با درآمد پایین اکثر کالاهای لوکس است و بالعکس

- ❖ کشش درآمدی مربوط به یک کالا به میزان درآمد مصرف کننده تغییر می کند در سطوح درآمدی پایین کالاهای لوکس ، در سطوح درآمدی متوسط کالاهای ضروری و در سطوح درآمدی بالا اکثر کالاهای پست می باشند .



۱- کشش قیمتی تقاضا: درصد تغییرات مقدار تقاضا بر درصد تغییرات قیمت کالا

یا درصد تغییرات در قیمت چقدر تغییر در تقاضای کالا ایجاد می کند

- ❖ قیمت مطرح نیست ، (گرانی یا ارزانی) تغییرات قیمت مطرح است .
- ❖ هر چه درصد تغییرات تقاضا نسبت به تغییرات قیمت بالاتر باشد خارج قسمت این کسر هم بزرگتر

است

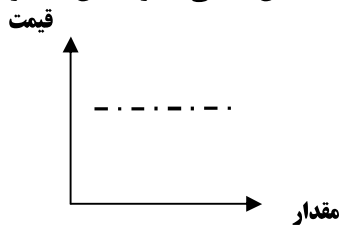
سه حالت پیش میاید :

الف) در صد تغییرات تقاضا نسبت به تغییرات قیمت بالاتر است . با کشش - کشش بی نهایت

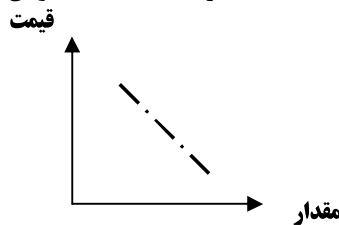
ب) در صد تغییرات تقاضا با تغییرات قیمت برابر است . کشش واحد

ج) در صد تغییرات تقاضا نسبت به تغییرات قیمت کمتر است ولی مثبت. بی کشش - کشش صفر

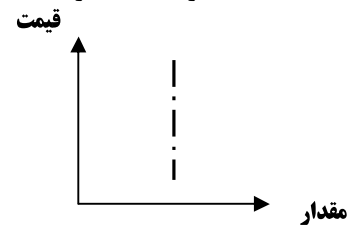
د) در صد تغییرات تقاضا نسبت به تغییرات قیمت معکوس است . کشش منفی - واکنش معکوس



تقاضا کاملا با کشش بینهایت
نان - بنز - فست فود



ماکارونی با مارکهای مختلف



تقاضا کاملا بی کشش صفر - ادویه - نمک -
کبریت - سیگار - انسولین
با بالا رفتن قیمت تقاضا تغییر نمیکند

سوال : مدیران بنگاهها به کدام یک علاقمندند ؟ تقاضا برای کالای تولیدی آنها کشش قیمتی تقاضای کم

داشته باشد یا زیاد ؟

اگر کشش قیمتی تقاضا کم باشد ، یعنی تقاضا به حالت عمودی نزدیک تر باشد . بنگاه می تواند قیمت را افزایش دهد (زیرا می داند تغییرات در مقدار مصرف کالا از تغییرات در قیمت سرعت کمتر دارد) پس مدیران بنگاهها علاقمند به تولید کالاهای کم کشش و یا بی کشش هستند .

راه کم کشش یا بی کشش کردن کالا ، بالا بردن کیفیت و پایین آوردن قیمت است .



عوامل موثر کشش تقاضا

۱- هر چه کالا کم جانشین تر باشد ، کشش قیمتی تقاضای آن کمتر است و کم کشش تر است . (جانشین)

کالای مشابه : از جنس همان کالا و با همان کاربرد - دقیقا تمام ویژگیها را داشته باشد .

کالای مکمل : بموازات هم استفاده می شوند . قند ، چای

کالای جانشین : انتخاب در مصرف یکی بجای دیگری (ویژگیهای نزدیک) - (گوشت مرغ ، گوشت گوسفند

، سویا) ، (شکر و قند)



۲- سهم کالا در هزینه های فرد هر چه سهم کالا در هزینه یا بودجه فرد کمتر باشد کشش آن کمتر است خودکار، نمک برنج چون سهم بیشتری دارد پس کشش قیمتی آن زیاد است هر چه کالا کم کشش تر، حساسیت فرد کمتر کرایه تاکسی، اتوبوس، کرایه خانه (سهم کالا)

۳- هر چه دوره زمانی را بزرگتر بگیریم کشش بیشتر می شود زیرا زمان سبب می شود الگوی مصرف عوض شود و مردم فرصت این را داشته باشند تا جانشینی پیدا کنند. (زمان)
هدفمند کردن یارانه ها - افزایش قیمت ناگهانی دلار و یورو

۴- قیمت کالا هر چه قیمت کالا کمتر باشد، کشش قیمتی تقاضا هم کمتر است. (قیمت کالا)
۵- هر چه تعداد کاربردهای یک کالا بیشتر باشد کشش قیمتی آن نیز بیشتر خواهد بود افزایش قیمت کالا باعث می شود تا از آن در موارد کم اهمیت تر استفاده شود. آهن آلومینیوم، آلومینیوم پر کاربرد تر است. آهن از آلومینیوم پر کشش تر است.



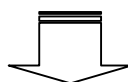
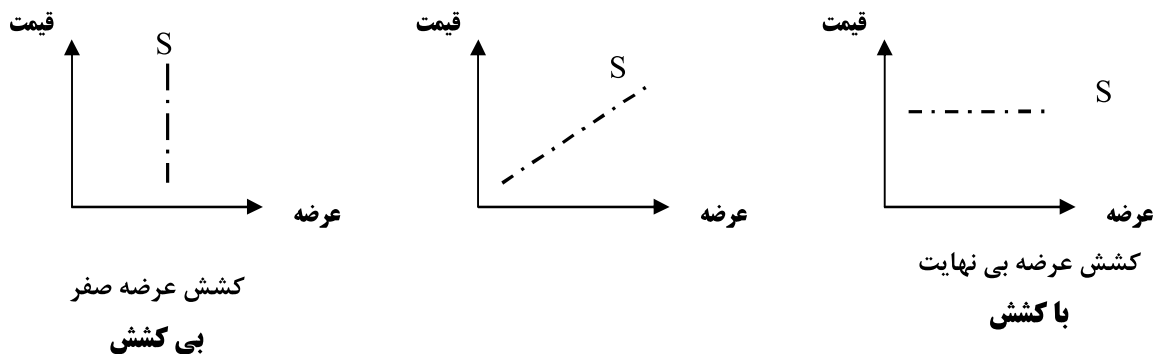
سه رابطه بین کشش و درآمد وجود دارد

الف) وقتی کالا با کشش است رابطه بین قیمت کالا و درآمد کل منفی است.
ب) وقتی کالا دارای کشش واحد است. درآمد کل حداکثر است
ج) وقتی کالا بی کشش است، بین قیمت و درآمد کل رابطه مثبت است اما افزایش قیمت درآمد کل را کاهش میدهد.



❖ مفهوم حراج منظورمان این نیست که فروشنده قبلا قیمت آنرا افزایش داده بود، بلکه می خواهیم این مفهوم را انتقال دهیم که فروشنده، بمنظور افزایش تقاضا قیمت آنرا کاهش داده است.
❖ کشش کالاهای مکمل با هم ارتباط مستقیم دارد.

۲- کشش قیمتی عرضه: درصد تغییرات عرضه نسبت به درصد تغییرات قیمت



← هر چه منحنی عرضه به حالت عمودی نزدیک تر باشد ، کشش قیمتی عرضه آن کمتر است و در حالت عمودی کشش قیمتی عرضه صفر است ، یعنی تغییر قیمت اثری بر عرضه کالا ندارد. و کالا بی کشش است .



عوامل موثر بر کشش قیمتی عرضه

۱- هر چه دوره زمانی کوتاه تر باشد عرضه کشش کمتری دارد ، اگر قیمت گندم ۱۰٪ افزایش پیدا کند در کوتاه مدت امکان تولید گندم وجود ندارد یعنی :

- عرضه آن ثابت است پس در کوتاه مدت ، کشش قیمتی گندم صفر است .
- کشش قیمتی عرضه زمین و محدوده یک شهر برابر صفر است زیرا با افزایش قیمت زمین عرضه نمی تواند بیشتر شود .

۲- امکان تهیه مواد اولیه و کوتاه بودن فرایند تولید
اگر بتوان با افزایش قیمت مواد اولیه بیشتری تهیه کرد و فرایند تولید نیز کوتاه باشد می توان عرضه را افزایش داد پس عرضه با کشش است .



۳- کشش درآمدی تقاضا

درصد تغییرات تقاضا تقسیم بر درصد تغییرات درآمد

سه حالت :

- ۱) کشش درآمدی بزرگتر از صفر کالا عادی (کشش درآمدی بزرگتر از ۱ کالا لوکس-کشش درآمدی بین صفر و یک -کالا ضروری: مواد غذایی)
- ۲) کشش درآمدی کوچکتر از صفر کالای پست
- ۳) کشش درآمدی برابر صفر کالا مستقل از درآمد

- ❖ کالای لوکس کالایی است که کشش درآمدی آن بزرگتر از ۱ باشد .
- ❖ اگر مدیر بنگاه پیش بینی کند درآمد مردم در آینده بالا می رود باید به سمت تولید کالاهایی برود که کشش درآمدی آنها بزرگتر باشد و در زمان رکود باید کالای پست تولید کند .
- ❖ اگر از آینده اقتصادی کشور نامطمئن هستیم بهتر است کالاهایی که کشش درآمدی نزدیک به صفر دارند را تولید کرد .



۴- کشش متقاطع

رابطه بین تغییر قیمت یک کالا با مقدار تقاضای کالای دیگر بر حسب درصد مثلا تغییر قیمت سیب و تغییر تقاضا در پرتقال



- ❖ اگر کشش متقاطع دو کالا مثبت باشد ، دو کالا جانشین هم می باشند .
- ❖ اگر کشش متقاطع دو کالا منفی باشد ، دو کالا مکمل هم می باشند .
- ❖ اگر کشش متقاطع دو کالا صفر باشد ، دو کالا مستقل از هم می باشند .
- ❖ هر چه کشش متقاطع دو کالا مثبت و بزرگتر شود دو کالا جانشین بهتر برای هم هستند .



چند سوال : (کار دانشجویی - تحقیق)

- ۱- اگر بخواهیم یارانه دولت بیشتر نصیب افراد کم درآمد شود باید بیشتر به کالاهای با کشش بالا یارانه پرداخت شود یا کشش پایین ؟
- ۲- اگر هواشناسی اعلام نماید در سال آینده باران زیاد می بارد ، این یک خبر خوب برای کشاورز است یا خبر بد ؟
- ۳- با کشش متقاطع چگونه می توان تعیین کرد یک رقیب قوی است و یک رقیب ضعیف ؟
- ۴- آیا میتوان شیب منحنی تقاضای سیب در ایران و آلمان را با هم مقایسه کرد ؟ کشش تقاضای سیب را چطور ؟



اثرات مالیات بر اقتصاد

مالیات علیرغم سود آور بودن برای دولت برای اقتصاد هزینه دارد .

****ظرفیت مالیاتی :**

پس از کسر حداقل معیشت از تولید ناخالص داخلی آنچه باقی می ماند ظرفیت مالیاتی جامعه است . مقیاس و معیار مشخصی برای تعیین و شناسایی حداقل معیشت وجود ندارد . ظرفیت مالیاتی نشان دهنده توان اقتصادی یک کشور برای مالیات بندی است . نسبت کل درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی نشاندهنده نسبت مالیاتی حقیقی است .

← کشوری که از نسبت مالیاتی بیشتری برخوردار است ، کوشش بیشتری در افزایش مالیات بکار میبرد و در نتیجه زمینه گسترش درآمد مالیاتی در این کشور محدود تر می شود و بر عکس .

← اگر شاخص کوشش مالیاتی در کشوری ، یک باشد یعنی کشور از تمام ظرفیت مالیاتی خود استفاده کرده است و اگر کوچکتر از یک باشد عدم استفاده و اگر بزرگتر از یک ، بیش از ظرفیت موجود کوشش مالیاتی بکار گرفته شده است .

مثال : فرض کنید فردی بستنی را به قیمت ۸۰ تومان بطور روزانه می خرد . دولت تصمیم می گیرد ۲۰٪ به ارزش هر بستنی مالیات وضع کند حالا قیمت بستنی ۱۰۰ تومان شده است چنانچه فرد از خرید بستنی صرف نظر کند ، آیا می توان گفت که مالیات صفر می پردازد و این فرد با صرفه نظر ، اثر مالیات را نپذیرفته است؟



وی در ظاهر مالیات نمیدهد ولی حالا باید چیزی را جایگزین کند که برایش مطلوبیت کمتر دارد یعنی به مطلوبیت کمتر رضایت میدهد یعنی بدون آنکه مالیاتی بدهد، وضع او بدتر شده است. مالیات عموماً باعث کاهش مصرف می شود ولی آنرا صفر نمی کند، مالیاتها غالباً باعث تغییر و انحراف انتخاب و تصمیمات اقتصادی می شوند و این یعنی بار اضافی، یعنی اینکه قبل از آنکه از مردم پولی دریافت شود، بر ایشان هزینه اضافی ایجاد می شود که به آن هزینه رفاهی یا هزینه از دست رفته گویند.



تعلق مالیات - پرداخت کننده نهایی مالیات؟

همواره پرداخت کننده مالیات کسی نیست که با مالیاتی را تحمل میکند.

← تعلق مالیاتی بر قدرت انتخاب اثر می گذارد

← بار مالیاتی بر نوع انتخاب اثر می گذارد

← **اینکه بار مالیات به دوش چه کسی می افتد به عوامل زیادی بستگی دارد.**

۱- حساسیت مقدار تقاضا و عرضه و عرضه در مقابل تغییر قیمت

۲- ساختار بازار (رقابتی یا انحصاری بودن)

۳- نوع مالیات

۴- واکنش رفتاری اقتصاد جامعه در برابر تصمیمات دولت

۵- انگیزه های عوامل اقتصادی

مثلاً هر چه حساسیت تقاضای کالا یا در برابر قیمت کمتر باشد یعنی با تغییر قیمت مقدار تقاضا کمتر تغییر کند مهم خریدار از مالیات نهایی بیشتر است (نان) و بر عکس هر چه مردم در خرید نسبت به قیمت حساس تر باشند مالیات بیشتر بر فروشنده بار می شود (چلچراغ) در مالیاتهای مستقیم انتقال براحتی مقدور نیست و تعلق قانونی به تعلق اقتصادی مالیات نزدیک است و به عدالت نزدیکتر است.



مقدمه اک بر اثرات مالیات بر اقتصاد

اختلال در اقتصاد زمانی رخ میدهد که عدم تعادل در ان بوجود آید و عدم تعادل یا رکود است و یا تورم ، پس دخالت دولت در امور اقتصادی برای از بین بردن عدم تعادل و هدایت اقتصاد بسمت اشتغال کامل و ثبات قیمتها ، اجتناب ناپذیر است . پس یکی از وظایف مهم دولت مدیریت نقضا است.

علت اصلی رکود کمبود تقاضای کل و علت ایجاد تورم مازاد تقاضای کل است

حالت تعادل زمانی است که در آمد ملی با تقاضای ملی برابر باشد در این خط اشتغال کامل است .

❖ در آمد ملی اشتغال کامل به ان سطح از درآمد ملی گفته می شود که در صورت بکارگیری همه عوامل تولید ایجاد می شود .

حال اگر در آمد ملی جاری (بالفصل) از در آمد ملی اشتغال کامل کمتر باشد شکاف رکودی داریم یعنی از همه امکانات جامعه استفاده نشده و عوامل تولید بیکار داریم .

❖ برای رفع شکاف رکودی باید از سیاست مالی انبساطی استفاده کرد یعنی G یا T را افزایش داد یا T را کاهش داد .

چنانچه درآمد ملی تعادلی از درآمد ملی اشتغال کامل بیشتر باشد شکاف تورمی داریم یعنی کمبود امکانات تولید جامعه وجود دارد و تورم داریم .

باید از سیاستهای انقباضی استفاده کرد یعنی کاهش G یا T افزایش

❖ در شکاف رکودی تقاضا کمتر از تولید و در شکا تورمی تقاضا بیش از تولید

❖ معمای خست (پس انداز)

در شرایط رکود اقتصاد، اگر مردم بیشتر پس انداز کنند پس انداز کل جامعه نه تنها افزایش نمی یابد زیرا تقاضای کل کل پایین میاید و در نتیجه در آمد ملی تعادلی کاهش میابد و در نتیجه پس انداز که تابعی از درآمد ملی است کاهش میابد .



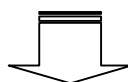
سیاست مالی دولت

هر گونه تغییر در G مخارج دولت و T مالیات سیاست مالی گفته می شود سیاست مالی بر دونوع است :

سیاست مالی انقباضی و سیاست مالی انبساطی

سیاست مالی انقباضی یعنی افزایش G یا کاهش T (کاهش T باعث افزایش در آمد قابل تصرف می شود و در نتیجه افزایش مصرف و تقاضا)

سیاست انقباضی یعنی کاهش G یا افزایش T (که باعث کاهش درآمد قابل تصرف و در نتیجه کاهش مصرف و تقاضا می گردد)



اثرات اقتصادی و اجتماعی مالیاتها (چهار اثر)

۱- اثر مالیات بر سطح اشتغال

مالیاتهای غیر مستقیم از طریق وضع حقوق گمرکی بر برخی کالاها خاص می توانند بر سطح اشتغال اثر بگذارند .

حقوق گمرکی باعث افزایش بهای کالای وارداتی می گردد و ممکن است باعث محدودیت مصرف این گروه از کالا ها شود ، در نتیجه افراد (مصرف کنندگان) تشویق به استفاده از کالای مشابه داخلی می شوند و در نتیجه توسعه تولیدات داخلی را خواهیم داشت و این اثر مثبت است .

مالیاتهای غیر مستقیم نیز می توانند از طریق مکانیسم معافیتهای خاص مالیاتی (معاف تا ۱۰ سال بعد از تولید) و حمایت از صنایع نو پا و کمک به اشتغال و پایین آوردن هزینه ها اثر مثبت داشته باشند .

۲- اثرات مالیات بر سطح قیمت ها

مالیاتهای غیر مستقیم پرداخت کننده مشخصی ندارند و در فرایند مبادلات اقتصادی از طریق افزایش قیمت به دیگران منتقل می گردند در مجموع دارای آثار تورمی هستند

البته در موارد زیر مالیاتهای غیر مستقیم اثرات کمتری به افزایش قیمتها دارند

۱-وضع مالیات بر کالاهای با کشش (لوکس و تجملی)

۲-وضع مالیات بر کالاهای که بطور مستقیم به فروش می رسند و واسطه ندارند

در خصوص مالیاتهای مستقیم به دلیل آنکه از در آمد و ثروت افراد اخذ می شوند و بطور غیر مستقیم با اقتصاد مرتبطند تاثیر آنها بر قیمت به عواملی بستگی دارد که عبارتند از :

۱- آیا امکان انتقال مالیات به قیمت هست یا نه؟ در بازارهای رقابتی نیست

۲- اگر مالیات مستقیم باعث کاهش تمایلات مصرف شود ، وصول مالیات مستقیم دارای آثار انقباضی است و سبب کاهش قیمت می شود .

۳- اگر بموازات افزایش مالیات مستقیم مخارج دولت هم زیاد شود ممکن است تاثیر اخذ مالیات با کاهش درآمد قابل تصرف خنثی شود .

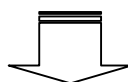
۳- تاثیر مالیات بر تولید ناخالص ملی و در آمد ملی

مالیات می تواند الگوی مصرف جامعه را عوض کند . مالیات با درآمد ملی نسبت اثر معکوس دارد . (بعلت محدودیت در مصرف) پس در کل باعث کاهش درآمد ملی می شود و نسبت کاهش ها فرق می کند : مالیات مستقیم :

نرخ تصاعدی ، نرخ های دیگر و ثابت به ترتیب بیشترین اثر را در کاهش درآمد ملی دارند .

مالیاتهای غیر مستقیم : (بستگی به نوع کالا از نظر کشش درآمدی و قیمتی دارد)

❖ اگر بر کالاهای لوکس و تجملی باشد ، به علت کشش قیمتی زیاد ، سبب کاهش مقدار تقاضا درآمد ملی کم می شود .



❖ اگر بر کالاهای ضروری و غیر تجملی باشد بدلیل کاهش قیمتی کم و ثبات نسبی تقاضا برای کالا درآمد ملی نسبت بحالت قبل بیشتر کاهش میابد .

۴- اثر مالیاتها بر توزیع درآمد جامعه

مالیاتهای غیر مستقیم در مجموع و اکثر موارد موجب نابرابری در توزیع درآمد می شوند و اختلاف طبقاتی را افزایش میدهند زیرا دارای اثرات نزولی هستند و از درآمد طبقات پایین به نسبت بیشتری برداشت می کنند ، و قابلیت انتقال آنها نیز بسیار زیاد است و در نهایت مهم طبقات پایین در پرداخت مالیاتهای غیر مستقیم بیشتر است .

در مالیاتهای مستقیم بعلت قابلیت کنترل بیشتر می توان اثر مثبت را بر توزیع درآمد جامعه در نظر گرفت .



اثرات اقتصادی وضع مالیات از دیدگاه اقتصاد عمومی

۱- اثر تخصیصی وضع مالیاتها

وضع مالیات و پرداخت آن توسط بخش خصوصی از قدرت خرید کالا و خدمات توسط وی می کاهد و منابعی از این راه از بخش خصوصی آزاد می سود و به این ترتیب مالیات بر تخصیص منابع بین بخش خصوصی و دولتی تاثیر گذار است .

۲- اثر توزیعی وضع مالیاتها

مالیاتها بهترین ابزار توزیع مجدد درآمد هستند و با رعایت عدالت مالیاتی و کنترل و جلوگیری از فرار مالیاتی می تواند اثر توزیع درآمد داشته باشد (خصوصاً مالیاتهای مستقیم)

۳- اثر در آمدی مالیاتها

درآمدهای مالیاتی قابل اتکا ترین درآمد دولت و بهترین منبع جبران کمبود درآمد و نقطه اتکاء برای پرداخت استقراض می باشند .

۴- اثر تثبیتی مالیاتها :

۱- تثبیت قیمتها : افزایش و کاهش مالیات در شرایط تورمی و رکود می تواند باعث کاهش و افزایش درآمد و تقاضای موثر و در نتیجه تثبیت قیمتها گردد .

۲- تشکیل سرمایه : نرخ پایین تشکیل سرمایه مهمترین مانع برای تصیل سرمایه است . اعطای سیاست مالیاتی صحیح مانند معافیتها یا وضع مالیات سنگین می تواند باعث جلب تشویق و اعتماد سرمایه گذاران و تغییر جهت آنها به سمت سرمایه گذاریهای مولد گردد.

۳- ایجاد اشتغال : اثر مثبت و مستقیم (تخفیفها باعث تقویت صنایع نوزاد می شود)

۴- ارتقاء رشد و توسعه اقتصادی : ایجاد اشتغال ← عدم وابستگی ← کمک صنایع بهم دیگر ←

← افزایش مالیات در بخش تجارت و کاهش مالیات بخش کشاورزی ← تقویت بخش کشاورزی



۵- کارایی اقتصادی : سیستم اقتصادی نمی تواند فقط به بخش خصوصی متکی باشد و خود بخود سیستم دولتی نیز باید در بازار متصدی باشد و مالیات منبع تامین بخشی عمده از وظایف اقتصادی دولت است .
(کالای عمومی و تولید آن)

← جلوگیری از انحصار بازار توسط صنایع خصوصی بزرگ و ضربه زدن به صنایع کوچک و بیکاری و جلوگیری از آن
← هدایت بخش خصوصی وارث آن و اشاعه فرهنگ در جامعه



اثرات اقتصادی وضع مالیات از دیدگاه اقتصاد خرد

- ❖ با اضافی مالیات : ضرر ایجاد شده در کارایی ناشی از وضع مالیات اضافی
- ❖ مازاد مصرف کننده : منظور از مازاد مصرف کننده یا ارزش اضافی مصرف کننده آن است بتواند در مقابل قیمت پرداختی مطلوبیت بیشتری بدست آورد .
- ❖ مازاد تولید کننده : تفاوت میان قیمت بازار محصول و حداقل قیمت که تولید کننده تمایل دارد با آن قیمت ، کالا تولید کند .



تقسیم بندک مالیاتها از دیدگاه اقتصاد خرد

از دیدگاه اقتصاد خرد مالیاتها به دو گروه عمده تقسیم بندی می شوند

- الف) مالیاتهایی که مستقیماً بر تقاضا اثر می گذارند ، مثلاً مالیات بر درآمد و حقوق
- ب) مالیاتهایی که مستقیماً بر تقاضا اثر می گذارند .
- مالیات بر سود فروشنده و مالیات بر فروش (شامل مالیات بر واحد فروش و مالیات بر ارزش فروش)

تأثیر مالیاتها بر قیمت و مقدار

الف) مالیات بر سود

هزینه کل = TC و درآمد کل = TR و سود π و t نرخ مالیات

$$\pi = TR - TC - t(\pi) = TR - TC - t(\pi)$$

$$= TR - TC - t(TR - TC) = (1-t)(TR - TC)$$

$$Q \text{ سود } \pi = (1-t)(MR - MC) = 0 \quad MR = MC$$

درآمد نهایی با هزینه نهایی برابر است

پس در نقطه تعادل ایجاد نمی گردد و مالیات بر سود ، بر قیمت و مقدار تأثیر نمی گذارد . پس بار مالیاتی معنا

ندارد .



ب) مالیات بر واحد فروش

مالیات بر واحد فروش باعث اضافه قیمت می شود ، فروشنده بخشی از قیمت اضافه شده را به عنوان مالیات بپردازند پس فروشنده بخشی از بار مالیات را تحمل می کند ، مصرف کننده بعلت گرانتتر شدن یا از خرید منصرف می شود و یا کمتر می خرد ، پس بخش دیگر مالیات هم توسط مصرف کننده تحمل می شود . این حرف بدان معناست که :

❖ بهترین مالیات و کاراترین مالیات ، آنهای هستند بر کالاها یا عواملی که دارای عرضه و یا تقاضای کاملاً غیر حساس هستند وضع گردد . (در تولید یا مصرف کمتر جانشین دارند)

- ❖ هر چه کشش قیمتی بیشتر باشد مالیاتی که مردم می پردازند ، بخشی نصیب دولت نمی شود
- ❖ هر چه منحنی تقاضای بی کشش تر باشد ، انتقال مالیات به مصرف کننده بیشتر صورت می گیرد
- ❖ هر چه عرضه بی کشش تر باشد ، انتقال مالیات به مصرف کننده کمتر صورت می گیرد .

ج) مالیات بر ارزش فروش

در فروش بالاتر مالیات بیشتری از فروشنده اخذ خواهد شد . مالیات بر ارزش فروش براساس درصدی از قیمت کالا وضع می شود .

تعلق مالیات در این حالت بستگی به منحنی های عرضه و تقاضا دارد .

- ❖ اگر عرضه کاملاً عمودی یعنی بی کشش باشد تمامی مالیات به عرضه کننده تعلق میابد .
- ❖ اگر عرضه کاملاً حساس باشد مصرف کنندگان بار مالیاتی را برعهده می گیرند . (کامل)
- ❖ اگر تقاضا کاملاً حساس باشد عرضه کنندگان بار مالیاتی را بر عهده می گیرند .

د) مالیات بر دارایی یا درآمد حقوق

- ❖ هر چه کشش پذیری قیمتی تابع عرضه کمتر باشد سهم تولید کننده از مالیات بیشتر است .
- ❖ هر چه کشش پذیری قیمتی تابع عرضه بیشتر باشد سهم تولید کننده از مالیات کمتر است .



در مورد دستمزد کارگران موضوع انتخاب بین استراحت و درآمد مطرح می شود .

هر چه مالیات بر دستمزد بیشتر شود ، فرد برای کسب درآمد بیشتر کار می کند ، پس استراحت کمتر می کند یعنی قیمت استراحت کاهش میابد و در نتیجه تمایل به استراحت افزایش میابد (عرضه کمتر نیروی کار) در نتیجه :

- ❖ اگر استراحت کالای عادی باشد ، اثر در آمدی مثبت است و کاهش درآمد مقدار استراحت را کمتر ساعت کار را بیشتر می کند .
- ❖ اگر استراحت کالای پست باشد ، اثر جانشینی و درآمدی باعث می شود که فرد استراحت بیشتر نمایی و عرضه کمتر نیروی کار داشته باشد .



جمع بندی:

- ❖ مالیاتها در هر صورت سبب کاهش مقدار فروش می شوند .
- ❖ وضع مالیتهای مستقیم که بر درآمد مصرف کننده اثر گذار است ، سبب جابجایی منحن تقاضا می شود . ضمن آنکه سبب کاهش مقدار فروش نیز می گردد و بعلت اثر گذاری بر قدرت خرید مصرف کننده ، قیمت ها را کاهش میدهد .
- ❖ وضع مالیتهای غیر مستقیم بر رفتار تولید کننده اثر می گذارد .
- ❖ هر چه جانشینی بیشتر باشد (چه در تولید و چه در مصرف) وضع مالیات سبب می شود تا دولت به اهداف مالی خود نرسد زیرا مردم به افزایش قیمتها عکس العمل نشان میدهند و در نتیجه کاراترین مالیات ، مالیاتی است که بر کالایی وضع شود که جانشین کمتر داشته باشد .
- ❖ کاراترین مالیات ، مالیاتی است که در ان کشش عرضه و تقاضا صفر شود .
- ❖ وضع مالیات بر دستمزد هر چه شیب تابع عرضه بیشتر باشد سبب کاهش ساعت کار کارگر کاهش در نرخ دستمزد خالص می شود و اشتغال را کاهش میدهد .
- ❖ هر چه تقاضا برای کالایی با کشش باشد امکان انتقال بار مالیاتی به مصرف کننده هست و بر عکس
- ❖ هر چه کالا با کشش باشد تولید کننده از طریق کاهش عرضه خود بار مالیاتی را بصورت افزایش قیمت کالا به خریداران منتقل می کند .
- ❖ در بازار رقابت کامل
- الف) اگر تقاضا کاملا بی کشش باشد (کشش ناپذیر) چون مصرف کننده مجبور است کالا را به هر قیمتی بخرد ، تمام بار مالیاتی بر عهده مصرف کننده است و بار مالیاتی بر دوش فروشندگان صفر است .
- ب) اگر منحنی عرضه کاملا با کشش باشد (کشش پذیر) چون عرضه بی کشش است عرضه کننده مجبور خواهد بود بهمان میزان قبلی کالا و تولید و عرضه کند و اگر بخواهد مقدار کالای خود را بفروشد نمی تواند قیمت آنرا افزایش دهد پس بار مالیاتی تماما بر عهده فروشنده است و مصرف کننده نمی پردازد .
- ج) اگر تقاضا کاملا با کشش باشد ∞ تمامی مالیات را تولید کننده میدهد زیرا اگر بخواهد به مصرف کننده منتقل کند ، مصرف کننده می خرد و سراغ جانشین کالا میرود .
- د) اگر منحنی عرضه و کالا با کشش باشد ، تمام مالیات را مصرف کننده میدهد .



انواع سیستمهای مالیاتی از لحاظ تمایل به مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم

۱- سیستم مالیاتی متمایل به مالیات مستقیم

۲- سیستم مالیاتی مختلط

۳- سیستم مالیاتی متمایل به مالیات غیر مستقیم

در حالت اول سیستم مالیاتی ضمن اخذ مالیات از دو شاخه مستقیم و غیر مستقیم تمایل بیشتری به شاخه مالیات مستقیم دارد و و درآمدها در معرض توجه بیشتر هستند، نرخهای درآمدی در درآمدهای بالا صعود زیادتر می گیرند و درآمدهای گمرکی آنها بسیار ناچیز است. عدالت مالیاتی در این سیستمها به مراتب بیشتر است و مالیات غیر مستقیم بیشتر ابزاری برای محدود کردن مصرف دسته ای از مواد و کالاهای لوکس و یا مضر می باشد. آمریکا و ژاپن دانمارک سوئیس

❖ ویژگی مهم این سیستم اختلاف طبقاتی بالا است.

در دو مورد دیگر نیز:

❖ آلمان و فرانسه نمونه هایی از سیستم مختلط است.

❖ کشورهای توسعه نیافته نیز نمونه هایی از نوع سوم است.

❖ توجه به ویژگیهای مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم در تعریف سیستم های بالا



عدالت مالیاتی

عدالت را رفتار برابر با برابرها (برابری افقی) و رفتار نابرابر با نابرابرها (برابری عمودی) می دانند. با تکیه بر این تعریف، اصل عدالت مالیاتی بر دوش شهروندان برابر بار مالیاتی برابر خواهد گذاشت و بر شهروندان نابرابر بار مالیاتی نابرابر.

اختلاف از تعیین معیار برابری آغاز می شود و این اختلاف علت تاسیس سه اصل مشهور عدالت مالیاتی است که به توضیح آنها خواهیم پرداخت. باید توجه داشت که معیار برابری شهروندان یا شاخص عدالت مالیاتی نمی تواند به عنوان نصی حقوقی، روابط مالیاتی را تنظیم کند. به همین علت، متناظر و متناسب با هر شاخص عدالت مالیاتی، پایه و نرخ مالیاتی نیز تجویز می شوند تا مالیات بندی بر اساس شاخص عدالت مالیاتی از جنبه عملی برخوردار شود.

۱- اصل منفعت دریافتی

الف - شاخص عدالت مالیاتی: یکی از تفاوت های نسبی میان مالیات دهندگان در میزان انتفاع آنها از خدمات حکومت است. برخی نظریه پردازان بر این باورند که اقتضای عدالت مالیاتی، تقسیم بار مالیاتی میان شهروندان به نسبت برخورداری آنها از منافع ناشی از حکومت است. ریشه اصل منفعت دریافتی در اندیشه سیاسی از این ناشی می شود که حاکمان کنترل بر تابعان شان را در نتیجه یک رابطه نافع برای هر دو طرف کسب می کنند. درون رابطه فرمانفرمایان و فرمانبران، هر طرف منافی را تحصیل کرده و هزینه هایی را تحمل می کند. پیشنهاد مالیات بندی به نسبت منافع دریافتی از حکومت بر این پایه است که تعامل مالیات دهندگان



با حکومت به شکل معامله است و مالیات دهندگان، به عنوان یک طرف معامله، باید به نسبت منافی که کسب می کنند هزینه کنند، یا به عبارت دیگر، از عهده بار مالیاتی برآیند.

ب- پایه و نرخ مالیاتی: در تعیین پایه مالیاتی متناسب با شاخص منفعت دریافتی نظریات مختلفی ابراز شده است. در این نظریات استدلالاتی در جهت انطباق هر سه پایه ثروت، درآمد و مصرف وجود دارد. می توان گفت وجود حکومت و محیطی که با فعالیت های حکومت ایجاد می شود، باعث برخورداری شهروندان از این پایه هاست. با این وجود، اکثریت نظریه پردازان اصل منفعت دریافتی پایه مصرف را با شاخص این اصل منطبق می دانند. همچنین نرخ مالیاتی متناسب با شاخص منفعت دریافتی را نرخ تناسبی معرفی می کنند.

۲- سیر فداکاری برابر از اصل توانایی پرداخت

الف - شاخص عدالت مالیاتی: مطابق این اصل، شاخص برابری اشخاص در نظام مالیاتی عادلانه، توانایی پرداخت مالیات توسط ایشان است. مالیات دهندگان با پرداخت مالیات مقداری از رفاه خود را از دست می دهند تا هزینه های حکومت تامین شود. مالیات دهندگان تا جایی مالیات می پردازند که هر مالیات دهنده کاهش رفاه برابر با بقیه را تحمل کند یعنی شاخص برابری عمودی مالیات دهندگان بر اساس اصل فداکاری برابر، میزان کاهش رفاه شهروندان در اثر پرداخت مالیات است. مالیات بندی عادلانه، کاهش رفاه برابری را برای همه مردم به دنبال دارد.

ب- پایه و نرخ مالیاتی: درآمد خالص، میزان توانایی هر شخص برای دسترسی او به منابع اقتصادی و همچنین توانایی او برای کمک به تامین مالی حکومت است. بنابراین درآمد خالص را پایه مالیاتی منطبق با اصل توانایی پرداخت برشمرده اند. برای تعیین نرخ مالیاتی منطبق با اصل فداکاری برابر، نظریه پردازان این اصل با اتکا به قاعده کاهش مطلوبیت نهایی پول به موازات ازدیاد مقدار آن، برای ایجاد رفتار برابر با مالیات دهندگان برابر، چنین تجویز می کنند که مقدار مالیات پرداختی توسط پولدارترها باید بیشتر از سهم مالیاتی فقیرترها باشد. اعمال نرخ تصاعدی می تواند این ایده را عملی می سازد.

۳- تفسیر برابری گرایانه اصل توانایی پرداخت

الف - شاخص عدالت مالیاتی: تجویز تفسیر برابری گرایانه اصل توانایی پرداخت این است که اشخاص بار مالیاتی را به نسبت سطح رفاهشان متحمل شوند یعنی هر قدر شخص ثروتمندتر باشد، سهم مالیاتی او هم بیشتر خواهد بود. آنچه مطابق این اصل میان مالیات دهندگان برابر است، نسبت رفاهی است که هر مالیات دهنده از دست می دهد.

واضح است که نسبت برابر، میزان برابر نیست. با وجود اینکه ثروتمندان میزان بیشتری مالیات می پردازند، اما مقدار باقی مانده ثروت شان بیشتر است. لذا می توان گفت اصل برابری نسبی فداکاری، مالیات بندی را به عنوان یک وسیله مشروع برای بازتوزیع نتیجه حاصل از اقتصاد بازار به منفعت فقیرترها و به هزینه ثروتمندترها قلمداد می کند.

ب- پایه و نرخ مالیاتی: به نظر می رسد معرفی پایه و نرخ مالیاتی متناسب با اصل برابری نسبی فداکاری بستگی به زمینه اقتصادی و اجتماعی هر جامعه دارد چرا که بسته به این زمینه، نظام مالیاتی مناسب برای بازتوزیع درآمد مشخص می شود. اینکه مالیات تناسبی بتواند نقش بازتوزیعی داشته باشد یا نه، به توزیع پایه مالیاتی و استفاده حکومت از درآمدهایش بستگی دارد. برای مثال، در فرض برابر بودن منافع حکومت برای همه، مالیات تناسبی بر ثروت



می تواند کاملانقش بازتوزیعی داشته باشد چرا که فقیران هیچ پایه مالیاتی ای نخواهند داشت و شخصی با ثروت نسبتا کم، مالیات بسیار کمتری نسبت به شخص با ثروت زیاد خواهد پرداخت. جایی که پایه مالیاتی برای همه مساوی است، مالیات تناسبی نقش بازتوزیعی نخواهد داشت. برای مثال، مالیات تناسبی بر هزینه خواربار چندان به بازتوزیع توان اقتصادی کمک نمی کند چرا که ثروتمندان بیشتر از فقرا برای غذا خرج می کنند، ولی نه به آن نسبت که ثروت شان بیشتر است.



عوامل موثر در رشد درآمدهای مالیاتی

درآمدهای مالیاتی مهم ترین و گسترده ترین حجم درآمد دولت ها را در اکثر کشورهای جهان تشکیل می دهد و دارای سابقه ای طولانی است.

درآمدهای مالیاتی در طول زمان به دلیل نیاز دولت ها به درآمد برای اداره کشور تحول بسیاری یافته و امروزه از نظر فلسفه اخذ مالیات، اصول و نحوه جمع آوری آن پیشرفت زیادی کرده است. به نحوی که در بسیاری از کشورهای پیشرفته با وجود بالابودن حجم مالیات ها نسبت به درآمد ملی، مردم به پرداخت آن عادت کرده اند.

نکته بسیار مهم در موفقیت یک نظام مالیاتی آن است که مودیان به دولت اعتماد داشته باشند و پرداخت مالیات را مانند رابطه بده و بستان دانسته و بدانند به ازای مالیات پرداختی، امتیازات و تسهیلاتی دریافت می دارند. از آنجا که مالیات، دریافت بخشی از درآمد و دارایی افراد برای دولت است، لذا طبیعتاً مالیات دهندگان همیشه مایلند تا حد امکان رقم کمتری را بپردازند. تمکین مالیاتی نیز عبارت از همکاری گروه های مختلف پرداخت کنندگان مالیات با دولت است.

تمکین مالیاتی یکی از راه های سنجش موفقیت نظام ها و سازمان های مالیات گیرنده نیز هست. عدم همکاری مودیان با دولت در پرداخت مالیات را با شکاف مالیاتی اندازه گیری می کنند که نشان دهنده تفاوت مالیات وصول شده نسبت به مقدار واقعی مالیات است. ایجاد روحیه مالیاتی و افزایش تمکین در مالیات دهندگان و ایجاد همکاری بیشتر افراد یک جامعه با دولت در مورد پرداخت مالیات به عوامل متعددی بستگی دارد که عبارتند از:

۱- دارا بودن قدرت پرداخت مالیات

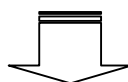
به این معنی که مالیات در حدی تعیین شود که مودیان قادر به پرداخت آن باشند. در صورتی که مالیات در توان مردم برای پرداخت باشد، میل و رغبت مردم به پرداخت آن بیشتر خواهد بود.

۲- تساوی در مالیات پرداختی

به این معنی که همه افراد کشور از نظر پرداخت مالیات، فارغ از موقعیت اجتماعی، سیاسی و مالی، در برابر قانون مالیاتی مساوی باشند و برخی افراد نتوانند با اعمال نفوذ از پرداخت مالیات شانه خالی کنند.

۳- درست بودن مخارج و اعتماد به دستگاه دولتی

از آنجا که مالیات های پرداختی از سوی مردم و شرکت ها، توسط دولت خرج می شود، بنابراین مالیات دهندگان درباره نحوه خرج مالیات پرداختی خود توسط دولت بسیار حساسند. آنها مخارج دولت را با دقت زیر نظر دارند و اگر به این باور برسند که دولت در هزینه کردن مالیات آنها دقت لازم را به خرج می دهد و آن را در مسیرهای قانونی و در جهت منافع عموم مردم خرج می کند، با دلگرمی بیشتری مالیات های دولت را خواهند پرداخت. لیکن اگر مردم هزینه های دولت را نامناسب ببینند و احتمالاً در دستگاه های دولتی شاهد اتلاف و فساد باشند، در آن صورت اعتقاد و اعتماد خود را از دست داده و برای فرار از مالیات توجیه خواهند داشت.



۴- شفافیت و وضوح قوانین مالیاتی

شفافیت و وضوح قوانین مالیاتی اثر زیادی در همکاری مردم با نظام مالیاتی دارد. قوانین و بخشنامه های متعدد و متناقض زمینه را برای تفسیر مامورین مالیاتی، ایجاد فساد و سردرگمی مالیات دهندگان فراهم می سازد. در کشورهای غربی تلاش زیادی برای ساده سازی و شفافیت قوانین و مقررات مالیاتی شده است تا همه افراد به سهولت بتوانند با توجه به قوانین و مقررات، شخصاً مالیات خود را محاسبه و پرداخت نمایند.

۵- راه های وصول مالیات

نحوه وصول مالیات نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. هر قدر نقش عامل انسانی و رویارویی مامورین وصول مالیات با مودیان در وصول مالیات ها کاهش یابد، امکان سوء استفاده و فساد نیز تقلیل خواهد یافت. در کشورهای غربی، تقریباً بسیاری مالیات ها از طریق کامپیوتر پرداخت می شود و مودیان مالیاتی هیچ ارتباطی با مامورین مالیاتی ندارند. در چنین صورتی لازم است قوانین و مقررات پرداخت مالیات کاملاً شفاف و روشن باشد و افراد معمولی بتوانند به سهولت آن را فهمیده و مالیات خود را محاسبه و پرداخت نمایند. هر قدر روش های پرداخت مالیات شفاف تر و روشن تر باشد، هزینه وصول مالیات کاهش یافته و نفع مالیاتی نیز افزایش خواهد یافت و برخورد بین مامورین مالیاتی و مودیان به حداقل خواهد رسید.



اطلاعات مالیاتی برای حسابداران و مدیران

مدیران و مسئولان و حسابداران شرکتها لازم است دانش مالیاتی خود را افزایش دهند تا از عواقب تخلف، تأخیر و یا عدم آگهی مصون بمانند. به منظور آگاهی بیشتر اطلاعات زیر که برگرفته از مجموعه قوانین مالیاتهای مستقیم است ارائه می شود:

۱ - تعهد و پلمپ دفاتر حسابداری:

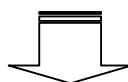
همزمان با تأسیس شرکت مدیران مؤظفند دفاتر حسابداری شرکت (دفاتر روزنامه وکل) تهیه و نزد اداره ثبت شرکتها پلمپ نمایند تا کلیه عملیات مالی شرکت در آنها ثبت شود. دفاتر حسابداری هر سال مالی باید پیشاپیش آغاز سال مربوطه تهیه و پلمپ شود در صورت عدم تهیه، پلمپ و نگهداری دفاتر حسابداری، ممیز مالیاتی معمولاً مالیات شرکت را بطور علی الراس تعیین می نماید.

۲ - تکمیل پرونده مالیاتی شرکت:

پس از چاپ آگهی تأسیس شرکت در روزنامه رسمی کشور، بخشی در وزارت امور اقتصادی و دارایی آگهی ثبت شرکت را شناسایی و اقدام به افتتاح پرونده مالیاتی برای شرکت می نماید. مدیران شرکت مؤظفند پرونده مالیاتی مذکور را تکمیل و در پایان هر سال مالی اظهارنامه مالیاتی سال مربوطه را به حوزه مالیاتی تعیین شده تسلیم نمایند.

۳- نگهداری دفاتر حسابداری:

دفاتر پلمپ شده حسابداری باید به طور روزانه و یا حسب مورد نگهداری شود. کلیه عملیات مالی شرکت اعم از دریافت، پرداخت، تعهد،... و غیره باید با رعایت روشهای مقبول حسابداری و همچنین طبق قوانین مقررات



کشور در دفاتر حسابداری منعکس شود، تخلف از ضوابط فوق الذکر باعث رد دفاتر و تشخیص مالیات علی الراس خواهد شد.

۴- تهیه و تسلیم اظهارنامه مالیاتی سالیانه:

کلیه شرکتها مؤظفند حداکثر در مدت چهار ماه پس از پایان سال مالی اظهارنامه های مالیاتی مربوطه را تکمیل و به حوزه مالیاتی تعیین شده تسلیم نمایند. چنانچه سال مالی شرکت تقویم متداول شمسی باشد (از اول فروردین تا آخر اسفند) شرکت مؤظف است حداکثر تا پایان ۳۱ تیرماه سال بعد اظهارنامه مالیاتی مربوطه را تکمیل و به حوزه مالیاتی تسلیم نماید.

۵- مفاصای مالیاتی شرکتها و افراد:

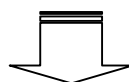
کلیه شرکتهای شاغل در ایران مؤظفند مالیات قطعی متعلق به درآمد خود و مالیات تکلیفی مربوطه را در وجه وزارت امور اقتصادی و دارایی بپردازند (مهلت پرداخت مالیات حقوق یکماه پس از پرداخت حقوق می باشد) عدم پرداخت مالیات قطعی شده منجر به تعلق جرائم و اقدامات قانونی می شود.



بهبود روش های عملیاتی اخذ مالیات

در بیشتر کشورهای جهان بخش عمده ای از منابع درآمدی دولت، از طریق دریافت مالیات تامین می شود. سهم مالیات از کل درآمدهای عمومی در میان کشورها، متفاوت است و میزان آن بستگی به سطح توسعه و ساختار اقتصادی آنها دارد. در این میان، فرار مالیاتی و گریز از مالیات در کشورها باعث شده است تا درآمدهای مالیاتی کشورها، همواره از آنچه که برآورد می شود کمتر باشد و تمامی کشورها تلاش خود را برای کاهش این دو پدیده به کار می گیرند یا از طریق اصلاح نظام مالیاتی، به چاره جویی برمی خیزند . توجه به پیوند بین سیاست مالیاتی و دستگاه وصول مالیات در اصلاح نظام مالیاتی کشور از هر حیث موضوعی مهم و قابل تامل به شمار می آید .

مقایسه عملکرد مالیاتی و ظرفیت مالیاتی کشور، توجه ویژه ای را نسبت به پایین بودن ظاهری نسبت مالیات به محصول ناخالص داخلی در اقتصاد ایران پدید می آورد. از این رو، وزارت امور اقتصادی و دارایی بایستی در کنار توجه به موضوعاتی مانند: شناسایی منابع مالیاتی، تعیین میزان بهینه مالیات قابل پرداخت، و مباحثی مانند میزان مشمولیت یا اصابت مالیاتی، تمکین مالیاتی و معافیت های مالیاتی، بخش مهمی از کارایی نظام مالیاتی کشور را در پدید آوردن زمینه ها و شرایطی جستجو کند که با دقت، سرعت، کمترین میزان هزینه به ازای هر واحد مالیات وصول شده، و کمترین میزان سوء استفاده بتوان مالیات تعیین شده را وصول نماید. در این باره، محاسبه نسبت هزینه های مستقیم وصول درآمد دولت به کل درآمدهای مالیاتی نماگری را به دست می دهد که هزینه بالای وصول درآمدهای مالیاتی را در اقتصاد ایران به موضوعی مهم برای حداقل ساختن آن بدل می سازد .



به طور خلاصه، می بایست هدفگذاری آتی این وزارت برای درآمدهای مالیاتی در درون مجموعه ای از کارکردهای قابل شناسایی برای سیاست بودجه ای و در حالت کلی تر، در چارچوب سیاستهای کلان اقتصادی دولت تعیین شود.

براین اساس، افزایش درآمد مالیاتی به خودی خود یک هدف تلقی نخواهد شد و نیاز به درآمد اضافی با در نظر گرفتن سقف نرخ رشد متعادل و نرخ انتظاری نسبت سرمایه به تولید در اقتصاد ایران تعیین خواهد شد. این نکته به ویژه با در نظر گرفتن پیوند ضعیف بین انتظارات موجود از نظام مالیاتی کشور و هدفهای توسعه ای اقتصاد ملی اهمیتی دو چندان می یابد.

فرار مالیاتی چیست و چگونه ایجاد میشود؟

هرگونه تلاش غیرقانونی برای پرداخت نکردن مالیات مانند ندادن اطلاعات لازم در مورد عواید و منافع مشمول مالیات به مقامات مسئول، فرار مالیاتی خوانده می شود. تعریف فرار مالیاتی، برای انواع مالیات ها یکسان است. در فرار مالیاتی، به رغم تطبیق فعالیت با قوانین، در اجرای فعالیت یک یا چند ضابطه مصوب مراجع ذی ربط تعمداً نادیده گرفته می شود

زمینه های پیدایش فرار مالیاتی

شایع ترین زمینه های پیدایش فرار مالیاتی عبارتند از:

- ۱- عدم گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه
- ۲- عدم مبادله کامل اطلاعات و نبودن سیستم نظارت و پیگیری در اخذ مالیات
- ۳- تشخیص علی الراس و وجود ضعف در اجرای آن
- ۴- ضعیف بودن ضمانت های اجرایی
- ۵- تاخیر در وصول مالیات
- ۶- عدم شناخت مؤدیان و مستند نبودن میزان درآمد آنها
- ۷- وجود معافیت های وسیع و متنوع: دولت ها گاه با اتخاذ برخی سیاست های حمایتی مالیاتی و معافیت های مالیاتی، راه فرار مالیاتی را باز می کنند همچنین با اعطای معافیت های مالیاتی، گروهی از پرداخت مالیات معاف می شوند و این امر به کاهش درآمدهای مالیاتی دولت منجر می شود. بنابراین، اگر اعطای معافیت ها با دقت لازم صورت نگیرد، دولت برای کسب درآمد مالیاتی مورد نظر، فشار سنگینی را بر گروه های دیگر جامعه وارد می کند. یعنی برای جبران بخش خالی کاسه درآمد مالیاتی، میزان نرخ های مالیاتی بیشتری، بر گروه هایی که از معافیت های مالیاتی بهره مند نیستند، تحمیل خواهد شد. بی تردید اعطای معافیت های مالیاتی گسترده، به ناکارایی نظام مالیاتی و ضعف نظام اجرایی مالیاتی منجر می شود.

فرق بین فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی

تمایز مفهومی بین فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات به قانونی یا غیرقانونی بودن رفتار مؤدیان مربوط می شود.

فرار مالیاتی، یک نوع تخلف از قانون است اما اجتناب از مالیات، یک نوع سوء استفاده رسمی از قوانین مالیاتی است. وقتی که یک مؤدی مالیاتی از ارائه گزارش درست در مورد درآمدهای



حاصل از کار یا سرمایه خود که مشمول پرداخت مالیات می شود، امتناع می کند، یک نوع عمل غیر رسمی انجام می دهد که او را از چشم مقامات دولتی و مالیاتی کشور دور نگه می دارد. اما در اجتناب از مالیات، فرد نگران نیست که عمل او افشا شود. اجتناب از مالیات، از خلاءهای قانونی در قانون مالیات ها نشأت می گیرد. در اینجا فرد به منظور کاهش قابلیت پرداخت مالیات، خود دنبال راه های گریز می گردد. در اجتناب از مالیات، مؤدی مالیاتی دلیلی ندارد نگران احتمال افشا شدن باشد، چرا که او الزاماً تمامی مبادلات خود را با جزئیات آن البته به شکل غیر واقعی، یادداشت و ثبت می کند.

دلایل ایجاد فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی

- ۱- پیچیدگی و ابهام در قوانین و مقررات مالیاتی.
- ۲- ضعف سیاست های مالیاتی (مدیران ارشد مالیاتی)
- ۳- عدم توجه به منابع انسانی کارآمد
- ۴- عدم گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه.
- ۵- عدم وجود پاداش و تنبیه متناسب با عملکرد مؤدیان
- ۶- عدم اطلاع مؤدیان از حقوق خود و اصول تعیین مالیات
- ۷- عدم وجود سیستم های اطلاعاتی از وضعیت اقتصادی روز جامعه

۱- پیچیدگی و ابهام در قوانین و مقررات مالیاتی

یکی از مهم ترین عوامل موثر در تضعیف و عدم اثربخشی سیاست های مالیاتی، پیچیدگی و ابهام در قوانین و مقررات مالیاتی است. این مساله به تنهایی به کارآیی اجرایی سیاست های مالیاتی صدمه وارد می کند. اصولاً چون قوانین وضع شده برای استفاده عموم مردم می باشد واز طرفی میزان درک و فهم مردم تفاوت های زیادی با هم دارند لذا اولاً قوانین پیچیده قابل درک و فهم برای عموم نبوده و ثانیاً زمینه تفسیرهای سلیقه ای و غلط برای سوءاستفاده کنندگان فراهم میشود

۲- عدم آگاهی و به روز نبودن اطلاعات مدیران ارشد مالیاتی

متأسفانه امروز علیرغم رشد سریع مهارتها از طریق سیستم های اطلاعاتی بین المللی از قبیل اینترنت و... اکثریت مدیران بالائی فاقد اطلاع از قوانین و استانداردهای حسابداری و حسابرسی می باشند و اطلاعات اکثر مدیران در حدود و زمان تحصیل خلاصه میشود، تحلیل فرآیندهای نظام مالیاتی از اظهار تا پرداخت در یک سیستم مالیاتی، زمانی مفید و ممکن است که اطلاعات بهنگام باشد و به درستی در مجاری صحیح قرار گیرد. اگر سازمان مالیاتی با اطلاعات ناقص مواجه شود، باید در سیستم اطلاعاتی و ممیزی خود تجدیدنظر کرده، آن را دگرگون سازد

۳- عدم توجه به منابع انسانی کارآمد

در حال حاضر، اغلب فرآیندها از دیدگاه درونی سازمان مالیاتی طراحی می شود و کم تر توجهی به راحتی مؤدیان می شود. این امر، موجب دل سردی مؤدیان و انگیزه اندک آنان برای تمکین از مقررات مالیاتی می شود.

همانطور که کارمندان در موقعیت های مختلف، متناسب با مهارت و تجربه خود، حقوق دریافت می کنند باید در ازای کارها و شیوه های جدیدی که در کار خود ارائه می دهند نیز پاداش دریافت کنند.



اگر این سیاست‌ها به اجرا در نیاید، کارمندان به سکون و یکنواختی (روزمرگی) دچار شده، اغلب انگیزه کار درست را از دست داده، به شدت از سازمان خود رنجور شده و عدم رضایت شغلی خود را بروز می‌دهند

۴- عدم گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه .

بررسی های مختلف نشان می دهد بیشتر مردم نمی دانند چرا مالیات می دهند شایع ترین زمینه های پیدایش فرار مالیاتی عدم گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه است فرهنگ مالیاتی، مجموعه ای از طرز تلقی، بینش و عکس العمل افراد در قبال نظام مالیاتی است. به عبارت دیگر طرز تلقی، بینش، برداشت، آرمان ها، ارزش های اجتماعی، قوانین جاری و میزان تحصیلات و آگاهی، از جمله عواملی هستند که فرهنگ مالیاتی را شکل می دهند.

در کشور ما، قانونگذاری به راحتی انجام می شود اما اجرا و نظارت بر آن در بسیاری موارد با مشکل مواجه است.

فقدان آموزش مؤدیان مالیاتی درباره تخصیص صحیح منابع مالیاتی دولت، موجب نارضایتی بیش تر و عدم تمایل آنان به پرداخت مالیات می شود.

۵- عدم وجود پاداش و تنبیه متناسب با عملکرد مؤدیان

مؤدیان مالیاتی، عموماً به دو دسته تقسیم می شوند: مؤدیان قانونمدار و مؤدیان خلافکار. مؤدیان قانونمدار آن هایی هستند که مطابق قانون و به نسبت سهم خود، مالیات را پرداخت می کنند و عموماً مشکلی را برای سازمان امور مالیاتی ایجاد نمی کنند این نوع مؤدیان غالباً تمکین می کنند و از ایجاد هزینه و مشکل برای سازمان پرهیز می کنند به همین علت سازمان مالیاتی نیز از این نوع مؤدیان اظهار رضایت کرده و غالباً سعی می شود این نوع مؤدیان باقی بمانند و یا بر تعداد آنها افزوده شود. اما در مورد دیگر مؤدیان خلافکار بحث و سخن بسیار است و سازمان امور مالیاتی سعی می کند با انواع سیاست ها، آنها را وادار به پرداخت مالیات کند. مؤدیانی خلافکار محسوب می شوند که مالیات های معوق را به دستگاه مالیاتی تحمیل می کنند که همین موضوع یکی از گلوگاه های نظام مالیاتی ایران است.

۶- عدم رعایت اصول تعیین مالیات

متأسفانه یکی از مهمترین موانع وصول مالیات عدم رعایت اصول تعیین مالیات میباشد. بنا بر اصل بهای خدمات مالیات بایستی معادل بهای خدماتی باشد که دولت و دستگاه حکومت برای هر شخص انجام می دهد و با توجه به اصل قدرت پرداخت مالیات هر فردی بایستی متناسب با قدرت پرداخت او باشد و درجه ثروتمندی و میزان درآمد اشخاص ملاک تشخیص مالیات آنان باشد. ولی تجربیات و پرونده های مالیاتی نشان میدهد خدمات ارائه شده توسط دولت بین پرداخت کنندگان مالیات و فراریان مالیات فاقد هر گونه ضوابطی است.

۷- عدم وجود سیستم های اطلاعاتی از وضعیت اقتصادی روز جامعه

امروزه اطلاعات هم به عنوان یک منبع مهم استراتژیک در سازمان و هم به عنوان یک منبع عمده برای ارزش افزوده مطرح است. اطلاعات همواره به عنوان یک مزیت رقابتی قلمداد شده است. دستیابی به اطلاعات مربوط به فعالیتهای گوناگون سازمان از جنبه های مختلف می تواند بر عملکرد کلی آن اثرگذار باشد، متأسفانه



سیستم اطلاعاتی سازمان امور مالیاتی با فاصله بسیار زیاد از اطلاعات روز جامعه حرکت میکند که خود از عوامل باز دارنده سازمان وهموار کننده راه فراریان مالیاتی است.



راهکار ها که بهبود روش ها که عملیات اخذ مالیات:

- ۱- تدوین قوانین سهل و قابل فهم برای مودیان.
- ۲- استفاده از مدیران اقتصادی جامعه
- ۳- گسترش فرهنگ مالیاتی در بین مردم
- ۴- تدوین تشویقات و جرائم متناسب با عملکرد مودیان
- ۵- آموزش کارکنان سازمان امور مالیاتی
- ۶- برگزاری همایش ها و کارگاههای آموزشی متعدد و انتشار مقالات مختلف
- ۷- استقرار نظام تشویقی برای پیشگامان نظام جدید
- ۸- ساده نمودن روشهای اخذ مالیات و حذف روشهای زائد
- ۹- کاهش زمان وصول مالیات از مرحله تشخیص

۱- تدوین قوانین سهل و قابل فهم برای مودیان

به منظور تضمین اثربخشی دستگاه مالیاتی در قدم اول باید قوانین و مقررات مالیاتی و حسابداری و حسابداری به طور جامع تعریف و تضمین شود. برای رویه ها و قوانین جدید باید مجوزهای جدید اخذ شود تا در مجمع القوانین کشوری و آیین نامه های مالیاتی ثبت شود. تغییرات قوانین مالیاتی به شدت به استانداردهای نوین حسابداری وابسته است. به عبارت دیگر باید مقررات مربوط به مؤدیان در نگهداری دفاتر و فاکتورها و چگونگی ارایه آنها به سازمان مالیاتی، به صورت شفاف تبیین شود. در نهایت برای پیاده کردن اصلاحات باید حمایت حاکمیت و آحاد مردم جلب شود.

به طور کلی قوانین خوب و کارآ، چندین خصوصیت و ویژگی به شرح ذیل را دارا هستند :

الف - کارآیی

در مورد کارآیی قانون، باید به این نکته توجه کرد که آیا قانون مربوطه از نظر اجرای سیاست های مالیاتی، کارآیی و اثربخشی را دارد به عبارت دیگر قانونی کارآ و اثربخش است که نتیجه مورد به عنوان مثال یکی از اهداف قانون برای الزام مؤدیان مالیات بر شرکتها به منظور ارایه اظهارنامه و ترازنامه و سود و زیان، می تواند شناخت کامل از نحوه گردش مالی یک شرکت در اقتصاد و استفاده از اطلاعات مالی این شرکت برای ردیابی مفاسد مالی بنگاه های دیگر باشد. چنانچه این هدف قانونگذار، با ارایه درست ترازنامه و سود و زیان شرکتها حاصل شود می گوئیم قانون، کارآ (اثربخش) بوده است.

ب - سازمان دهی

سازمان دهی منطقی باعث درک و فهم بهتر مؤدیان و کاربران از قانون مالیاتی می شود. سازمان دهی قانون به این مفهوم است که مقررات مربوط به یک بخش خاص، همگی در کنار آن باشند به عبارت دیگر مطالب



مربوط به هم تا جایی که امکان دارد در کنار هم باشند. به عنوان مثال مؤدیان مالیاتی اشخاص حقوقی (شرکت‌ها) در صورتی که تمام مطالب مربوط به اجرائیات و مقررات فصل امور مالیاتی شرکت‌ها در یک فصل جداگانه لحاظ شده است خیلی کم‌تر دچار سردرگمی و ابهام خواهند شد.

ج - قابلیت درک

در صورتی که بخواهیم قابلیت درک یک متن افزایش یابد، اولیای باید عبارت یک متن کوتاه باشد و ثانیاً از کلمات مرموز و غیرشفاف جلوگیری به عمل آید به عبارت دیگر، متنی گویا و ساده ارائه کرد. حامیان استفاده از زبان ساده در قانون‌نویسی خواهان پرهیز از زبان حقوقی برای نیل به قانونی آسان و همه فهم هستند به عبارت دیگر تا جایی که امکان دارد باید از کلمات حقوقی و یا کلماتی که معروف به لغت‌نامه‌ای هستند پرهیز کرد به عنوان مثال می‌توان به جای عبارت «کمسیون تقویم املاک»، عبارت «کمسیون (هیات) ارزیابی املاک؟ را به کار برد.

د - انسجام

مفهوم انسجام به دو گونه قابل فهم است: اول این که می‌تواند به معنی ارتباط معنی‌دار عناصر یک قانون با یکدیگر باشد و دوم این که با سایر مقررات و قوانین انسجام داشته باشد. به عبارت دیگر باید اطمینان یافت که قانون مالیاتی با بقیه نظام حقوقی تلفیق شود. به عنوان مثال قانون مالیات‌های مستقیم نباید به هیچ عنوان با اصول و استانداردهای حسابداری و حسابرسی مغایرت و ناهماهنگی داشته باشد و یا در خود قانون، فصل مربوط به اشخاص حقیقی با فصل مربوط به اشخاص حقوقی (شرکت‌ها) ناهماهنگ باشد به طوری که بعضی از مشاغل در قالب اشخاص حقوقی و بعضی دیگر در قالب اشخاص حقیقی تعریف شوند.

تعیین نرخ مناسب مالیاتی باید مورد توجه جدی مسئولان مربوطه قرار گیرد و این نرخ باید به گونه‌ای باشد که مردم را تشویق به پرداخت مالیات کند ضمن آن که باید از تعدد نرخ‌های مالیاتی، جلوگیری به عمل آید.

۲- استفاده از مدیران اقتصادی جامعه

اصولاً کارکنان سازمانها انگیزه‌ای برای مطالعه ندارند چون نمی‌توانند ارتباط معناداری بین فعالیتهای اداری و مطالعه تخصصی بیابند. یعنی اینکه امور در سازمان به صورت سنتی و عادت انجام می‌پذیرد نه به صورت علمی.

روانشناسان اعتقاد دارند برای اینکه رفتاری بروز کند باید حتماً نیازی در فرد ایجاد شده باشد. تا کارکنان احساس نیاز به داشتن مطالب علمی جدید در خود حس نکنند و با همین میزان دانش و اطلاعات فعلی بتوانند امور اداری روزمره را انجام دهند دیگر فرهنگ مطالعه شکل نمی‌گیرد بنگاه‌های اقتصادی خصوصی بدلیل داشتن مالکیت خصوصی نیاز به پاسخگویی به سهامداران معمولاً سرعت بیشتری سعی در تطبیق خود با دنیای اقتصاد را دارند ولی متأسفانه مدیران دولتی بنا به دلایلی از جمله عدم پاسخگویی صریح و عدم وجود اطلاعات و آمار صحیح نه تنها خود را مکلف به مطالعه علوم جدید ندانسته حتی اکثراً پس تصدی پست مدیریت ارتباط خود را بادنای اقتصاد و اطلاعات قطع مینمایند لذا استفاده از مدیران اقتصادی جامعه به عنوان مشاور در سطح مدیران ارشد و تا حدودی مدیران میانی باعث ارتقاء سطح علمی مدیران و آگاهی از مسائل روز میشود برای



مثال امروزه اکثر سیستم های حسابداری به صورت نرم افزاری وبا اشکال گوناگون در بازار موجود می باشد ولی عملاً اکثر مدیران وحتى کارکنان قدرت کار با رایانه را ندارند و معمولاً در رسیدگیهای مالیاتی این ضعف سیستم باعث اختلافات فی مابین مودیان و ادارات امور مالیاتی شده و خود باعث عدم اعتماد مردم به سیستم مالیاتی می شود.

۳- گسترش فرهنگ مالیاتی در بین مردم

فرهنگ مالیاتی، مجموعه ای از طرز تلقی، بینش و عکس العمل افراد در قبال نظام مالیاتی است. به عبارت دیگر طرز تلقی، بینش، برداشت، آرمان ها، ارزش های اجتماعی، قوانین جاری و میزان تحصیلات و آگاهی، از جمله عواملی هستند که فرهنگ مالیاتی را شکل می دهند.

از جمله وظایف مدیریت مالیاتی، آگاهی رساندن به مؤدیان برای سهولت بیش تر کار و مطلع کردن مردم از قوانین، آیین نامه ها و بخشنامه ها و تصمیمات سازمان است. این امر به طور سیستماتیک از فرار مالیاتی (اجتناب از مالیات) کاسته و باعث خودبه خودی افزایش تمکین مالیاتی می شود. ایجاد سایت اینترنتی، انتشار روزنامه و یا مجله تخصصی در زمینه مالیات، ایجاد پایگاه های مشاوره در سراسر کشور، برنامه هفتگی رادیو و تلویزیونی، ایجاد بانک های مختلف اطلاعاتی و ... می تواند باعث اعتماد مؤدیان به سازمان مالیاتی شود.

بر اساس قانون هر شهروندی دارای حقوقی است که دولت موظف به تحقق آنها است. اما منابع مالی این خدمات از کجا تامین می شود؟ در بسیاری از کشورها شهروندان در مقابل حقوق و خدماتی که از دولت دریافت می کنند وظایفی را هم بر عهده دارند که پرداخت مالیات به عنوان تامین کننده منابع مالی خدمات دولتی یکی از اصلی ترین آنها محسوب می شود.

هرچند این رویه معقول از قدیم در کشور ما بدلیل اتکا به درآمدهای نفتی کمتر مورد توجه بوده، اما خوشبختانه طی دهه های اخیر مورد تاکید دولتمردان و کارشناسان اقتصادی قرار گرفته و حتی در رفتار اقتصادی مردم هم تاثیر گذاشته است در شرایط فعلی این پرسش مطرح است، مالیاتی که مردم پرداخت می کنند، به کجا می رود؟

در پاسخ، باید گفت که به دلیل عدم فرهنگ سازی مناسب همچنان در این باره ابهام وجود دارد. به عبارت دیگر، توضیح درباره این که سرانجام مالیاتی که مردم پرداخت می کنند در چه جایی هزینه می شود، ضروری است. برای مثال، اگر مردم بدانند مالیاتی که پرداخت می کنند صرف ساخت بیمارستان، مدرسه، فرودگاه و... می شود، قطعاً خود را موظف به پرداخت آن خواهند کرد ولی هم اکنون نحوه مصرف مالیات به طور معین برای مردم مشخص نیست و نیاز به فرهنگ سازی دارد.

دولت نیز با اتخاذ برنامه هایی باید به این سمت برود که فرهنگ سازی در زمینه پرداخت مالیات و این که این کار یک وظیفه ملی تلقی شود، در دستور کار قرار گیرد. البته توجه به پیوند میان سیاست مالیاتی و دستگاه وصول مالیات در اصلاح نظام مالیاتی کشور از هر حیث، موضوعی مهم و قابل تأمل به شمار می آید.

۴- تدوین تشویقات و جرائم متناسب با عملکرد مودیان

برای کاهش فرار مالیاتی در سیستم مالیاتی کشور باید یک نظام مالیاتی بسیار ساده از نظر تشکیلات، قوانین و... طراحی شود، زیرا مطالعات متعدد نشان داده است که تشکیلات اداری و پیچیده، فرار مالیاتی را گسترش می دهد. جرایم مالیاتی باید به نحوی باشد که موجبات کاهش فرار را فراهم آورند و تصمیم قاطعانه



در مورد جریمه و سختگیری در این رابطه نیز باید به طور جدی دنبال شود زیرا یکی از عوامل مؤثر در ارتکاب فرار مالیاتی، یادگیری از رفتار دیگران است. در همین رابطه اگر به نحوی عمل شود که مجرمان بزرگ به سزای عمل خود رسیده و معرفی شوند، می توان امیدوار بود که دیگران کمتر مرتکب عمل غیرقانونی شوند. ضمن آن که اهتمام سازمان مالیاتی و قضایی کشور در این رابطه بسیار ضروری است.

۵- آموزش کارکنان سازمان امور مالیاتی

اغلب مقررات مالیاتی، دارای ابهاماتی هستند که توسط ماموران مالیاتی تفسیر می شوند و درک جامع مدیریتی و جمعی از آن ها وجود ندارد. بعضی از مدیران به منظور افزایش و یا حفظ قدرت خویش، معمولاً اطلاعات را حفظ می کنند. این امر ممکن است مانع رسیدن پیام ها به تمامی کارکنان شود.

معمولاً عملکرد کارکنان از طریق آموزش، تحت کنترل مدیریت قرار نمی گیرد و همچنین عملکرد خوب کارکنان همیشه مشمول ارتقا و پرداخت های بهتر نمی شود.

اگرچه آموزش در داخل سازمان امور مالیاتی کشور ارزشمند تلقی می شود ولی برنامه های آموزشی در برخی موارد بیش از حد وسیع است و اغلب، نیازهای کارکنان و یا شکاف های مهارتی و علمی آن ها را پوشش نمی دهد.

در برخی موارد، به نظر می رسد ارتقا و جبران مالی، کم تر با عملکرد کارکنان مربوط است و بیش تر با ارتباط آن ها با افراد قدرتمند سازمان بستگی دارد

اندازه گیری فرار مالیاتی در ایران

در سال های اخیر، در بعضی از کشورها، دولت ها و محققان سعی در اندازه گیری میزان فرار مالیاتی، برای مالیات های خاص و نیز برای کل سیستم مالیاتی داشته اند. لیکن اندازه گیری میزان دقیق فرار مالیاتی در کشور ایران، با مشکلاتی روبه رو بوده است که از اهم موانع در راه تخمین فرار مالیاتی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- ناتوانی در استفاده از روش های مستقیم اندازه گیری (چرا که مردم مقادیر فرار مالیات شان را ابراز نمی کنند)

۲- انجام نشدن تحقیق جامع در مورد میزان فرار مالیاتی در هر یک از شاخه های مشمول مالیات در ایران.

۳- تفاوت تعاریف بین المللی مالیات با تعاریف مالیات در ایران، به نحوی که برخی از درآمدهایی که در ایران جزو درآمدهای مالیاتی محسوب نمی گردد، در سایر کشورها سهم عمده ای از درآمدهای مالیاتی را به خود اختصاص داده است.

۴- عدم تطبیق آمارهای مراکز مختلف

۵- محرمانه بودن اطلاعات مربوط

اما با این حال به دلیل آثار سوئی که فرار مالیاتی بر اقتصاد کشور دارد، به توجه و بررسی بیشتری در این زمینه نیاز است. به طور کلی، فرار مالیاتی سبب می شود که درآمدهای مورد نیاز دولت برای هزینه های



دولت تامین نگردد و در نتیجه خدماتی که دولت می باید آن را فراهم سازد ، در حد مورد نیاز و باکیفیت ارائه نشود.



مالیات منفی

Subsidy

یارانه

یکی از رایج ترین ابزار دولت جهت توزیع مجدد درآمد جهت حمایت از گروههای خاص با اهداف اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی یارانه می باشد .

❖ اهداف اقتصادی : رفاه اجتماعی ، سود گروه خاص و حتی خودش ، حفظ روند تولید

❖ اهداف سیاسی : جلوگیری از واردات کالا، تحت کنترل قرار گرفتن نبض بازار ، جنگ سرد فشار

سیاسی جهت کشور خارجی خاص و ... پایین نگه داشتن سطح قیمت ها

❖ اهداف اجتماعی : سلامت جامعه ، وادار کردن جامعه به استفاده از کالای ضروری و مفید جهت

وارد نشدن لطمه در آینده مصرف شیر و سلامت

❖ اهداف فرهنگی : تغییر الگوی مصرف جامعه ، تشویق بمصرف و یا تولید داخلی

گروههای خاص می توانند صنایع داخلی ، تجارت داخلی (بازرگانی داخلی) اصناف اقشار کم درآمد

جامعه ، همه اقشار جامعه باشند

← منبع پرداخت یارانه : از محل درآمدهای دولت (عموماً مالیات)

← زمان پرداخت یارانه : مقطعی (زمان معین یا اضطراری) ، همیشه

یارانه یعنی : کمک رایگان و اعانه دولت به مردم و جامعه و زمان معین بمنظور تامین رفاه اجتماعی و یا

سایر اهداف از محل درآمدهای عمومی

مقدار تفاوت قیمت تمام شده (حقیقی) کالا و خدمات با قیمت تعدیل شده آن

❖ مهمترین اثر منفی یارانه تحریف قیمت‌های بازار و در نتیجه تخصیص نامطلوب منابع و الگوی بد

مصرف

چند تعریف :

۱- دهنده یارانه (انتظارات مرجع) :

منبعی که یارانه را با هدف مشخص پرداخت می نماید .

۲- گروه هدف :

گروهی است که مرجع پرداخت کننده یارانه ، آنرا مستحق پرداخت یارانه میدانند . (هدف ، پرداخت

یارانه به او می باشد)

۳- یارانه :

مقدار تفاوت قیمت تمام شده (حقیقی) کالا یا خدمات با قیمت تعدیل شده برای حمایت از گروه

هدف ؛ که مرجعی پرداخت می نماید تا با حمایت از گروه هدف ، انتظارات مرجع تامین گردد.





۴- قیمت تمام شده (حقیقی) هزینه کل + سود تولید کننده (در رابطه با تولید کننده)

۵- قیمت تعدیل شده : جزیی از قیمت تمام شده که برای تهیه کالا و خدمات ، توسط مصرف کننده

پرداخت شده و بخشی دیگر به عنوان یارانه توسط مرجعی به تولید کننده داده می شود

قیمت تعدیل شده - قیمت تمام شده = یارانه

❖ مصرف کننده با قیمت تعدیل شده سرو کار دارد .

❖ قیمت تعدیل شده یعنی سطح توان خرید عمومی

۶- سطح توان خرید عمومی : قیمتی که گروه هدف قادر به پرداخت آن است

۷- هزینه های جانبی پرداخت یارانه : وجود هر گونه واسطه در هر امر اقتصادی موجب ایجاد هزینه

خواهد شد . در مورد یارانه هم همین است ، پرداخت یارانه از طریق واسطه ها بواسطه هزینه های جانبی ایجاد

شده به نفع گروه هدف نیست ، پس تعاریفی جدید داریم :

۸- یارانه اسمی : آن مبلغ کمک دهنده یارانه قصد دارد بدست گروه هدف برساند .

۹- یارانه واقعی : آن مبلغ کمک که بدست گروه هدف می رسد . (حمایت خاص)

پس

هزینه های جانبی - یارانه اسمی = یارانه واقعی

یا

یارانه اسمی = هزینه های جانبی + یارانه واقعی

← هزینه های جانبی به روش پرداخت یارانه مربوط می شود

مثلا توزیع کالاهای اساسی :

✓ هزینه انتخاب کاغذ کوپن (جهت جلوگیری از تقلب)

✓ هزینه حفاظت از کوپن و پخش کوپن (تهیه توزیع جمع آوری امحاء)

✓ هزینه حمل و تهیه کالاها به مراکز خاص پخش

✓ هزینه اعلام شماره ها توسط رادیو و تلویزیون و مطبوعات

✓ هزینه به صف ایستادن مردم (وقت)

حال این یارانه به تولید کننده داده شود یا مصرف کننده ؟ در کدام حالت یارانه بهتر می رسد؟

۱۰- یارانه معروفیت : یارانه ای که به کالا یا خدماتی بعلت ناشناخته بودن و عدم استقبال عمومی تعلق

می گیرد .

۱۱- یارانه بازاریابی : یارانه ای که بعلت پایین بودن کیفیت محصول پرداخت می شود تا به مرور زمان

به کیفیت واقعی برسد . این یارانه بیشتر صرف تبلیغات محصول می شود .

۱۲- منبع پرداخت یارانه : غالبا و عموما از درآمدهای عمومی ولت است .

۱۳- میزان پرداخت یارانه : میزان پرداخت یارانه یکی از معیارهای توسعه یافتگی کشور است میزان

یارانه با افراد زیر خط فقر نسبت مستقیم دارد.



۱۴- ارکان یارانه : یارانه دو عنصر اصلی دارد کمک مالی و نفع کمک مالی به گروه خاص که آن گروه از آن کمک مالی نفع ببرند .

۱۵- اهداف کلی یارانه :

- ۱- هدفمند نمودن بکارگیری منابع کمیاب
- ۲- تثبیت قیمتتها (بالابردن قیمت واقعی یا تحریف قیمت بازار)
- ۳- توزیع مجدد درآمد و کاهش شکاف دهکهای درآمدی
- ۴- حفظ روند تولید یک کالای معین یا صنایع نوزاد
- ۵- جلوگیری از هزینه های آتی (آموزش و بهداشت)
- ۶- تغییر الگوی مصرف جامعه (این هدف همانند تعرفه است)
- ۱۶- انتظارات مرجع در پرداخت یارانه می تواند در زمانهای مختلف تغییر کند .
- ۱۷- بزرگترین یارانه در جهان در کشاورزی است .
- ۱۸- تضمین خرید ، بخشودگی و تخفیف مالیاتی نیز نوعی کاربردی از یارانه است
- ۱۹- یارانه عکس مالیات است (مالیات منفی)



طبقه بندی هاگ یارانه

الف (طبقه بندی براساس اهداف دولت

- ۱- یارانه اقتصادی : کمک دولت به کاهش هزینه تولید بخش خاص بمنظور هدایت تولید کننده و مصرف کننده به تولید / مصرف کالای خاص
- ۲- یارانه توسعه ای :

- ✓ کمک دولت بمنظور تقویت زیربنای اقتصادی و اجتماعی
 - ✓ کمک به موسسات پژوهشی ، تحقیقاتی ، بورسیه دانشجویان داخل و خارج کشور با هدف توسعه فناوری و تکنولوژی
- ۳- یارانه اجتماعی : برای پیشگیری از آسیب های اجتماعی ؛ اوقات فراغت جوانان ، یارانه شیر برای

سلامت

- ۴- یارانه سیاسی : برای تحکیم مبانی سیاسی دولت و هماهنگ نمودن جامعه با سیاستهای خود در جهت تحکیم امنیت ملی
- ۵- یارانه فرهنگی : برای حمایت از امو هنری ، علمی ، انسانی و مذهبی
- ۶- یارانه نظامی
- ۷- یارانه دینی

ب) طبقه بندی براساس مراحل پرداخت (فرایند تولید تا مصرف)

- ۱- یارانه مصرفی (حمایت از مصرف کننده) نقدی و غیر نقدی :



با هدف کمک رفاهی به گروهی خاص از مصرف کنندگان و توزیع مجدد درآمد خصوصا در مورد کالاهای اساسی

۲- یارانه تولیدی (نقدی یا غیر نقدی) :

با هدف حمایت از تولید کنندگان که تولید آنها مورد نیاز جامعه است ولی به علل متفاوت یا قیمت تمام شده آنها با قیمت فروش تطابق ندارد یا آنان به فعالیتهای تجاری متمایل شده اند .

-فروش نهاده های کشاورزی (کود سم بذر)

-خرید تضمینی محصولات)

-کمک جهت زیانکرد عملیاتی شرکتهای دولتی

-ارز دولتی جهت خرید مواد اولیه

۳- یارانه توزیعی(حمایت از توزیع کننده - نقدی یا غیر نقدی) :

با هدف کاهش در هزینه های توزیع - توزیع ارزان کالاها - یارانه حمل نقل کالا ، کم کردن قیمت

تمام شده محصول

۴-یارانه خدماتی: برای افزایش ارائه برخی از خدمات --یارانه حمل و نقل شهری (اتوبوسرانی) - مابه

التفاوت قیمت بنزین و تاکسیها -تغذیه کارکنان دولت -پرداخت زیان به شرکت آب و برق و تلفن

۵- یارانه صادراتی : با هدف تشویق صادرات و گسترش بازار آن و مقاومت در برابر رقابت خارجی

- معافیتهای صادراتی

-ارز دولتی با شرط صادرات برای وادار کردن مواد اولیه

-یارانه جهت کاهش واردات و صرفه جویی ارزی

ج) طبقه بندی بر اساس نحوه طبقه بندی یارانه ها در حسابهای ملی

۱- یارانه مستقیم (تولیدی ، توزیعی ، مصرفی ، خدماتی) :

در بودجه دارای ردیف معین- گیرندگان محدود و مشخص و دارای شخصیت حقوقی- احتمال سوء

استفاده کم - زمان کوتاه - کم هزینه

۲- یارانه غیر مستقیم : غالبا جنبه کالایی دارند

تعدد گیرندگان زیاد -احتمال سوء استفاده زیاد-زمان زیاد -هزینه بر

تفاوت یارانه های مستقیم و غیر مستقیم : دریافت کننده مشخص ، کم هزینه تر و کوتاه تر

د) طبقه بندی بر اساس انعکاس یا عدم انعکاس هزینه های آن در بودجه

۱- یارانه پنهان

یارانه ای که هزینه های آن در حسابهای پرداخت یارانه منعکس نمی شود و تفاوت آن با یارانه غیر

مستقیم این است که یارانه غیر مستقیم قابل محاسبه است ولی یارانه پنهان قابل محاسبه نیست و بیشتر

بصورت دادن امتیاز است که دولت برای بخشها بوجود میآورد.

۲- یارانه آشکار

جزء هزینه های دولت بحساب می آید و در بودجه مشخص است (مستقیم و غیر مستقیم)



و) طبقه بندی بر اساس نحوه توزیع یارانه ای

- ۱- باز
۲- هدفمند (سرانه)
- ۱- یارانه باز : بطور یکسان به کل جامعه داده می شود و غالباً به خرید افراد مربوط می شود.
- ← هر کس بیشتر خرید کند ، بیشتر بهره مند می شود
- ← خانواده های ثروتمند سهم بیشتری می برند (سهم کمتری از درآمد خود را به یارانه اختصاص می دهند)

- ← الگوی مصرف زندگی خانواده ها بهم می خورد (بیشتر می خردند و ضایعات بیشتر است)
- ۲- یارانه هدفمند : افراد گروه در جامعه شناخته می شوند و یارانه تنها به آنها پرداخت می گردد
- یارانه سرانه - یارانه کاغذ - ارائه کوپن (به نسبت خانوار)

ر) طبقه بندی بر اساس نحوه و روش پرداخت

- ۱- یارانه نقدی پرداخت بصورت نقدی به گروه هدف (بصورت ربالی)
- ۲- یارانه اعتبارات وام با نرخ بهره پایین (غالباً کشاورزی)
- ۳- یارانه مالیاتی معافیت های تولیدی در مناطق خاص (محروم) امتیاز بخشودگی مالیات
- ۴- یارانه برابری در اختیار گذاشتن کالای اولیه مثل کالای خام
- ۵- یارانه جنسی وارد کردن کالا و توزیع در بازار با قیمتی کمتر از بازار
- ۶- یارانه خرید تضمینی کالا
- ۷- یارانه تنظیمی پرداخت های مقطعی دولت در زمانهای خاص

(شماره ۲ تا ۷ غیر نقدی هستند)



کار کلاس: مشخص کردن نوع یارانه بر اساس تقسیم بندیهاک فوق

- یارانه نان : مصرفی - غیر مستقیم - آشکار
- وام بلاعوض جهت اشتغال :
- طرح شهید رجایی : (روستائیان)
- کمک به شهرداریها :
- پرداخت ما به التفاوت ارز به وارد کنندگان :
- کوپن کالاهای اساسی



آثار مثبت و منفی یارانه در اقتصاد

- ✓ برخورداری طبقات پایین جامعه از حداقل معیشت و جلوگیری از دزدی، بزهکاری و ...
- ✓ کنترل رشد بخشهای اقتصادی (ارشاد و هدایت تولید کنندگان و تولیدات مورد نیاز جامعه)
- ✓ تحریف قیمت واقعی کالا و کند کردن سرعت رشد اقتصادی و انحراف از سرمایه گذاریهای مواد
- ✓ عامل ایجاد کسر بودجه (اشغال کردن اعتبار مصوب)
- ✓ تحت تاثیر قرار دادن الگوی مصرف و رعایت نکردن مصرف بهینه و در نتیجه افزایش هزینه های دولت
- ✓ به هدر رفتن منابع با توجه به محدودیت آنان (فشار بر منابع عمومی دولت)
- ✓ فراهم شدن زمینه قاچاق کالاهای یارانه ای
- ✓ جلوگیری از رقابت سالم بین واحدهای تولیدی یارانه بگیر و سایر
- ✓ فشار بر بخش خصوصی جهت رقابت با دولت (فشار ناعادلانه)
- ✓ هر چه یارانه به گروه هدف مستقیم تر برسد (واسطه کمتر) یارانه واقعی به یارانه اسمی نزدیکتر خواهد شد
- ✓ پرداخت هر گونه یارانه به بخش تولیدی باعث وارد شدن دولت به تشکیلات تصدی گری می شود (نظام اداری)
- ✓ پرداخت هر گونه یارانه دخالت در نظام بازار آزاد است و به نوعی تعادل بازار را به هم می زند.
- ✓ هزینه های جانبی در یارانه تولید به مراقبت بیشتر از یارانه مصرف است
- ✓ یارانه در اغلب موارد باعث دو نرخی شدن کالا می گردد. (یارانه تولیدی)
- ✓ یارانه اگر با فرهنگ اقتصادی همراه نباشد باعث تنبلی تولید کننده و مصرف کننده می شود و عملاً باعث افزایش اختلاف طبقاتی می شود.
- ✓ در مواردی که دولت در نظر دارد کالایی را از گردونه مصرف خارج کند، به کالاهای جانشین یارانه می دهد
- ✓ پرداخت یارانه نقدی، دامنه انتخاب گروه هدف را افزایش می دهد و ممکن است هدف حاصل نشود، اما نسبت به سایر موارد قیمتتها را کمتر مختل می کند. مثال شیر خشک کودکان
- ✓ یارانه نقدی به صورت مشروط، دهنده را بیشتر به هدف نزدیک می کند.
- ✓ یارانه خدمات بهداشتی بشرط استفاده و ... وام کشاورزی بشرط کشاورزی
- ✓ یارانه نقدی اثرات تورمی دارد. اقشار ثروتمند قادر به انتقال درآمد هستند ولی اقشار فقیر قادر نیستند.
- ✓ یارانه نقدی مستلزم وجود اطلاعات کافی و لازم و شفاف و صحیح است.
- ✓ یارانه های نقدی در کوتاه مدت موثر بوده و تاثیری در شرایط خانوارها در بلند مدت ندارند
- ✓ پرداخت نقدی یارانه ها، عملاً موجب افزایش سرمایه گذاری می شود.
- ✓ پرداخت نقدی یارانه ها، موجب بالا رفتن کیفیت کالاها و محصولات می شود. (بالا رفتن دامنه انتخاب)



- ✓ پرداخت یارانه بصورت نقدی ، موجب معلوم شدن قیمت‌های واقعی کالا و خدمات می شود .
- ✓ پرداخت یارانه بصورت نقدی ، موجب کاهش قاچاق کالا بخصوص یارانه می شود .
- ✓ پرداخت یارانه بصورت نقدی ، اهداف دولت را محدود می کند .
- ✓ محاسبه مقدار یارانه های نقدی مشکل است .
- ✓ پرداخت یارانه ها بصورت نقدی تعادل اقتصادی - پولی را بهم می زند .
- ✓ پرداخت نقدی یارانه ها مستلزم حسابهای بانکی زیاد ، امنیت بیشتر و ... می باشد .
- ✓ پرداخت یارانه بصورت نقدی از بین رفتن مزیت رقابتی کالاهای داخلی در برابر مشابه خارجی و افزایش واردات و بالا رفتن نرخ ارز می شود (قیمت کالاهای داخلی بالا می رود)
- ✓ پرداخت نقدی یارانه باعث افزایش در قیمت کالاهای غیر قابل مبادله بویژه مسکن می شود .



در پرداخت های یارانه دو هدف ظاهرا متناقض برای دولت پیش میاید .

- ۱- عدالت اجتماعی
- ۲- کارایی

ظاهرا در بحث یارانه عدالت اجتماعی باعث کاهش کارایی می شود . راه حل این مسئله نظریه یارانه تقویت است .

یارانه باید به شکل و مقداری انتخاب شود که ضمن رعایت عدالت اجتماعی باعث بالا بردن کارایی گروه هدف گردد. این کار صرفا با زیاد کردن مقدار یارانه در سبد بودجه حاصل نمی شود ، بلکه باید یارانه زمینه ساز رشد اقتصادی باشد ، همانند کودکی که در آغاز راه رفتن نیاز به دست گرفتن در مقاطع زمانی کوتاه و ول کردن دست و کودک را رها کردن برای چند قدم و مجددا کمک تا حصول مقصود است .



بررسی عوامل موثر بر فرار از پرداخت مالیات

● عوامل موثر در فرار مالیات

- ۱- عدم شناخت صحیح و اهمیت ضرورت مالیات و نقش آن در اقتصاد،
- ۲- عدم تعبیر سیستم مکانیزه جهت ردیابی و شناسایی و جمع آوری اطلاعات مرتبط با درآمدهای اشخاص،
- ۳- عدم تفاهم و اعتماد فی مابین ماموران تشخیص مالیات و مودیان مالیاتی
- ۴- تبعیض در تشخیص مالیات برای مودیان (عدم ارایهء اطلاعات صحیح در نظام مالیاتی)، ۵ نرخ های بالای مالیاتی



فرارهای مالیاتی را می توان به دو دسته بزرگ تقسیم کرد:

۱- ترفند مالیاتی (طریق مبتنی بر قانون):

به این معنی که مودی (مالیات دهنده) سعی می کند با استفاده از مواد قانونی و مفرهای موجود در آن مالیات کم تری را بپردازد بی آن که از صورت ظاهر قانون عدول کند،

۲- فرار مالیاتی :

دومین طریقه روش کسانی است که با مبادرت به انتشار یا تقلب یا اعمال خلاف قانون سعی در نپرداختن مالیات دارند. از جمله نگهداری دو دسته دفاتر و مدارک برای ثبت معاملات، یک دفتر برای خود مودی که دخل و خرج وی را به درستی نشان می دهد و دفتر دیگر برای ارایه به ماموران مالیاتی جهت محاسبه مالیات و همچنین در معاملات نقدی و عدم ثبت این معاملات، پرداخت های نقدی که بابت خرید کالا یا خدمات انجام می شود و وظیفه ماموران مالیاتی را جهت ردیابی و کشف آن ها و اخذ مالیات مربوطه دشوار می کند. عواملی دیگر همچون: حضور سیاستمداران افتخاری در شرکت ها جهت پایین آوردن مالیات، بالا بردن بهای قیمت تمام شده کالای فروش رفته، تغییر و جابه جایی محل فعالیت شرکت هر سال یک بار جهت عدم شناسایی توسط ماموران مالیاتی، دادن آدرس های صوری در هنگام تاسیس شرکت ها، انحلال و ثبت مجدد شرکت ها به طور متوالی و ...



مشخصات یک سیستم مالیاتی مناسب

سیستم مناسب مالیاتی آن است که بتواند سه هدف را عملی سازد: کارآیی، عدالت، سادگی و به عبارت دیگر آن است که رفتار اقتصادی اشخاص را مختل نسازد و از سوی قشرهای مختلف نیز قابل تحمل باشد و آن را به آسانی فهمیده و عمل کنند. یک مودی (مالیات دهنده) که بدون مشکل پیچیدگی قانون هم در حد خود شکوه و نارضایتی دارد، هنگامی که با یک سیستم مالیاتی غیرقابل فهم و بعضاً ناعادلانه نیز روبه رو شود، نتیجتاً مجموعه این جریان بر احساس همکاری و تمکین او در زمینه امر مالیات اثر منفی بر جا می گذارد. ضمن آن که چنین سیستمی مولد اشتباه و خطا نیز هست و به مرور زمان ممکن است بدبینی پدید آورده و میزان همکاری مودیان را کاهش دهد. البته در زمان وضع مقررات کسی مایل به بروز چنین عواقبی نیست اما نظر اغلب کارشناسان مالیات بر آن است که می توان این نتایج را از قبل پیش بینی کرد .



ارزش افزوده به چه معنی است؟

هر کالایی که در بازار فروخته می‌شود، در فرایند تولید خود، توسط چندین تولیدکننده به تدریج ساخته شده است. به عنوان مثال یک نان ابتدا گندم بوده سپس تبدیل به آرد شده سپس خمیر شده و نهایتاً در تنور پخته و نان شده است. قیمت گندم موجود در هر عدد نان تا قیمت نان فروش رفته در نانوائی در این مراحل به تدریج افزایش یافته است که این افزایش حاصل زحمت تولیدکنندگان مختلف در مراحل مختلف تولید گندم تا فروش نان بوده است. به این ارزش اضافی ایجاد شده از دانه گندم تا نان، «ارزش افزوده» گفته می‌شود.

مطابق تعاریف فرهنگ مالیات، مالیات بر ارزش افزوده نوعی مالیات غیر مستقیم بر مصرف می‌باشد که بطور غیر انباشته بر کلیه مراحل تولید و توزیع خصوصی کالا و خدمات تعلق می‌گیرد.

به عبارتی دیگر خرید کالا و خدمات واسطه ای که در فرایند تولید محصول از پرداخت مالیات معاف بودند، نیز در جریان مالیات قرار می‌گیرند که این پدیده خود بخود باعث از بین رفتن پدیده مالیات بندی مضاعف و مالیات گریزی و اخذ مالیات برای هر ارزش ایجاد شده فقط برای یکبار می‌شود.

یکی دیگر از ویژگیهای مهم مالیات بر ارزش افزوده آن است که سبب می‌شود کلیه تولید کنندگان در زنجیره تولید یک محصول که هر کدام یک تامین کننده ای برای مرحله بعد بحساب می‌آیند، عملاً وصول مالیات بخش بعد از خود را کنترل نمایند که این امر خود بخود از تجمع مبلغ مالیات در بخشهای انتهایی فرایند تولید و فرار مالیاتی برخی از عوامل زنجیره تولید و توزیع جلوگیری خواهد نمود.

مطلب را با ذکر یک مثال دنبال می‌کنیم: یک تولید کننده مبلمان را در نظر بگیرید. برای دستیابی به یک دست مبلمان قابل تحویل به مصرف کننده باید مواد خام و برخی از اجزای نیمه تمام و ساخته شده توسط تولید کننده خریداری و در تولید مبلمان بکار گرفته شود و در کنار آن نیز مجموعه ای از فعالیتهای تولیدی و امکانات نیز بکار گرفته شود تا محصول نهایی تولید گردد. به مجموعه بهای افزوده شده مبلمان به کسر بهای مواد خام و اجزای نیمه تمام خریداری شده توسط شرکت، ارزش افزوده گوئیم. فروشنده مواد خام از تولید کننده مبلمان به بهای نرخ مالیت بر ارزش افزوده، مالیات در یافت کرده است. تولید کننده مبلمان نیز بهنگام فروش محصول نهایی خود به مصرف کننده، به بهای نرخ مالیات بر ارزش افزوده و بکسر آن مقدار که در مرحله قبل از بابت خرید مواد اولیه به فروشنده قبلی پرداخت کرده بود از مصرف کننده نهایی مالیات دریافت خواهد نمود. بدیهیست که کلیه وجوه دریافت شده به هیچ وجه به حساب ذینفعان (فروشنده مواد اولیه و تولید کنندگان و ارائه دهندگان خدمت و.....) منظور نخواهد شد و کلیه عاملین این زنجیره تولیدی تنها ایستگاه های موقت در جمع آوری مالیات در جامعه و نمایندگان وصول مالیات سازمان مالیاتی کشور می‌باشد.

مجدداً متذکر می‌شویم که بر اساس قانون مالیات بر ارزش افزوده، فروشنده هیچگونه مالیاتی نخواهد پرداخت و خریدار مبادرت به پرداخت مالیات بر ارزش افزوده مینماید. همچنین چنانچه تولید کننده ای در طول زنجیره تولید، مالیاتی را پرداخت نماید، این پرداخت موقتی بوده و در اخذ مالیات بر ارزش افزوده مرحله بعد مورد محاسبه قرار خواهد گرفت. و عملاً مصرف کننده نهایی مالیات بر ارزش افزوده را خواهد پرداخت.

در پایان ذکر این نکته ضروریست که موفقیت در این شیوه، متضمن صحت تمامی مندرجات در فاکتورها می‌باشد، بدین معنی که خریدار نباید مدعی خرید از مراجع مجهول الهویه باشد. بدیهیست که



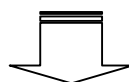
گزارشات فروش نهاده های مختلف رنجیره تولید (که در زمانهای مشخص به سازمان امور مالیاتی ارسال خواهد شد) مقایسه و بررسی و خلاف گزارشات فروش هر یک از نهاده های این زنجیره آشکار وبا افراد خاطی برخورد خواهد شد. بنابر این توجه فروشندگان و خریداران در صحت فاکتورهای تبادل شده و گزارش صحیح از مالیاتهای اخذ شده به سازمان امور مالیاتی کشور متضمن موفقیت در اجرای این طرح خواهد بود که این همکاریها نهایتاً ارمغانهای زیر را به جامعه خواهد داد :

- ۱- روشن شدن درآمدها و کمک به کاهش اعمال سلیقه ها در تعیین مالیات های تکلیفی
- ۲- رعایت عدالت مالیاتی و کاهش احساس نارضایتیها در جامعه
- ۳- کمک به سایر روشهای جذب مالیات و کاهش بار خطاهای احتمالی در امر وصول سایر مالیاتها
- ۴- افزایش درآمدهای مالیاتی و به جریان انداختن هر چه بیشتر فرایند خدمت رسانی به جامعه
- ۵- نشویق سرمایه گذاری و تولید و صادرات
- ۶- اخذ مالیات بیشتر از ان دسته از افراد جامعه که کالاها و خدمات لوکس و غیر ضروری مصرف میکنند
- ۷- جلوگیری از اخذ مالیات مضاعف از محصول یا خدمت نهایی واحد



مالیات بر ارزش افزوده در واقع نوعی مالیات بر فروش کالا و خدمات چند مرحله ای است، که در طی مراحل زنجیره واردات/تولید/توزیع/مصرف با نرخ مالیاتی ثابت (غیرتصادفی) اعمال می گردد ولی نهایتاً مصرف کنندگان نهایی تنها پرداخت کننده واقعی آن می باشند. مبنای محاسبه این مالیات بهای کالا و خدماتی است که یا در داخل تولید می شوند و یا به کشور وارد می گردند و فروشندگان و یا ارائه دهندگان خدمات برای آنها صورتحساب صادر می نمایند. در این نظام مالیاتی هر یک از ارائه دهندگان کالا و خدمات که در این نظام مالیاتی از دید دولت مؤدیان مالیاتی تلقی می گردند، مکلف به نگهداری دفاتر حسابداری و در هنگام فروش مکلف به تهیه و صدور صورتحساب می باشند. در صورتحسابهای صادره بایستی مشخصات طرفین معامله، مشخصات کامل کالا همراه با قیمت و مالیات آن در ستونهای مربوطه، در چند نسخه ثبت شده باشد.

در هر یک از مراحل زنجیره به هم پیوسته تولید/توزیع، هر یک از بنگاههای اقتصادی در زمان خرید مواد اولیه و یا سایر کالاهای مورد نیاز، بهای کالای خریداری شده بعلاوه مالیات بر ارزش افزوده (که به صورت





درصد ثابتی از بهای کالا می باشد) را به فروشنده کالا می پردازند. اما در زمان فروش کالا یا محصولات تولیدی علاوه بر بهای کالائی که به فروش می رسانند، مالیات بر ارزش افزوده متعلقه را نیز محاسبه و از خریدار کالای خود دریافت می نمایند. حال چون در این نظام مالیاتی، فعال اقتصادی نبایستی خود مالیاتی پرداخت نماید و بایستی مالیات تنها از مصرف کننده نهایی اخذ گردد، فعالان اقتصادی مالیات پرداختی بابت خرید مواد اولیه و سایر کالاها را از وجوه مالیات دریافتی از خریداران کالاها و دریافت کنندگان خدمات خود، کسر و تنها مابه التفاوت را به خزانه دولت می پردازند. به این ترتیب هر فعال اقتصادی تنها به میزان ارزش افزوده ای که توسط کارگاهش ایجاد می گردد مالیات به حساب دولت واریز می نماید و عمل انتقال مالیات از هر عنصر زنجیره تولید/توزیع به عنصر بعد تا زمانی که مالیات به مصرف کننده نهایی اصابت نماید، ادامه پیدا می کند و نهایتاً مصرف کننده نهایی که حلقه آخر زنجیره تولید/توزیع مصرف است، کل مالیات را که در مراحل مختلف زنجیره توسط عناصر زنجیره تولید/توزیع انباشته گردیده پرداخت می نماید.



مالیات بر ارزش افزوده به نفع کیست؟

اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده در درجه اول به نفع تولیدکننده داخلی است. در زمان اجرای قانون تجمیع عوارض، تولیدکنندگان ایرانی ناچار بودند بطور سلسله وار برای یک کالا مکرراً مالیات بپردازند یعنی مثلاً برای یک خودرو هم تولید کنند مواد اولیه هم قطعه ساز و هم کارخانه تولیدکننده به طور جداگانه و هر کدام سه درصد مالیات تجمیع عوارض می پرداختند اما در عین حال بنگاه های فروش خودرو، دلالتان خودرو و شرکت های واردکننده خودرو، از پرداخت این مالیات معاف بودند. با اجرای مالیات بر ارزش افزوده، سلسله مراتب تولید از پرداخت مالیات بر تجمیع عوارض معاف می شوند و در عوض این توزیع کننده نهایی است که باید مالیات را محاسبه و از خریدار نهایی دریافت کند.



مالیات بر ارزش افزوده به ضرر کیست؟

با اجرای مالیات بر ارزش افزوده، منافع دو گروه از فعالان بازار به طور جدی به خطر خواهد افتاد. در درجه اول کسانی که پشت پرده به دلالتی و واسطه گری مشغولند. کسانی که بدون اینکه در زحمت تولید شریک باشند و بدون اینکه در مقابل مصرف کنندگان تعهدی به عهده بگیرند، با قرار گرفتن در مسیر تولید تا مصرف، با خرید و فروش های مکرر باعث عدم شفافیت و التهاب در بازار می شوند. ضرر این عده بیشتر از این بابت است که براساس قانون مالیات بر ارزش افزوده، مسیر تهیه و توزیع کالاها شفاف می شود. با اجرای این قانون، کسانی که بی جهت در مسیر تولید تا مصرف قرار گرفته اند شناسایی شده و به تدریج حذف می شوند.

گروه دیگر ضررکننده ها از قانون مالیات بر ارزش افزوده، قاچاقچیان هستند. کسانی که خارج از مسیر قانونی و رسمی واردات، کالاهای خارجی را از بازارهای امارات، عمان، کردستان، آسیای میانه و حتی افغانستان و



پاکستان دور از چشم قانون به داخل ایران منتقل کرده و بازار ایران را مملو از کالاهای بی کیفیت خارجی کرده‌اند. ویژگی اصلی این عده، عدم تعهد آنها در برابر مصرف‌کنندگان است چرا که نه گارانتی معتبری ارائه می‌کنند و نه حتی در قبال صحت و سلامت کالایی که ارائه می‌کنند، مسؤلیتی می‌پذیرند. با اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده، منافع این دسته از خرابکاران بازار، به شدت به خطر می‌افتد. به طور خلاصه، قانون مالیات بر ارزش افزوده به ضرر کسانی است که از شفافیت بازار گریزانند و منافعشان در بهره‌برداری از شایعات، رانت‌های اطلاعاتی و قاچاق است.



سوالات چهار گزینه ای

۱- از نظر تحلیل های خرد اقتصادی ، مالیات ها چه آثاری دارند ؟

- الف (تخصیص و تثبیت
ب (توزیع و تثبیت
ج (تخصیص و توزیع
د (مالی و پولی

۲- کدام گزینه در عمده کشورهای جهان ، مهمترین منبع درآمد دولت را تشکیل می دهد ؟

- الف (مالیات
ب (درآمد حاصل از فروش نفت
ج (درآمد حاصل از صنعت توریسم
د (درآمد ملی

۳- پایه مالیاتی :

الف (نرخ یا نسبتی از ارزش موجود است که باید به صورت مالیات پرداخت شود
ب (شیوه اخذ مالیات است

- ج (فرد یا تشکیلاتی است که مالیات را پرداخت می کند
د (معیار یا ارزشی است که مالیات بر آن برقرار می شود

۴- اگر صاحبان درآمد بالا ، با نرخ بیشتری نسبت به دارندگان درآمد پایین مالیات کسب شود چه نوع مالیاتی است ؟

- الف (مالیات نسبی
ب (مالیات تنازلی
ج (مالیات مضاعف
د (مالیات تصاعدی

۵- اگر از صاحبان درآمد بالا ، متوسط و پایین برای مصرف نوشابه مالیات با نرخ ۵۰ درصد گرفته شود چه نوع مالیاتی اخذ شده است ؟

- الف (مالیات تنازلی
ب (مالیات تصاعدی
ج (مالیات نهایی
د (مالیات نسبی

۶- مالیات بر بازار و مالیات بر مصرف اصولاً مشمول کدام نوع مالیات هستند ؟

- الف (تصاعدی
ب (تناسبی
ج (تنازلی
د (ثابت

۷- کدام گزینه انصاف در پرداخت مالیات را توجیه می کند ؟

- الف (اصل فایده
ب (اصل توانایی
ج (برابری عمودی
د (برابری افقی

۸- مفهیم برابری عمودی و برابری افقی در ارتباط با کدام نظریه مالیاتی مطرح می شوند ؟

- الف (اصل فایده
ب (اصل توانایی پرداخت
ج (مصرف به عنوان پایه مالیاتی
د (ثروت به عنوان پایه مالیاتی

۹- بر اساس نوشته های آدام اسمیت پرداخت مالیات مبتنی بر چه اصلی است ؟

- الف (اصل توانایی پرداخت
ب (اصل درآمد نهایی
ج (اصل فایده
د (اصل عدالت

۱۰- این مفهوم که افراد با درآمد مشابه باید مالیات یکسان بپردازند بیان گر کدام گزینه است ؟

- الف (برابری افقی
ب (برابری عمودی
ج (اصل توانایی پرداخت
د (مالیات نسبی

۱۱- جدال طرفداران دو نظریه مالیات بر درآمد و مالیات بر مصرف متکی بر چیست ؟

- الف (پایه مناسب
ب (بهترین مالیات
ج (مالیات مستقیم
د (مالیات غیرمستقیم

۱۲- کدام گزینه درآمد اقتصادی را نشان می دهد ؟

- الف (درآمد اقتصادی = مصرف + تغییر در ارزش دارایی ها
ب (درآمد اقتصادی = مصرف - تغییر در ارزش دارایی ها
ج (درآمد اقتصادی = دارایی ها - بدهی ها
د (درآمد اقتصادی = درآمد - پس انداز

۱۳- در شرایط توزیع نابرابر درآمد و ثروت کدام نوع مالیات بیشتر قابل توجیه است ؟

- الف (تنازلی
ب (تناسبی
ج (مالیات بر درآمد و ثروت
د (مالیات بر مصرف

۱۴- در شرایطی که پس انداز جامعه در سطح پایینی قرار گرفته باشد و دولت بخواهد پس انداز را افزایش دهد، کدام مالیات به طور نسبی مناسب تر است ؟



الف) مالیات بر ثروت	ب) مالیات بر ارث
ج) مالیات بر درآمد	د) مالیات بر مصرف
۱۵- موضوع انتقال بار مالیاتی بر مصرف چه موقع قابل کنترل است؟	
الف) مالیات تنها بر یک یا چند گروه کالاها وضع می شود	ب) مالیات تنها کالاها را در بر می گیرد
ج) مالیات بر مجموعه مصرف افراد وضع می گردد	د) مالیات کالاها را شامل می شود
۱۶- اگر مالیات به جای اینکه بر یک یا چند کالا برقرار شود، بر مجموعه مصرف قرار گیرد اجتناب از پرداخت مالیات:	
الف) ممکن است	ب) دشوار خواهد بود
ج) کاملاً میسر است	د) به میزان مالیات بستگی خواهد داشت
۱۷- پس از برقراری مالیات، کدام گزینه بار مالیاتی را تعیین می کند؟	
الف) تغییرات نهایی در رفاه خانوارها	ب) مصوبات مجلس
ج) مستقیم یا غیرمستقیم بودن مالیات	د) تصمیمات دولت
۱۸- اگر مالیات بر همه کالاها مصرفی برقرار شود، مصرف کنندگان چگونه خواهند توانست از پرداخت مالیات اجتناب کنند؟	
الف) با کاهش پس انداز	ب) با تغییر نرخ مالیاتی
ج) با کاهش مصرف همه کالاها	د) با تغییر ساعات کار
۱۹- مهمترین منبع درآمد دولت در عمده کشورهای جهان:	
الف) صادرات است	ب) مالیات است
ج) واردات است	د) تولید داخلی است
۲۰- از نظر تحلیل های خرد اقتصادی مالیات چه اثری دارد؟	
الف) اثر تخصیص و توزیع	ب) اثر توزیع
ج) اثر تخصیص	د) اثر بازدارنده
۲۱- هر چه سهم درآمد مالیاتی نسبت به درآمد ملی کمتر باشد تأثیر تغییر در سیاست های مالی:	
الف) کمتر خواهد بود	ب) بیشتر خواهد بود
ج) بدون تغییر است	د) تأثیر زیادی دارد
۲۲- هر مالیاتی از چند جز تشکیل شده است؟	
الف) یک جزء	ب) دو جزء (پایه و نرخ)
ج) سه جزء	د) چهار جزء
۲۳- اجزا تشکیل دهنده مالیات عبارتند از:	
الف) مالیات بر ارث	ب) مالیات بر شرکتها
ج) پایه و نرخ مالیات	د) پایه مالیات
۲۴- مالیات بر حقوق، مالیات بر چیست؟	
الف) جریان درآمد است	ب) ذخیره ثروت است
ج) دارایی است	د) هر سه مورد
۲۵- مالیات های مصرف جزء چه مالیاتی است؟	
الف) نسبی است	ب) تصاعدی است
ج) تنازلی است	د) الف و ب
۲۶- اگر کل مالیات پرداختی را بر درآمد کل تقسیم کنیم کدام نرخ مالیاتی به دست می آید؟	
الف) نرخ نهایی مالیات	ب) نرخ متوسط مالیات
ج) نرخ اولیه مالیات	د) نرخ مالیات
۲۷- یکی از نظریه هایی که انصاف پرداخت مالیات را توجیه می کند نظریه:	
الف) مالیات مبتنی بر اصل فایده است	ب) مالیات مبتنی بر اصل عدالت است
ج) مالیات مبتنی بر اصل مشارکت است	د) مالیات مبتنی بر اصل انصاف است
۲۸- یک مورد از دشوار بودن تعیین مقدار فایده بردگان در مالیات مبتنی بر اصل فایده برای جبران هزینه تولید:	
الف) دفاع ملی است	ب) دارندگان اتومبیل است
ج) آسفالت خیابان هاست	د) شرکت هاست



۲۹- اگر قیمت نهاده کار یا سرمایه پس انداز پس از مالیات کاهش یابد چه تغییری در میزان درآمد صاحبان این دو نهاده پیش می آید؟

الف) درآمدشان زیاد می شود

ب) درآمدشان کم می شود

ج) درآمدشان به سرعت زیاد می شود

د) تغییری پیش نمی آید

۳۰- اگر مالیات بر مجموعه مصرف برقرار شود چه وضعی پیش می آید؟

الف) اجتناب از پرداخت مالیات آسان تر می شود

ب) مالیات کند پرداخت خواهد شد

ج) اجتناب از پرداخت مالیات دشوار خواهد بود

د) مالیاتی پرداخت نمی شود

۳۱- هدف اصلی مالیات در چه جهتی است؟

الف) توزیع مناسب درآمد

ب) کسب درآمد برای دولت

ج) افزایش اندازه دولت

د) حفاظت از مرزهای کشور

۳۲- مفهوم برابری عمودی این است که:

الف) افراد با توانایی های پرداخت مشابه، باید مالیات یکسان پرداخت کنند

ب) کسانی که توانایی پرداخت بیشتر دارند باید مالیات بیشتر بدهند

ج) افراد با توانایی های یکسان باید درآمد یکسان داشته باشند

د) افراد با توانایی های یکسان باید پرداخت و دریافت یکسان داشته باشند

۳۳- از نظر تحلیل های خرد اقتصادی مالیات ها چه اثراتی در اقتصاد دارند؟

الف) تخصیص و توزیع

ب) فقط توزیعی

ج) فقط بر روی تورم

د) جبران هزینه ها

۳۴- در چه صورت تأثیر تغییر در سیاست های مالیاتی بیشتر است؟

الف) سهم درآمد مالیاتی نسبت به درآمد ملی کمتر باشد

ب) میل نهایی به مصرف کمتر باشد

ج) سهم درآمد مالیاتی نسبت به درآمد ملی بیشتر باشد

د) عرضه پول در اقتصاد زیاد باشد

۳۵- کدام گزینه موردی است که بیانگر دشوار بودن تعیین مقدار فایده نفع برندگان در مالیات مبتنی بر اصل فایده برای جبران هزینه تولید است؟

الف) آسفالت خیابان ها

ب) ساخت بیمارستان های دولتی

ج) دفاع ملی

د) مالیات بر درآمد

۳۶- کدام گزینه در خصوص مالیات صحیح است؟

الف) مالیات بر ارث از نوع مالیات بر جریان درآمد است

ب) مالیات بر مصرف نوشابه با یک نرخ ثابت مالیات نسبی خوانده می شود

ج) مالیات بر درآمد با نرخ ۲۵٪ بدون هیچ گونه معافیت، مالیات نسبی خوانده می شود

د) مالیات بر بازارها و مالیات بر مصرف اصولاً مالیات تصاعدی می باشند

۳۷- کدام گزینه در مورد اصل فایده در پرداخت مالیات مصادق دارد؟

الف) در این روش فایده کالاها مشخص نیست

ب) در توزیع مجدد درآمد نقش اساسی دارد

ج) این اصل در توزیع مجدد درآمد نقشی ندارد

د) در پرداخت مالیات انصاف را در نظر نمی گیرد

۳۸- مالیات بر اجاره واحدهای مسکونی چه نوع مالیاتی است؟

الف) مالیات بر جریان درآمد

ب) مالیات بر دارایی

ج) مالیات بر ارث

د) مالیات بر املاک

۳۹- مالیات بر درآمد معمولاً به چه صورت وضع می شود؟

الف) تصاعدی

ب) تنازلی

ج) نسبی

د) مضاعف

۴۰- از نظر تجزیه و تحلیل رفتاری مالیات دهندگان، کدام گزینه مهم تر است؟

الف) نرخ نهایی

ب) نرخ متوسط

ج) نرخ ثابت

د) کل مالیات

۴۱- در فرمول مصرف = درآمد - گزینه مناسب را انتخاب کنید.

الف) هزینه های سرانه

ب) بدهی ها



(د) دارایی

(ج) پس انداز

۴۲- در چه صورت کل مالیات وضع شده را عرضه کننده خواهد پرداخت؟

الف) تقاضا کم کنش و عرضه نیز کم کنش باشد

ب) تقاضا کنش پذیر و عرضه کم کنش باشد

ج) عرضه کاملاً کنش پذیر و تقاض بی کنش است

د) عرضه کاملاً بی کنش و تقاضا کنش پذیر باشد

۴۳- برقراری مالیات بر واحد فروش نوسابه چه اثری بر فایده نهایی مصرف کننده از مصرف نوسابه دارد؟

الف) هیچ تأثیری ندارد

ب) موجب افزایش آن می شود

ج) موجب کاهش آن می شود

د) می تواند موجب افزایش یا کاهش آن می شود

۴۴- پس از برقراری مالیات بر واحد فروش، کدام گزینه صحیح می باشد؟

الف) قیمت دریافتی عرضه کننده < قیمت پرداختی مصرف کننده و کاهش سطح تولید

ب) قیمت دریافتی عرضه کننده < قیمت پرداختی مصرف کننده و افزایش سطح تولید

ج) قیمت دریافتی عرضه کننده > قیمت پرداختی مصرف کننده و کاهش سطح تولید

د) قیمت دریافتی عرضه کننده > قیمت پرداختی مصرف کننده و افزایش سطح تولید

۴۵- در صورتی که منحنی عرضه کالا کاملاً بی کنش باشد کدام گزینه صحیح است؟

الف) تمام مالیات را مصرف کننده می پردازد

ب) تمام مالیات را عرضه کننده می پردازد

ج) قیمت بازار بعد از مالیات تغییر نمی کند

د) مصرف کننده مالیات بیشتری می پردازد

۴۶- کدام گزینه از تبعات برقراری مالیات بر واحد فروش است؟

الف) کاهش قیمت مصرف کننده

ب) افزایش سود بنگاه

ج) حداقل شدن مالیات مصرف کننده

د) کاهش دریافتی عرضه کننده

۴۷- سهم مالیات مصرف کننده و تولید کننده به ترتیب به چه عاملی بستگی دارد؟

الف) به سطح درآمد مصرف کننده و هزینه تولید کننده

ب) به سطح پس انداز مصرف کننده و دارایی های ثابت تولید کننده

ج) به کنش منحنی های عرضه و تقاضا

د) به کنش درآمدی مصرف کننده و تولید کننده

۴۸- هر قدر کنش منحنی عرضه باشد سهم مالیات عرضه کنندگان است .

الف) کمتر - بیشتر

ب) کمتر - کمتر

ج) بیشتر - بیشتر

د) کمتر - صفر

۴۹- عمده ترین وسیله ای که جهت جابه جایی و انتقال در آمد در اختیار دولت قرار دارد عبارت است از:

الف) سوبسید

ب) مالیات

ج) درآمد اختصاصی دولت

د) منحنی لورنز

۵۰- با وقوع یارانه بر قیمت در بازار رقابتی کدام گزینه درست است؟

الف) سهم یارانه متقاضی بالای خط قیمت تعادلی قبلی قرار دارد

ب) سهم یارانه متقاضی پایین خط قیمت تعادلی قبلی قرار دارد

ج) سهم یارانه عرضه کننده پایین خط تعادلی قبلی قرار دارد

د) یارانه عرضه کننده برابر فاصله قیمت متقاضی و عرضه کننده ضرب در مقدار تولید است

۵۱- با وقوع یارانه بر واحد در بازار رقابتی می توان گفت کدام گزینه محتمل است؟

الف) کاهش تولید و افزایش قیمت مصرف کننده

ب) افزایش تولید و افزایش قیمت مصرف کننده

ج) افزایش تولید و کاهش قیمت مصرف کننده

د) کاهش تولید و کاهش قیمت مصرف کننده

۵۲- در شرایطی که کالا یا خدمت مورد نظر دارای اثرات یا پیامدهای خارجی اقتصادی باشند کدام گزینه رفاه جامعه را بیشتر افزایش می دهد؟

الف) پرداخت کمک جنسی

ب) پرداخت سوبسید نقدی

ج) دریافت مالیات

د) تعیین سقف برای تولید

۵۳- کدامیک از موارد زیر سوبسید غیر مستقیم است؟

الف) طرح شهید رجایی

ب) کمک مالی به کارمندان دولت

ج) کمک به خانواده های بی سرپرست

د) پرداخت تفاوت قیمت به مصرف کنندگان نان

۵۴- بر اثر سوبسید بر واحد کدامیک از منحنی های زیر جابه جا می شود؟



الف (تقاضای مصرف کننده	ب (هزینه تولید
ج (مطلوبیت	د (درآمد متوسط تولید کننده
۵۵- سوبسید بر کدامیک از موارد زیر تأثیر می گذارد؟	
الف (تخصیص منابع	ب (توزیع درآمد
ج (تخصیص منابع و توزیع درآمد	د (هیچکدام
۵۶- در کدامیک از موارد زیر سوبسید جنسی مناسب تر از سوبسید نقدی است؟	
الف (کالای معمولی باشد	ب (وجود تورم
ج (سطح درآمد پایین باشد	د (سطح مصرف بالا باشد
۵۷- کدام عبارت درست است؟	
الف (در بازارهای کالاهای اساسی سوبسید بیشتر نصیب عرضه کنندگان می شود	
ب (در بازارهای کالاهای غیرضروری سوبسید بیشتر نصیب متقاضیان می شود	
ج (در بازار کالاهای اساسی سوبسید بیشتر نصیب متقاضیان می شود	
د (اساسی یا غیرضروری بودن کالا نقشی در تعیین سهم متقاضی و عرضه کننده از سوبسید ندارد	
۵۸- بر اثر برقراری سوبسید بر واحد در صورتی که منحنی تقاضا بی کشش باشد کدام گزینه سهم بیشتری از سوبسید می برد؟	
الف (عرضه کننده	ب (واسطه ها
ج (مصرف کننده	د (دولت
۵۹- در چه صورتی سوبسید در بازار محصولات کشاورزی بیشتر متوجه کشاورزان می شود؟ در صورتی که:	
الف (کشش عرضه کمتر از کشش تقاضا باشد	ب (کشش عرضه بیشتر از کشش تقاضا باشد
ج (کشش عرضه برابر با کشش تقاضا باشد	د (کشش عرضه بی نهایت و کشش تقاضا صفر باشد
۶۰- چنانچه کشش منحنی تقاضا بیشتر از عرضه باشد سهم سوبسید کدام گروه بیشتر است؟	
الف (مصرف کننده	ب (تولید کننده
ج (دولت	د (توزیع کننده
۶۱- هر قدر کشش منحنی تقاضا باشد سهم سوبسید عرضه کنندگان است .	
الف (کمتر - بیشتر	ب (کمتر - کمتر
ج (بیشتر - کمتر	د (بیشتر - صفر
۶۲- در بازار رقابتی:	
الف (مالیات تخصیص غیرمؤثر منابع را به دنبال دارد	
ب (سوبسید تخصیص غیرمؤثر منابع را به دنبال دارد	
ج (مالیات و سوبسید تخصیص غیرمؤثر منابع را به دنبال دارد	
د (مالیات و سوبسید تخصیص مؤثر منابع را به دنبال دارد	
۶۳- مالیات و سوبسید چه تأثیری بر خالص رفاه در بازار رقابتی دارند؟	
الف (مالیات خالص رفاه را کاهش و سوبسید خالص رفاه را افزایش می دهد	
ب (مالیات خالص رفاه را افزایش و سوبسید خالص رفاه را کاهش می دهد	
ج (مالیات و سوبسید هر دو خالص رفاه را افزایش می دهند	
د (مالیات و سوبسید هر دو خالص رفاه را کاهش می دهند	
۶۴- وقوع یارانه چه اثری در بازار انحصاری بر جای می گذارد؟	
الف (مقدار عرضه بنگاه انحصار کاهش خواهد یافت	
ب (کارایی و رفاه جامعه کاهش خواهد یافت	
ج (مقدار عرضه بنگاه انحصاری افزایش خواهد یافت	
د (یارانه بر قیمت عرضه را افزایش و یارانه بر واحد عرضه را کاهش خواهد داد	
۶۵- چرا در بازار انحصار کامل عدم کارایی وجود دارد؟ چون یک انحصار گر برای کسب حداکثر سود در جایی تولید می کند که:	
الف (هزینه نهایی برابر درآمد نهایی باشد	ب (هزینه نهایی برابر قیمت باشد
ج (هزینه نهایی برابر با درآمد متوسط باشد	د (درآمد نهایی با درآمد متوسط برابر باشد
۶۶- در کدام مورد عدم کارایی کمتری به دنبال دارد؟	
الف (برقراری مالیات بر قیمت در بازار انحصاری	ب (برقراری مالیات بر واحد در بازار انحصاری
ج (برقراری مالیات بر واحد در بازار رقابتی	د (عدم برقراری مالیات در بازار انحصاری



۶۷- پس از وضع مالیات بر قیمت فروش ، منحنی در آمد متوسط تولید کننده چه وضعی پیدا می کند ؟	الف) به وضع سابق خود می ماند	ب) موازی خود به بالا جا به جا می شود	ج) غیر موازی خود به بالا جا به جا می شود	د) غیر موازی خود به پایین جا به جا می شود
۶۸- کدام عبارت در مورد کسورات باز نشتی درست است ؟	الف) به مالیات بر لیست حقوق شهرت دارد	ب) معمولاً با نرخ تصاعدی برقرار می شود	ج) مالیات بر مصرف است	د) مالیات بر سود است
۶۹- در شرایط انحصار کامل کدام عبارت درست است ؟	الف) مالیات تولید را افزایش می دهد	ب) سوبسید تولید را کاهش می دهد	ج) سوبسید خالص رفاه را افزایش می دهد	د) مالیات کارایی را افزایش می دهد
۷۰- کدام جمله صحیح است ؟	الف) برقراری مالیات بر قیمت در بازار انحصاری می تواند اثر عدم کارایی بیشتری نسبت به مالیات بر واحد فروش داشته باشد	ب) برقراری مالیات بر قیمت در بازار انحصاری می تواند اثر عدم کارایی کمتری نسبت به مالیات بر واحد فروش داشته باشد	ج) سوبسید بر واحد و قیمت در بازار انحصار کامل منتهی به کاهش تولید می شود	د) مالیات در بازار انحصار کامل کلاً به مصرف کننده منتقل می شود
۷۱- تأثیر مالیات بر دستمزد منحنی در آمد متوسط خالص برای عامل کار چگونه است ؟	الف) موجب دوران آن به سمت پایین می شود	ب) موجب انتقال موازی آن به سمت بالا می شود	ج) موجب دوران آن به سمت بالا می شود	د) موجب انتقال موازی آن به سمت پایین می شود
۷۲- در بازار انحصار کامل ، وضع مالیات کدام نتیجه را در پی دارد ؟	الف) افزایش قیمت برای انحصارگر	ب) افزایش قیمت برای مصرف کننده	ج) افزایش سود انحصارگر	د) افزایش مطلوبیت مصرف کننده
۷۳- در بازار انحصار ، سطح تولید در چه مرحله ای است ؟	الف) برابر با سطح تولید کارآمد است	ب) بیشتر از سطح تولید کارآمد است	ج) کمتر از سطح تولید کارآمد است	د) بیشتر از سطح تولید بازار رقابتی است
۷۴- در مورد مالیات بر دستمزد و حقوق عبارت صحیح کدام است ؟	الف) این مالیات مقدار عرضه کار را کاهش خواهد داد	ب) این مالیات مقدار عرضه کار را افزایش خواهد داد	ج) این مالیات باعث افزایش سطح دستمزدها خواهد شد	د) اثر قطعی این مالیات بر کاهش یا افزایش عرضه کار معلوم نیست
۷۵- تفاوت عمده بین مالیات بر در آمد و مالیات بر بازار (فروش) در چیست ؟	الف) در زمان جمع آوری مالیات	ب) در میزان اجتناب از دادن مالیات	ج) در سهم گروه های درآمدی	د) در انتقال درآمد
۷۶- هر یک از سهامداران شرکت ها بابت سود سهام خود چند بار مالیات می پردازند ؟	الف) یک بار	ب) دو بار	ج) سه بار	د) اصلاً مالیات نمی پردازند
۷۷- با توجه به منحنی بی تفاوتی در آمد - فراغت ، چنانچه ساعات فراغت کاهش یابد در آمد می بایست چگونه تغییر کند ؟	الف) کاهش می یابد	ب) ثابت بماند	ج) افزایش یابد	د) ربطی به درآمد ندارد
۷۸- کدام دلیل از سوی مخالفین مالیات بر شرکت ها مطرح می شود ؟	الف) اشخاص سهامدار یک بار مالیات بر شرکت ها و یک بار مالیات بر درآمد می پردازند	ب) شرکت ها مزایایی از جامعه دریافت می کنند	ج) مالیات بر شرکت ها مانع گسترش حجم و اندازه بنگاه هاست	د) مدیریت شرکت های بزرگ و مالکیت آنها مجزا از یکدیگرند
۷۹- در تحلیل های جزئی تحلیل اثرات مالیات چه بازاری مورد مطالعه قرار می گیرد ؟	الف) بازاری که در آن مالیات وجود ندارد	ب) فقط بازاری که مالیات در آن برقرار شده است	ج) فقط بازاری که مالیات های آن پرداخت شده است	د) بازاری که در آن مالیات برقرار نشده است
۸۰- تحلیل جزئی تحلیل اثرات مالیات چه چیزی را نشان می دهد ؟				



الف) اثرات مالیات را کاملاً نشان می دهد
ب) جنبه های مختلف اثر مالیات را نشان می دهد
ج) چیزی را نشان نمی دهد
د) نمی تواند جنبه های مختلف اثرات مالیات را نشان بدهد

۸۱- بعد از برقراری مالیات، قیمت برای عرضه کننده و مصرف کننده:

الف) یکسان است
ب) متفاوت است
ج) برای هیچ کدام فرقی نمی کند
د) برای هر دو کاهش دارد

۸۲- دریافتی عرضه کننده پس از برقراری مالیات بر واحد فروش چگونه خواهد بود؟

الف) به همان نسبت که تولید را افزایش دهد، دریافتی خواهد داشت
ب) کمتر از قیمت پرداختی مصرف کننده دریافتی دارد
ج) بیشتر از قیمت پرداختی مصرف کننده دریافت می کند
د) کمتر از قیمت پرداختی عرضه کننده دریافتی دارد

۸۳- تعادل جدید پس از برقراری مالیات جایی است که:

الف) عرضه کننده قیمتی بیشتر از هزینه نهایی دریافت می کند
ب) مصرف کننده قیمتی برابر فایده نهایی پرداخت نماید
ج) عرضه کننده قیمتی برابر فایده نهایی پرداخت نماید
د) مصرف کننده قیمتی کمتر از فایده نهایی پرداخت نماید

۸۴- پس از برقراری مالیات، قیمت برای مصرف کننده:

الف) کاهش پیدا می کند
ب) تغییری نمی کند
ج) افزایش خواهد یافت
د) در شرایط قبل از برقراری مالیات ثابت می ماند

۸۵- سوبسید با چه هدفی برقرار است؟

الف) انتقال درآمد به مصرف کنندگان
ب) اخذ درآمد از عرضه کنندگان
ج) انتقال درآمد به عرضه کنندگان
د) انتقال درآمد به مصرف کنندگان و یا عرضه کنندگان

۸۶- پرداخت کمک های مالی به کارمندان دولت:

الف) سوبسید منفی است
ب) سوبسید غیرمستقیم است
ج) سوبسید مستقیم است
د) جزو سوبسید ها نیست

۸۷- طرح شهید ر جایی جزو کدام از انواع سوبسید هاست؟

الف) سوبسید مستقیم
ب) سوبسید غیرمستقیم
ج) سوبسید خنثی
د) هیچکدام

۸۸- در مواقعی که تورم شدید در سیستم اقتصادی وجود دارد، کدام سوبسید مناسب تر است؟

الف) سوبسید نقدی
ب) سوبسید جنسی
ج) الف و ب
د) هیچکدام

۸۹- اگر کشش منحنی تقاضا کمتر باشد در آن صورت:

الف) سهم سوبسید متقاضی بیشتر است
ب) سهم سوبسید متقاضی کمتر است
ج) سهم سوبسید متقاضی تفاوتی نمی کند
د) متقاضی از سوبسید سهمی ندارد

۹۰- پی آمد برقراری مالیات و سوبسید در بازار رقابتی چیست؟

الف) تخصیص غیر مؤثر منابع است
ب) تخصیص مؤثر منابع است
ج) اثری در تخصیص منابع ندارد
د) هیچکدام از موارد بالا نیست

۹۱- نوع استفاده انحصارگر از منابع در تولیدات چگونه است؟

الف) استفاده بهینه
ب) استفاده ای نمی کند
ج) استفاده بهینه به عمل نمی آورد
د) استفاده می کند

۹۲- در بازار انحصار سطح تولید در چه مرحله ای است؟

الف) برابر با سطح تولید کارآمد است
ب) بیشتر از سطح تولید کارآمد است
ج) کمتر از سطح تولید کارآمد است
د) بیشتر از سطح بازار است

۹۳- مالیات در بازار انحصار کامل باعث چه چیزی می شود؟

الف) کاهش قیمت برای انحصارگر
ب) افزایش قیمت برای انحصارگر
ج) افزایش سود خالص انحصارگر
د) در پرداخت مالیات شریک نخواهد بود

۹۴- درآمد مالیاتی دولت از مالیات بر فروش به چه صورتی است؟



ب) به صورت مقطعی است

الف) به صورت یک جریان دائمی برقرار است

د) دو سال یکبار است ؟

ج) سالی یکبار است ؟

۹۵- مهمترین مزایایی که شرکت ها از جامعه دریافت می کنند کدام است ؟

ب) محدود بودن سرمایه

الف) محدود بودن مسئولیت سهامداران

د) نامحدود بودن سرمایه

ج) نامحدود بودن مسئولیت سهامداران

۹۶- ویژگی تحلیلی جزئی در مورد اثرات مالیات ها آن است که :

الف) تنها بازاری که مالیات در آن برقرار شده را مورد بررسی قرار دهد

ب) تنها بازار رقابتی که مالیات در آن برقرار شده را مورد بررسی قرار می دهد

ج) تنها بازارهای انحصاری را که مالیات در آن برقرار شده را مورد بررسی قرار می دهد

د) همه بازارها را مورد بررسی قرار می دهد در نتیجه جنبه های مختلفی اثرات مالیات را نشان می دهد

۹۷- با برقراری مالیات بر فروش ، در حالتی که کشش منحنی عرضه بسیار زیاد است .

الف) سهم مالیاتی عرضه کنندگان بسیار کم است

الف) سهم مالیات عرضه کنندگان بسیار زیاد است

د) الف و ب

ج) سهم مالیات مصرف کنندگان بسیار کم است

۹۸- پرداخت بن خرید برای یک کالای خاص به کارمند :

الف) سوبسید نقدی است

ب) سوبسید مستقیم است

ج) سوبسید غیرمستقیم است

د) از نوع سوبسید بر قیمت است

۹۹- هر چه کشش منحنی تقاضا بیشتر باشد :

الف) سهم سوبسید متقاضی بیشتر است

ب) سهم سوبسید عرضه کننده بیشتر است

ج) سوبسید تنها به مصرف کننده می رسد و عرضه کننده سهمی ندارد

۱۰۰- در صورتی که کالا یا خدمت مورد نظر دولت دارای اثرات خارجی اقتصادی باشد چه نوع سوبسیدی مناسب تر است

الف) نقدی

د) هر دو نوع

ج) هیچ نوع

۱۰۱- در چه صورتی وقوع سهم مالیات بر واحد کالا برای مصرف کننده بیشتر است ؟

الف) هر قدر کشش منحنی عرضه کمتر باشد

ب) هر قدر کشش منحنی تقاضا بیشتر باشد

ج) هر قدر کشش منحنی تقاضا کمتر باشد

د) هر قدر کشش منحنی های عرضه کمتر و منحنی تقاضا بیشتر باشد

۱۰۲- با برقراری سوبسید بر واحد کالا در بازار ، تولید و قیمت پرداختی توسط مصرف کننده چه تغییری می کند ؟

الف) تولید افزایش و قیمت کاهش

ب) تولید و قیمت افزایش

ج) تولید کاهش و قیمت افزایش

د) تولید و قیمت کاهش

۱۰۳- مالیات بر واحد یا قیمت در بازار کار چه تأثیری دارد ؟

الف) دستمزدها را افزایش می دهد

ب) عرضه نیروی کار کاهش می یابد

ج) به کشش منحنی های عرضه و تقاضا بستگی دارد

د) دستمزدها و عرضه نیروی کار تغییری نمی کند

۱۰۴- به غیر از دو حالت خاص (منحنی های عرضه یا تقاضا کاملاً بدون کشش) مالیات یا سوبسید بر واحد در بازار رقابتی چه اثری دارد ؟

الف) سوبسید کاهش خالص رفاه را به دنبال دارد

ب) سوبسید باعث افزایش رفاه می شود

ج) مالیات باعث تخصیص کارایی منابع می شود

د) مالیات باعث افزایش درآمد متوسط تولید کننده می شود

۱۰۵- کدام گزینه در مورد برقراری مالیات و یا سوبسید در بازار انحصاری کامل صحیح است ؟

الف) مالیات بر قیمت اثر عدم کارایی کمتری نسبت به مالیات بر واحد می تواند داشته باشد

ب) مالیات بر قیمت اثر عدم کارایی بیشتری نسبت به کاهش مالیات بر واحد می تواند داشته باشد

ج) سوبسید بر قیمت و واحد منتهی به کاهش تولید می شود

د) سوبسید باعث کاهش قیمت خالص برای انحصارگر می شود

۱۰۶- مالیات بر دستمزد و حقوق چه اثری دارد ؟

الف) کاهش عرضه کار

ب) افزایش عرضه کار

ج) اثر قطعی آن از قبل معلوم نیست

د) افزایش استراحت نیروی کار

۱۰۷- برای آنکه بار مالیاتی متوجه عرضه کنندگان کالا و منافع سوبسید نصیب مصرف کنندگان شود کدام بازار مناسب است ؟

الف) مالیات بر بازار با عرضه بی کشش و سوبسید در بازاری که تقاضای آن با کشش است



ب (مالیات بر بازار با عرضه با کسش و سوبسید در بازاری که تقاضای آن بی کسش است
ج (مالیات بر بازار با عرضه بی کسش و سوبسید در بازاری که تقاضای آن بی کسش است
د (مالیات بر بازار با عرضه با کسش و سوبسید در بازاری که تقاضای آن با کسش است

۱۰۸- اثر مالیات بر قیمت فروش چیست؟

الف (انتقال منحنی تقاضا بطور موازی به پای

ب (منحنی دریافتی فروشندگان به صورت موازی به بالا منتقل می شود

ج (منحنی دریافتی فروشندگان با دوران منحنی تقاضا به پایین به دست می آید

د (منحنی تقاضا به طور موازی به بالا منتقل می شود

۱۰۹- کدام یک صحیح است؟

الف (مالیات موجب کارایی می شود

ب (سوبسید در بازار رقابت کامل موجب کارایی می شود

ج (عدم کارایی بازار انحصاری از طریق مالیات برطرف می شود

د (عدم کارایی بازار انحصاری از طریق سوبسید برطرف می شود

۱۱۰- اعمال مالیات بر مصرف نوشابه در واقع چه نوع مالیاتی است؟

الف (تصاعدی

ب (تناسبی

ج (تنازلی

د (تنازلی - تناسبی

۱۱۱- اعمال مالیات بر دستمزد و حقوق چه تأثیری بر عرضه کار دارد؟

الف (مشخص نیست

ب (عرضه کار افزایش می یابد

ج (عرضه کار کاهش می یابد

د (هیچ تأثیری ندارد

۱۱۲- کدام جمله در مورد عدم کارایی بازار انحصار کامل ناشی از وضع مالیات صحیح است؟

الف (عدم کارایی مالیات بر واحد بیش از مالیات بر قیمت فروش است

ب (اصولاً در بازار انحصار کامل هیچ گونه عدم کارایی وجود ندارد

ج (عدم کارایی مالیات بر واحد کمتر از مالیات بر قیمت فروش است

د (عدم کارایی بازار انحصار کامل هیچ گونه ارتباطی با وضع مالیات ندارد

۱۱۳- در چه شرایطی کمک های جنسی رفاه بیشتری برای مصرف کنندگان فراهم می سازد؟

الف (در شرایطی که رکود اقتصادی حاکم است

ب (در شرایطی که تورم شدید وجود داشته باشد

ج (در شرایطی که کالای مورد نظر، کالای معمولی باشد

د (در شرایطی که کالای مورد نظر دارای پیامد خارجی نباشد

۱۱۴- در چه صورتی سوبسید در بازار محصولات کشاورزی بیشتر متوجه کشاورزان می شود؟

الف (کسش عرضه کمتر از کسش تقاضا باشد

ب (کسش عرضه بیشتر از کسش تقاضا باشد

ج (کسش عرضه برابر با کسش تقاضا باشد

د (کسش عرضه بی نهایت و کسش تقاضا صفر باشد

۱۱۵- چرا در بازار انحصار کامل، عدم کارایی وجود دارد؟ چون یک انحصارگر برای کسب حداکثر سود در جایی تولید می کند که:

الف (هزینه نهایی برابر درآمد نهایی باشد

ب (هزینه نهایی برابر قیمت باشد

ج (هزینه نهایی برابر درآمد متوسط باشد

د (درآمد نهایی با درآمد متوسط برابر باشد

۱۱۶- کدام مورد عدم کارایی کمتری به دنبال دارد؟

الف (برقراری مالیات بر قیمت در بازار انحصاری

ب (برقراری مالیات بر واحد در بازار انحصاری

ج (برقراری مالیات بر واحد در بازار رقابتی

د (عدم برقراری مالیات در بازار انحصاری

۱۱۷- کدامیک از متغیرهای زیر مستقیماً در کنترل دولت هستند؟

الف (نرخ مالیات

ب (درآمد مالیاتی

ج (کسری یا مازاد بودجه دولت

د (مقدار بدهی دولت

۱۱۸- کدام گزینه در مورد ابزار مالی دولت درست است؟

الف (تعیین نرخ های مالیاتی بدون تصویب مجلس ممکن است

ب (درآمدهای مالیاتی کاملاً در اختیار دولت است

ج (هرگونه تغییر در پایه مالیاتی باید به نظر پارلمان برسد

د (تأثیر دولت در اقتصاد بدون محدودیت و بدون چون و چرا است



۱۱۹- متغیرهای عمده ای که در کنترل مستقیم دولت قرار دارند عبارتند از:

- الف) نرخ مالیات ها ، سود و بهره پرداختی ، مقدار بدهی
ب) نرخ مالیات ها ، استخدام عامل کار ، کسری یا مازاد بودجه
ج) خرید کالاها و خدمات ، پرداخت انتقالی ، درآمد مالیاتی
د) نرخ مالیات ها ، خرید کالاها و خدمات ، استخدام عامل کار ، پرداخت های انتقالی

۱۲۰- در چه صورتی افزایش در هزینه های دولت می تواند موجب افزایش در درآمد ملی شود؟ در صورت.....

- الف) استفاده کامل از نهاده ها
ب) وجود منابع بیکار در اقتصاد
ج) وجود تورم
د) وجود موانع عمده برای افزایش تولید

۱۲۱- اگر در یک اقتصاد منابع بیکار وجود نداشته باشد ، افزایش هزینه دولت چه نتیجه ای خواهد داشت؟

- الف) افزایش تولید
ب) افزایش قیمت ها
ج) کاهش بیکاری
د) کاهش قیمت ها

۱۲۲- چه سازمانی بر ابزار سیاست های مالی دولت نظارت دارد؟

- الف) قوه قضاییه
ب) قوه مقننه
ج) قوه مجریه
د) سازمان برنامه و بودجه

۱۲۳- یکی از متغیرهایی که مستقیماً در کنترل دولت هستند عبارت است از:

- الف) درآمد مالیاتی
ب) کسری یا مازاد بودجه
ج) استخدام عامل کار
د) سود و بهره پرداختی

۱۲۴- یکی از عواملی که نتیجه فعالیت ها و تصمیمات دولتی هستند عبارت است از:

- الف) نرخ مالیات ها
ب) خرید کالاها و خدمات
ج) پرداخت های انتقالی
د) مقدار بدهی

۱۲۵- عمده ترین عامل تحت کنترل دولت کدام است؟

- الف) انجام انتقالات
ب) نرخ مالیاتی
ج) بیمه بیکاری
د) درآمد مالیاتی

۱۲۶- مجموع ستاده ها عبارتند از:

- الف) مجموع ستاده حقیقی کالاها و خدمات نهایی
ب) تفاضل ستاده حقیقی کالاها و خدمات نهایی
ج) جمع ستاده ی کالاها و خدمات
د) ستاده حقیقی کالاها و خدمات نهایی

۱۲۷- اثر کاهش مالیات ها چیست؟

- الف) مصرف را زیاد می کند
ب) تولید را کم می کند
ج) درآمد را کم می کند
د) مصرف را کم می کند



بخش اول: دانش مالیات

مالیات چیست؟

مالیات به عنوان یک هزینه اجتماعی است که شهروندان یک جامعه در تبادل استفاده از امکانات و خدمات عمومی باید پرداخت نماید.



نظام مالیات کشور ایران:

۱- مالیات مستقیم

الف) مالیات بردارایی: مالیات بر ارث: (ماده ۱۷ تا ماده ۴۳) - حق تمیر: (ماده ۴۴ تا ماده ۴۹)

ب) مالیات بر درآمد: مالیات بر درآمد املاک (ماده ۵۲ تا ماده ۸۰) - مالیات بر درآمد کشاورزی (ماده ۸۱)

مالیات بر درآمد حقوق (ماده ۸۲ تا ماده ۹۲) - مالیات بر درآمد مشاغل (ماده ۹۳ تا ماده ۱۰۴)

مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی (ماده ۱۰۵ تا ماده ۱۱۸) - مالیات بر درآمد اتفاقی (ماده ۱۱۹ تا ماده ۱۲۸)

۲- مالیاتهای غیر مستقیم: که بر قیمت کالاها و خدمات اضافه شده و به مصرف کنندگان تحمیل میگردد بر دو نوع میباشد.

الف) مالیات بر واردات: حقوق گمرکی - سود بازرگانی - حق ثبت ۵٪ - ۳۰٪ خودروهایی وارداتی

ب) مالیات بر مصرف و فروش: مالیات بر فرآورده های نفتی - مالیات تولید الکل طبی و صنعتی

مالیات نوشابه های غیر الکلی - مالیات بر فروش سیگار - مالیات اتومبیل - مالیات نقل و انتقال اتومبیل

مالیات حق اشتراک تلفن های خودکار و خدمات مخابراتی - مالیات نوار ضبط صوت و تصویر

مالیات فروش خاویار

مالیات بر مصرف که از ۱/۱/۷۶ طبق تبصره قانون بودجه سال ۷۶ وضع گردیده بود

مالیات تجمیع عوارض که از ۱/۱/۸۲ جایگزین مالیاتهای موضوع این بند گردیده.

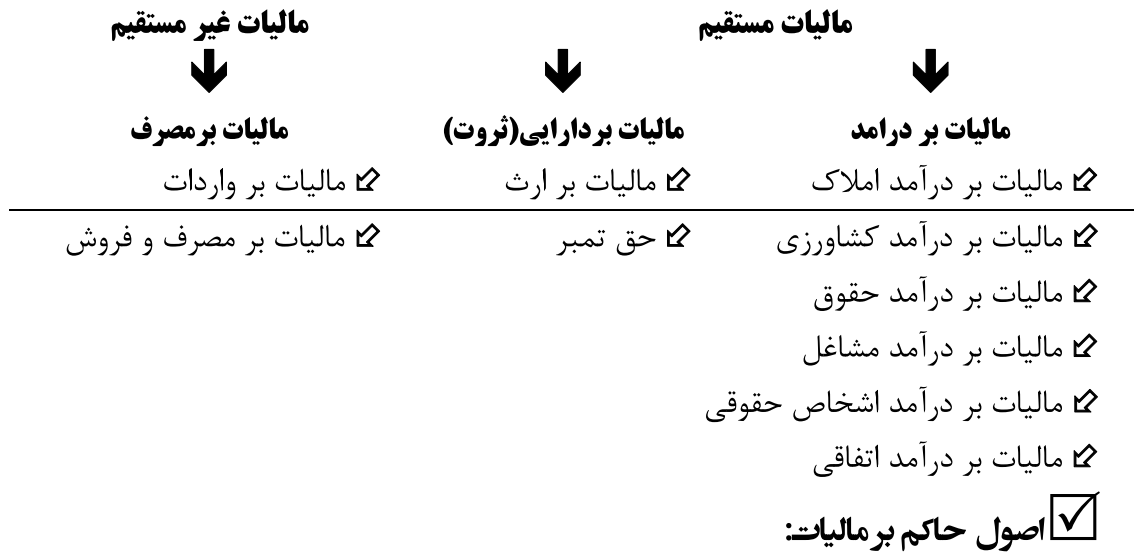


مشمولین مالیات

مالکین اموال		ایرانی		غیر ایرانی		ایرانی مقیم خارج	
		حقوقی	حقیقی	حقوقی	حقیقی	حقوقی	حقیقی
اموال و درآمد در ایران		مشمول	مشمول	مشمول	مشمول	-	-
اموال و درآمد در خارج		مشمول	مشمول	-	-	-	-



نظام مالیات کشور ایران



۱. **قانونی بودن مالیات:** هیچ مالیاتی نباید اخذ شود مگر به موجب قانونی. مجرای قانون در کشور ما مجلس شورای اسلامی میباشد.

۲. **محرمانه بودن اطلاعات:** جز در صورت حکم دادگاه.

۳. **اصل عدم تبعیض بین مودیان:** در پرداخت مالیات موقعیت اجتماعی مثل: دین، نژاد، پوست، اقلیت های مذهبی، هیچ تبعیضی نباید داشته باشند.

۴. **اصل عدالت مالیاتی:**

انواع تساوی:

☞ عددی: مبنای عدد درآمد

☞ شخصی: مبنای مشکلات شخصی نظیر بیماری- فرزند معلول - تعداد اولاد - سختی کار- خط فقر و

در پرداخت مالیات باید عدالت عمومی و افقی رعایت شود.

☞ عدالت عمومی: از افرادی که درآمد بیشتر دارند به همان نسبت مالیات دریافت گردد.

☞ عدالت افقی: افراد با شرایط یکسان مالیات یکسان دریافت شود.

۵. **اصل سهولت:** باید حداکثر تمهیدات برای مودیان در امر پرداخت مالیات صورت گیرد.

۶. **اصل اطمینان (قاطعیت):** مودیان باید از نحوه ی دریافت، نحوه انتقال، مصرف مالیات اطلاع داشته باشند.

۷. **اصل صرفه جویی:** وصول مالیت برای دولت باید به صرفه باشد.

۸. **اصل درآمد:** پرداخت مالیات برای دولت باید حداکثر درآمد را داشته باشد. حداکثر درآمد یعنی:

← پر بهره بودن ← باثبات بودن ← انعطاف نا پذیر بودن .

۹. **اصل بی طرفی مالیات:** یعنی پرداخت مالیات به گونه ای باشد که مردم به برخی از فعالیت های اقتصادی تشویق و از برخی دیگر گریزان شوند.



۳. مبلغ

۲. نرخ

۱. ماخذ

عوامل تشخیص مالیات:



ماخذ: عبارت است از پایه های مالیات که مالیات از آن ها گرفته میشود. از چه چیزی می خواهیم مالیات بگیریم؟

نرخ مالیات: عبارت است از درصد عددی (ضریب) که از ماخذ تشخیص داده میشوند. چه سهمی از ماخذ می خواهیم مالیات بگیریم؟

مبلغ: چقدر مالیات میگیریم؟

مبلغ = نرخ مالیات * ماخذ



چگونه اختلافاتمان را با سازمان امور مالیات مرتفع نماییم



در صورتی که مودیان مالیاتی به نحوه رسیدگی به پرونده مالیاتی خود اعتراض داشته باشند می توانند راههای مختلفی را برای رفع حل اختلاف خویش با اداره امور مالیاتی برگزینند که در ذیل به شرح آنها خواهیم پرداخت.

۱- مراجعه به اداره امور مالیاتی : در مواردی که برگ تشخیص مالیات صادر و به مودی ابلاغ می شود در صورتی که مودی نسبت به آن معترض باشد می تواند ظرف سی روز از تاریخ ابلاغ شخصاً یا بوسیله وکیل تام الاختیار خود به اداره امور مالیاتی مراجعه و با ارائه دلائل و اسناد و مدارک کتباً تقاضای رسیدگی مجدد نماید. رئیس امور مالیاتی (ممیز کل) موظف است پس از ثبت درخواست مودی در دفتر مربوطه و ظرف مهلتی که بیش از سی روز از تاریخ مراجعه نباشد به موضوع رسیدگی نماید. در جریان رسیدگی پرونده توسط رئیس اداره امور مالیاتی سه وضعیت ممکن است پیش آید. الف) اگر دلائل و اسناد و مدارک ابرازی مودی برای رد مندرجات برگ تشخیص کافی باشد رئیس امور مالیاتی ضمن رد مندرجات مراتب را در ظهر برگ تشخیص درج و امضاء می نماید. ب) در صورتیکه رئیس امور مالیاتی بر اساس اسناد و مدارک ارائه شده تشخیص دهد درآمد مودی قابل تعدیل می باشد و این امر مورد قبول مودی نیز قرار گیرد، در این حالت می بایست مراتب منبع مورد توافق در ظهر برگ تشخیص درج و به امضای مسوول مربوطه و مودی مالیاتی یا وکیل تام الاختیار وی برسد. ج) اگر رئیس اداره امور مالیاتی اسناد و مدارک ارائه شده توسط مودی را برای رد برگ تشخیص یا تعدیل درآمد موثر تشخیص ندهد باید دلایل عدم قبول مدارک در ظهر برگ تشخیص منعکس و پرونده مودی را به هیات حل اختلاف مالیاتی ارجاع دهد.

۲- رسیدگی مجدد پرونده مالیاتی در مرجع هیات حل اختلاف بدوی : اگر ابلاغ برگ تشخیص براساس مقررات تبصره ماده (۲۰۳) و ماده ۲۰۸ قانون مالیات های مستقیم (ابلاغ قانونی) شده باشد و مودی مالیاتی هیچ اقدامی بعمل نیاورد، در حکم اعتراض به برگ تشخیص شناخته می شود. و نیز اگر مودی ظرف مهلت سی روز از تاریخ ابلاغ کتباً به برگ تشخیص اعتراض نماید پرونده جهت رسیدگی به هیات حل اختلاف مالیاتی بدوی که متشکل از سه نفر است ، یک نفر نماینده سازمان امور مالیاتی کشور، یک نفر یک نفر قاضی اعم از شاغل یا بازنشسته و یک نفر نماینده اتاق بازرگانی و یا مجامع حرفه ای یا تشکل های صنفی و ... می باشد، ارجاع داده می شود. بدین ترتیب هنگامی که زمان تشکیل جلسه هیات تعیین گردید برگه دعوت به هیات حل اختلاف مالیاتی به مودی ابلاغ می شود. البته فاصله تاریخ ابلاغ و روز تشکیل جلسه رسیدگی هیات نباید کمتر از ده روز باشد مگر به درخواست مودی و موافقت واحد مربوطه. شایان ذکر است که جلسات هیات حل اختلاف مالیاتی با حضور سه نفر رسمی خواهد بود و رای هیات با اکثریت آرا ، قطعی و لازم الاجراست ولی نظر اقلیت نیز باید در متن قید شود.

۳- رسیدگی مجدد پرونده مالیاتی در مرجع هیات حل اختلاف مالیاتی تجدید نظر: پس از آنکه هیات حل اختلاف مالیاتی بدوی تشکیل و رای مقتضی صادر و به مودی ابلاغ گردید، در صورتی که مودی نسبت به رای هیات حل اختلاف بدوی اعتراض داشته باشد می تواند ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ رای به هیات حل اختلاف مالیاتی تجدید نظر مراجعه و تقاضای رسیدگی مجدد نماید. بدین ترتیب مودی مالیاتی برای شرکت در هیات حل اختلاف تجدید نظر مکلف است مقدار مالیات مورد قبول خود را پرداخت کرده و نسبت به مازاد بر آن اعتراض خود را در مدت مقرر تسلیم نماید. لازم به ذکر است نمایندگان عضو هیات های حل اختلاف مالیاتی تجدید نظر نباید نسبت به موضوع مطروحه اظهار نظر داشته یا رای داده باشند.



۴- طرح پرونده در شورای عالی مالیاتی: چنانچه مودیان مالیاتی نسبت به رای قطعی صادره از سوی هیات حل اختلاف مالیاتی معترض باشند می توانند ظرف یکماه از تاریخ ابلاغ به شورای عالی مالیاتی مراجعه نموده و پس از تکمیل و تنظیم فرم واخواهی مدارک خود را شامل تصویر رای هیات و سایر اسناد و مدارک مثبت به شورا تحویل و تقاضای رسیدگی مجدد نمایند. ضمناً بایستی مودیان به میزان مالیات مورد رای، وجوه نقد یا تضمین بانکی سپرده و یا وثیقه ملکی یا ضامن معتبر که اعتبار ضامن مورد قبول اداره امور مالیاتی باشد معرفی کند تا رای قطعی هیات حل اختلاف مالیاتی تا صدور رای شورای عالی مالیاتی موقوف الاجرا گردد. شعبه مزبور نیز موظف است بدون ورود به ماهیت امر صرفاً از لحاظ رعایت تشریفات و کامل بودن رسیدگی های قانونی و مطابقت مورد با قوانین و مقررات موضوعه، به موضوع رسیدگی نماید.

۵- مراجعه به هیات موضوع ماده ۲۵۱ مکرر: ممکن است اعتراض مودی در مورد مالیاتهای قطعی موضوع این قانون و نیز مالیاتهای غیر مستقیم که در مرجع دیگری قابل طرح نباشد، به هیاتی مرکب از سه نفر به انتخاب وزیر امور اقتصادی و دارایی احاله گردد. بدین ترتیب مودی می تواند به ادعای غیر عادلانه بودن مالیات و به استناد مدارک و دلائل کافی از هیات مذکور تقاضای رسیدگی مجدد را نماید، رای هیات به اکثریت آرا قطعی و لازم الاجرا می باشد. ۶- هیات حل اختلاف موضوع ماده ۲۱۶ قانون مالیاتهای مستقیم مرجع رسیدگی به شکایات ناشی از اقدامات اجرائی راجع به مطالبات دولت از اشخاص، اعم از حقیقی یا حقوقی که طبق مقررات اجرائی مالیاتها قابل مطالبه و وصول می باشد، هیات حل اختلاف مالیاتی خواهد بود که به اعتراضات مزبور به فوریت و خارج از نوبت رسیدگی و اقدام به صدور رای مجدد نماید. رای صادره قطعی و لازم الاجرا است.



ارث : آنچه باید وراث بدانند

مالیات بر ارث، مالیاتی است که به ماترک متوفی تعلق می گیرد. وراث برای تقسیم ماترک و انتقال اموال متوفی، نیاز به دریافت گواهی واریز مالیات بر ارث دارند و این گواهی پس از تشکیل پرونده مالیاتی، ارایه اظهارنامه و پرداخت مالیات، توسط اداره امور مالیاتی محل سکونت متوفی صادر

می شود.



اشخاص مشمول مالیات :

وراث از نظر قانون مالیات های مستقیم به سه طبقه تقسیم می شوند:

- ✓ وراث طبقه اول که عبارتند از: پدر، مادر، زن، شوهر، اولاد و اولاد اولاد.
- ✓ وراث طبقه دوم که عبارتند از: اجداد، برادر، خواهر و اولاد آنها.
- ✓ وراث طبقه سوم که عبارتند از: عمو، عمه، دایی، خاله و اولاد آنها.



اموال مشمول مالیات :

اموال مشمول مالیات بر ارث عبارتند از کلیه ماترک واقع در ایران یا خارج از ایران اعم از منقول و غیر منقول و مطالبات قابل وصول و حقوق مالی پس از کسر هزینه کفن و دفن در حدود عرف و عادت و واجبات مالی و عبادی در حدود قواعد شرعی و دیون محقق متوفی، که به شرح زیر مشمول مالیات است:

✓ اگر متوفی یا وارث یا هر دو، ایرانی مقیم ایران باشند کل اموال مشمول مالیات بر ارث متوفی واقع در ایران و یا خارج از ایران (پس از کسر مالیات بر ارثی که بابت اموال واقع در خارج از ایران به دولت محلی پرداخت شده است) نسبت به سهم الارث هر یک از ورثه طبق نرخ های مقرر در ماده ۲۰ قانون مالیات های مستقیم، مشمول مالیات بر ارث می باشد.



✓ اگر متوفی و وراثت هر دو، ایرانی مقیم خارج از ایران باشند، سهم الارث هر یک از وراثت از اموال و حقوق مالی متوفی که در ایران موجود است به نرخ مذکور در ماده ۲۰ قانون مالیات های مستقیم و نسبت به آن قسمت که در خارج از ایران وجود دارد پس از کسر مالیات بر ارثی که از آن بابت به دولت محل وقوع مال پرداخت شده است به نرخ بیست و پنج درصد مشمول مالیات بر ارث می باشد.

✓ در مورد اتباع خارجی و سایر موارد نسبت به آن قسمت از اموال و حقوق مالی متوفی که در ایران موجود است کلا مشمول مالیات به نرخ مذکور در ماده ۲۰ قانون مالیات های مستقیم برای وراثت طبقه دوم می گردد.



ارزیابی املاک:

✓ به موجب تبصره یک ماده ۳۲ قانون مالیات های مستقیم ، اثاث البیت محل سکونت از نظر مالیاتی جزء ماترک متوفی محسوب نخواهد شد. - با استناد به تبصره ۲ ماده ۳۲، در مورد ساختمان هایی که با توجه به نوع مصالح یا طرز معماری خاص دارای ارزش فوق العاده هستند ارزش معاملاتی اعیانی ملاک نبوده و اداره امور مالیاتی مکلف است در این مورد و همچنین در ارزیابی جواهر و اشیای نفیس از نظر کارشناس یا کارشناسان و متخصص یا متخصصین ذیربط استفاده کند.



سایر نکات:

✓ تبصره ۳ ماده ۳۲ قانون مالیات های مستقیم : در مواردی که منفعت مال، مورد وصیت یا نذر واقع می شود و همچنین در حبس چنانچه پس از انقضای مدت، اصل مال عاید وراثت شود، ارزش مال مورد وصیت و نذر و حبس، به تاریخ حین القوت مورث با رعایت مسلوب المنفعه بودن آن تقویم و به سهم الارث وراثی که مال عاید آنها می شود اضافه و مشمول مالیات بر ارث خواهد بود.

✓ نرخ مالیات بر ارث به موجب ماده ۲۰ قانون مالیات های مستقیم تعیین و محاسبه میشود

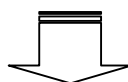
✓ بر اساس ماده ۳۸ قانون مالیات های مستقیم : اموالی که به موجب وقف یا حبس یا نذر یا وصیت منتقل می شود (به غیر از مواردی که در بند ۳ ماده ۲۴ قانون مالیات های مستقیم برخوردار می باشند و یا مشمول مالیات بر درآمد اتفاقی می گردند) به شرح زیر مشمول مالیات است: الف) در مورد وقف یا حبس، منافع مال هر سال مشمول مالیات به نرخ مقرر در ماده ۱۳۱ قانون مالیات های مستقیم خواهد بود. ب) در نذر و وصیت چنانچه منافع مورد نذر و وصیت باشد، به شرح بند الف فوق و در صورتی که عین مال مورد نذر و وصیت باشد، ارزش مال طبق مقررات (فصل مالیات بر ارث) تعیین و یک جا به نرخ مقرر برای وراثت طبقه دوم مشمول مالیات خواهد بود.

✓ اموالی که مشمول مالیات بر ارث نمی گردد : بموجب بند (۱) ماده ۲۴ قانون مالیات های مستقیم

← وجوه بازنشستگی و وظیفه و پس انداز خدمت و مزایای پایان خدمت

← مطالبات مربوط به خسارت اخراج، بازخرید خدمت و مرخصی استحقاقی استفاده نشده بیمه های

اجتماعی و نیز وجوه پرداختی توسط موسسات بیمه یا بیمه گزار و یا کارفرما از قبیل بیمه عمر ، خسارت



فوت و همچنین دیه و مانند آنها حسب مورد که یک جا و یا به طور مستمر به ورثه متوفی پرداخت می گردد.

بموجب بند ۳ ماده ۲۴ قانون مالیات های مستقیم، اموالی که برای سازمان ها و موسسه های مذکور در ماده (۲) این قانون مورد وقف یا نذر یا حبس واقع گردد به شرط تایید سازمان ها و موسسه های مذکور.

بموجب بند ۴ ماده ۲۴ قانون مالیات های مستقیم، هشتاد درصد اوراق مشارکت و سپرده های متوفی نزد بانک های ایرانی و شعب آنها در خارج از کشور و موسسه های اعتباری غیر بانکی مجاز پنجاه درصد ارزش سهام متوفی در شرکت هایی که سهام آنها طبق قانون مربوط در بورس پذیرفته شده باشد.

چهل درصد ارزش سهام یا سهم الشرکه متوفی در سایر شرکت ها و نیز چهل درصد ارزش خالص دارایی متوفی در واحدهای تولیدی، صنعتی، معدنی و کشاورزی.

بموجب ماده ۲۱ قانون مالیات های مستقیم، اموالی که جزء ماترک متوفی باشد و تا یک سال پس از قطعیت مالیات و غیرقابل رسیدگی بودن پرونده امر در مراجع مالیاتی طبق قوانین یا احکام خاص مالکیت آنها سلب و یا به موجب گواهی سازمان ذیربط بلاعوض در اختیار وزارتخانه ها، موسسه های دولتی، شهرداری ها، نهادهای انقلاب اسلامی یا شرکت هایی که صددرصد سهام آنها متعلق به دولت باشد قرار گیرد، از شمول مالیات بر ارث خارج و در صورتی که بابت سلب مالکیت عوضی داده شود ارزش آن عوض یا اموال سلب مالکیت شده هر کدام کمتر است جزء اموال مشمول مالیات بر ارث محسوب و در هر حال چنانچه مالیاتی اضافه پرداخت شده باشد مسترد خواهد شد. حکم این ماده در مواردی که وراثت تمام یا قسمتی از اموال را که جزء ماترک باشد به طور رایگان به یکی از اشخاص مذکور در ماده (۲) این قانون واگذار کنند جاری است.

به موجب ماده ۲۵ قانون مالیات های مستقیم، وراثت طبقه اول و دوم نسبت به اموال شهدای انقلاب اسلامی مشمول مالیات بر ارث نمی باشند.



وظایف و تکالیف مودیان:

الف) ارایه اظهارنامه

بموجب ماده ۲۶ قانون مالیات های مستقیم، وراثت (منفردا یا مجتمعا) یا ولی یا امین یا قیم یا نماینده قانونی آنها مکلفند ظرف **شش ماه** از تاریخ فوت متوفی اظهارنامه ای روی نمونه مخصوصی که از طرف سازمان امور مالیاتی کشور تهیه می شود حاوی کلیه اقلام ماترک با تعیین بهای زمان فوت و تصریح مطالبات و بدهی های قابل احتساب به همراه مدارک مربوط به اداره امور مالیاتی صلاحیت دار ارایه نمایند.

منظور از اداره امور مالیاتی صلاحیت دار، اداره امور مالیاتی است که آخرین اقامتگاه متوفی در محدوده آن قرار گرفته است.

ب) پرداخت مالیات بر اساس ماده ۲۸ قانون مالیات های مستقیم

مشمولین مالیات بر ارث مکلفند مالیات متعلق را بر اساس اظهارنامه تا سه ماه پس از انقضای مهلت ارایه اظهارنامه به رسم علی الحساب پرداخت و رسید دریافت دارند.



وظایف اشخاص ثالث:

بموجب ماده ۳۴ قانون مالیات های مستقیم ✓



بانک ها و شرکت ها و موسسات و اشخاصی که اموالی از متوفی نزد خود دارند مکلفند ظرف یک ماه از تاریخ اطلاع از فوت، صورت آن اموال اعم از وجوه نقد یا سفته یا جواهر و نیز مقدار سهام یا سهم الشرکه متوفی را تنظیم و به اداره امور مالیاتی محل ارایه نمایند، همچنین موظفند در صورت مراجعه اداره امور مالیاتی، دفاتر اسناد مورد نیاز را برای رسیدگی در اختیار آنها بگذارند.

✓ بموجب ماده ۳۵ قانون مالیات های مستقیم

ادارات ثبت اسناد و املاک موقعی که مال غیرمنقول را به اسم وراث یا موصی له ثبت می نمایند، همچنین کلیه دفاتر اسناد رسمی در موقعی که می خواهند تقسیم نامه یا هر نوع معامله وراث راجع به ماترک را ثبت کنند، باید گواهینامه اداره امور مالیاتی صلاحیت دار را مبنی بر عدم شمول مالیات یا این که مالیات متعلق کلا پرداخت یا ترتیب یا تضمین لازم برای پرداخت آن داده شده است، مطالبه نمایند و قبل از ارایه این گواهینامه مجاز به ثبت نیستند.

✓ بموجب ماده ۳۶ قانون مالیات های مستقیم،

بانک ها و شرکت ها و موسسات و اشخاصی که وجوه نقد یا سفته یا جواهر یا سهام یا سهم الشرکه و یا هر نوع مال دیگر از متوفی را نزد خود دارند مجاز نخواهند بود آن را به وراث یا وصی حسب مورد ارایه و یا به نام آنان ثبت نمایند مگر این که گواهینامه موضوع قسمت اخیر ماده ۳۵ این قانون ارایه گردد.

✓ بموجب ماده ۳۷ قانون مالیات های مستقیم

در صورتی که به موجب احکام دادگاه ها بر اساس حقوق مالی متوفی مالی به ورثه برسد، مدیران دفتر دادگاه ها مکلفند رونوشت حکم را به اداره امور مالیاتی مربوط ارسال دارند تا در صورتی که قبلا مالیات آن وصول نشده باشد، اقدام به مطالبه مالیات گردد. این حکم در مواردی که اسناد و مدارک تازه ای مربوط به دارایی متوفی به دست آید نیز جاری خواهد بود. در صورتی که پس از قطعیت مالیات، اسناد و مدارک تازه ای مربوط به بدهی متوفی یا عدم تعلق دارایی به وی ارایه گردد و در محاسبه مالیات موثر باشد پرونده جهت صدور رای مقتضی به هیات حل اختلاف مالیاتی ارسال و طبق رای هیات اقدام خواهد شد.

✓ بموجب تبصره ۳ ماده ۳۸ قانون مالیات های مستقیم

دفاتر اسناد رسمی و ادارات ثبت اسناد و محاکم دادگستری و سازمان حج اوقاف و امور خیریه و اداره سرپرستی صغار و محجورین و همچنین بانک ها و سایر موسسات مجاز نخواهند بود به مفاد وصیتنامه ترتیب اثر دهند مگر اینکه گواهینامه اداره امور مالیاتی مبنی بر این که وصیتنامه مذکور از طرف وصی یا وراث به اداره امور مالیاتی صلاحیت دار ارائه شده است، دریافت گردد.



تسهیلات قانونی

الف) برداشت از حساب بانکی متوفی

با توجه به بخشنامه شماره ۲۰۱۶۴۹/۳۷۸۶ مورخ ۸۲/۲/۲ رییس سازمان امور مالیاتی کشور، وراث طبقه اول متوفی (پدر، مادر، همسر، اولاد و اولاد اولاد) می توانند برای تامین هزینه های ضروری مانند کفن و دفن و یا برگزاری مراسم ترحیم تا مبلغ ده میلیون ریال از موجودی حساب بانکی متوفی بدون اخذ گواهی واریز مالیات بر ارث برداشت نمایند.

ب) استرداد مالیات

در صورتی که به موجب رای هیات حل اختلاف مالیاتی مطالبات متوفی غیر قابل وصول تشخیص داده شود، مطالبات مذکور جزء ماترک متوفی منظور نمی شود و اگر مالیات آن قبلا وصول شده باشد، مسترد خواهد شد.

ج) تقسیط مالیات

بر اساس مواد ۶۰ و ۶۱ قانون مالیات های مستقیم اگر مشمولان مالیات بر ارث قادر به پرداخت مالیات خود نباشند، سازمان امور مالیاتی کشور می تواند با گرفتن تضمین معتبر، مالیات مربوط را تا مدت ۳ سال از تاریخ قطعی شدن قسط بندی کند و در صورتی که ماترک غیر نقدی باشد و دادن تضمین و تقسیط برای وراث مقدور نباشد، سازمان امور مالیاتی کشور می تواند به تقاضای کتبی وراث معادل مالیات متعلق، مالی را اعم از منقول یا غیر منقول از ماترک با توافق وراث انتخاب کرده و به قیمتی که مبنای محاسبه مالیات بر ارث قرار گرفته است به جای مالیات قبول کند.



جرایم مالیاتی

الف) جریمه عدم تسلیم اظهارنامه

در کلیه مواردی که مودی یا نماینده او که به موجب مقررات قانون مالیات های مستقیم از بابت پرداخت مالیات مکلف به ارائه اظهارنامه می باشد، چنانچه از ارائه آن در مواعد مقرر در این قانون خودداری نماید، مشمول جریمه ای معادل ده درصد مالیات متعلق خواهد بود.

ب) جریمه تاخیر پرداخت

پرداخت مالیات پس از موعد مقرر موجب تعلق جریمه ای معادل ۲/۵ درصد مالیات به ازای هر ماه خواهد بود.

ج) جریمه اشخاص ثالث

بموجب ماده ۴۳ قانون مالیات های مستقیم، در صورتی که بانک ها و شرکت ها و موسسات و اشخاصی که مالی از متوفی نزد خود دارند از اجرای مواد ۳۴ و ۳۶ این قانون تخلف نمایند، علاوه بر این که تا معادل ارزش مالی که نزد آنها بوده با وراث نسبت به پرداخت مالیات و جرایم متعلق مسوولیت تضامنی دارند، مشمول جریمه ای معادل ۵ درصد قیمت مال نیز خواهند بود. در مورد بانک ها و شرکت های دولتی و موسسات دولتی، متخلف و شرکا و معاونان وی در تخلف نیز مسوولیت تضامنی خواهند داشت.

✓ وراث در صورت ایرانی بودن و مقیم ایران بودن حق مطالبه ارث به نرخ ماده ۲۰ دارند.

✓ اگر متوفی و وراث هر دو ایرانی و مقیم ایران باشد ملاک مالیات نرخ ماده ۲۰ خواهد بود.

✓ اگر متوفی و وراث هر دو ایرانی مقیم خارج باشند نرخ ثابت ۲۵٪ خواهد بود. (ماده ۱۷)

✓ قرارداد وین: در صورت فوت ماموران سیاسی تبعه یک کشور در کشور دیگر، کشور پذیرنده خروج اموال منقول متوفی را از کشور خود اجازه میدهد، به جزء اموالی که در کشور پذیرنده تحصیل شده است و در موقع فوت ممنوع الصدور است. اموال خارج شده از پرداخت مالیات بر ارث معاف می باشند.

✓ مآخذ ارزیابی املاک عرصه و اعیان به قیمت ارزش معاملاتی میباشد. اثاث البیت متوفی مشمول مالیات بر ارث نمی باشد. جزء اموال عتیقه و گران بهاء و آنچه که در لیست میراث فرهنگی مشخص شده است. (ماده ۳۲)



مواردی از قانون مدنی در مورد ارث:

✓ وراث طبقه اول که عبارتند از: پدر، مادر، زن، شوهر، اولاد و اولاد اولاد.

✓ وراث طبقه دوم: اجداد، برادر، خواهر، اولاد آنها.

✓ وراث طبق سوم: عمو، عمه، خاله، دایی، و اولاد آنها.

✓ ماده ۸۶۱ قانون مدنی: موجب ارث دو امر است: نسب سبب

✓ ماده ۸۶۲ قانون مدنی: وارثین نسبی سه طبقه فوق الذکر هستند.

✓ ماده ۸۶۳ قانون مدنی: وارثین طبقه بعدی (سببی) وقتی ارث می برنند که از طبقه قبل وارثی نباشد.

✓ ماده ۸۶۴: از جمله اشخاصی که به موجب سبب ارث میبرند هر یک از زوجین است که در حین دیگری زنده باشند.

✓ ماده ۹۰۱: سهم الارث همسر یک هشتم ماترک متوفی میباشد.

✓ چنانچه متوفی بیش از یک همسر داشته باشد، یک هشتم بین آنها تقسیم میگردد.

✓ ماده ۹۱۱: سهم الارث پسر دو برابر دختر می باشد.

✓ ماده ۹۱۶: هرگاه برای میت وارث طبقه ی اول نباشد به طبقه دوم میرسد.



- ✓ ماده ۹۴۸: زوج (مرد) از تمام اموال زوجه (زن) ارث میبرد. لیکن زوجه از اموال ذیل ارث میبرد:
- ✓ الف) اموال منقول از هر قبیل که باشد. (ب) ابنیه و اشجار
- ✓ اگر مردی فوت کند و بچه نداشته باشد، یک چهارم مال به زن و مابقی به ورثه دیگر ارث میبرد.
- ✓ اگر زنی فوت کند و بچه نداشته باشد، یک دوم مال را شوهر و مابقی به ورثه دیگر میبرد. ولی اگر بچه داشته باشد، یک چهارم مال را شوهر و مابقی را ورثه دیگر ارث میبرند.
- ✓ محجور یعنی سفیج و کم عقل (عقب افتاده ذهنی)
- ✓ معلول یعنی (مریض، رنجور، دردمند و ناتوان جسمی)
- ✓ ماده ۸۳۷: اگر کسی به موجب وصیت یک یا چند نفر از ورثه خود را محروم از ارث سازد وصیت مذکور نافذ نیست.
- ✓ ماده ۸۴۳: وصیت برای بیش از یک سوم ماترک نافذ نیست مگر به اجازه وراثت و اگر بعضی از وراثت اجازه دهند برای بیش از یک سوم فقط نسبت به سهم او نافذ است.
- ✓ ماده ۸۷۵: شرط وراثت، زنده بودن در حین فوت مورث (متوفی) است و اگر حملی (بچه شکم) باشد در صورتی ارث میبرد که زنده متولد شود.
- ✓ ماده ۹۱۰: هرگاه میت اولاد داشته باشد، گرچه به یک نفر، اولاد اولاد ارث نمیبرد.
- ✓ ماده ۹۴۳: اگر شوهر زن خود را طلاق رجعی مطلقه کند، هر یک از آنان که قبل از انقضاء عده بمیرد دیگری از او ارث میبرد.
- ✓ ماده ۹۴۷: زوجه از قیمت ابنیه و اشجار ارث میبرد و نه از عین آنها.
- ✓ ماده ۹۴۹: در صورت نبود هیچ وراثت دیگر به غیر از زوجه یا زوج، تمام ترکه زن متوفات را زوج به ارث میبرد و لیکن زن فقط نصیب خود را و بقیه ترکه شوهر در حکم مال اشخاص بلاوارث، و راجع به حاکم است.
- ✓ اگر مردی فوت کند و فرزند نداشته باشد، یک چهارم اموال به زن و بقیه آن به ورثه دیگر میبرد. و اگر زنی بمیرد و فرزند نداشته باشد یک دوم مال را شوهر و بقیه را دیگر ورثه به ارث میبرند ولی اگر فرزند داشته باشد یک چهارم مال را شوهر و بقیه را ورثه دیگر به ارث میبرند.
- ✓ سهم الارث پدر و مادر متوفی هر کدام یک ششم است. پس از کسر مهریه و وام و بدهی و ...
- ✓ فرزندان ازدواج های مکرر در حکم وارثین طبقه اول محسوب میشوند.
- ✓ ماخذ ارزیابی املاک متوفی: (مهم)

ارزش معاملاتی در زمان فوت

الف: عرصه و اعیان

ارزش روز در زمان فوت

ب: سایر اموال و حقوق مالی



✓ نکات اساسی در خصوص مالیات بر درآمد املاک

مشمولین مالیات بر درآمد املاک درآمد اشخاص حقیقی یا حقوقی ناشی از واگذاری حقوق خود نسبت به املاک واقع در ایران پس از کسر معافیت های مقرر در این قانون مشمول مالیات بر درآمد املاک می باشد.



انواع مالیات بر درآمد املاک عبارتند از:

(ب) مالیات نقل و انتقال املاک

(الف) مالیات بر درآمد اجاره



مالیات بر درآمد مستغلات (اجاره):

مالیات مستغلات یا اجاره دست اول: مالیاتی است که به درآمد املاک و مستغلاتی که از طرف مالک به اجاره واگذار می شود تعلق می گیرد، در واقع موجر مالک نیز می باشد.
مالیات اجاره داری دست دوم: هر گاه مستاجر محل مورد اجاره را به غیر به اجاره واگذار نماید، مشمول مالیات اجاره داری دست دوم می باشد، در واقع موجر مالک نمی باشد.



درآمد مشمول مالیات مستغلات

(اجاره دست اول) درآمد مشمول مالیات املاکی که به اجاره واگذار می گردد عبارت است از کل مال الاجاره، اعم از نقدی و غیر نقدی، پس از کسر بیست و پنج درصد بابت هزینه ها و استهلاک و تعهدات مالک نسبت به مورد اجاره.
اجاره دست دوم کسر استهلاک ندارد



روش های تعیین مال الاجاره املاک:

۱- مال الاجاره از روی سند رسمی تعیین می شود.

۲- در صورت عدم ارائه اجاره نامه رسمی مال الاجاره بر اساس املاک مشابه تعیین می شود.

✓ از ابتدای سال ۸۲، مال الاجاره املاک اعم از مسکونی و غیر مسکونی بر اساس ماده ۶۴ ق.م.م (دستورالعمل اجرایی و تقویم ارزش جاری املاک) با در نظر گرفتن فاکتورهای: مساحت، قدمت، نوع کاربری - موقعیت جغرافیایی و ... تعیین می گردد.

✓ مال الاجاره دست دوم عبارت است از مابه التفاوت اجاره دریافتی و اجاره پرداختی بابت ملک مورد اجاره.



نحوه پرداخت مالیات بر درآمد اجاره ی املاک:

۱. از طریق اظهار نامه: موجر شخص حقیقی مکلف است تا پایان تیر ماه هر سال مالیات اجاره ی سال قبلی خود را محاسبه کرده و به اداره ی امور مالیاتی محل سکونت ملک پرداخت کند.

۲. اگر مستاجر شخص حقوقی باشد هنگام پرداخت اجاره بها مستاجر مکلف است مالیات متعلق را بر اساس قانون کسر و ظرف ۱۰ روز به اداره ی امور مالیاتی محل ملک پرداخت و رسید آن را تحویل مالک دهد.

۳. در صورتیکه موجر و مستاجر به وظیفه خود عمل نکنند اداره ی امور مالیاتی رأساً توسط تشخیص علی الرأس (مبتنی بر تخمین) مالیات مربوط را برآورد می کنند.



معافیت های پیش بینی شده:

- ✓ **نکته ۱:** ۲۵٪ از اجاره های دریافتی موجر به عنوان استهلاک از درآمد مشمول مالیات اجاره ی سالانه املاک کسر می شود.
- ✓ **نکته ۲:** در صورتیکه ملک مورد اجاره متعلق به بیش از یک نفر باشد پس از کسر استهلاک ۲۵٪ درآمد مشمول مالیات اجاره براساس سهم الشرکه هر مالک درآمد مشمول مالیات مشخص می شود.
- ✓ **نکته ۳:** مالکان مجتمع های مسکونی بیش از ۳ واحد اجاری که با رعایت الگوی مصرف ساخته می شوند در طول مدت اجاره ۱۰۰٪ از مالیات بر درآمد اجاره یا املاک معاف می شوند در غیر این صورت درآمد هر شخص ناشی از اجاره واحد مسکونی در تهران جمعاً تا ۱۵۰ متر مربع و در سایر نقاط تا ۲۰۰ متر مربع از مالیات بر درآمد اجاره ی املاک معاف است.
- ✓ **نکته ۴:** معافیت مالیاتی براساس متراژ صرفاً مختص به املاک مسکونی است و شامل واحد های اداری و تجاری نمی شود.
- ✓ **نکته ۵:** درآمد اجاره ی زمین های کشاورزی مشمول مالیات بر درآمد اجاره می شود.
- ✓ **نکته ۶:** محل سکونت پدر و مادر، همسر، فرزند و اجداد و سایر افراد تحت تکفل اجاری نیست مگر اینکه ثابت شود اجاره دریافت می شود.
- ✓ **نکته ۷:** شخص حقیقی که هیچ گونه درآمد دیگری ندارد تا میزان معافیت مالیاتی درآمد حقوق از درآمد مشمول مالیات سالانه ی اجاره ی او کسر می شود. مشمولان این طرح باید اظهارنامه ی مخصوصی پر کرده و آن را به اداره ی امور مالیاتی محل سکونت ملک تحویل دهند تا این معافیت از طریق اداره ی امور مالیاتی به مالکین تخصیص داده شود.
- ✓ در اجرای حکم این ماده حقوق بازنشستگی و وظیفه دریافتی و جوایز و سود ناشی از سپرده های بانکی درآمد تلقی نخواهد شد.
- ✓ حکم این ماده در مورد فرزندان صغیری که تحت ولایت پدر باشند جاری نخواهد بود.
- ✓ هرگاه مالک خانه یا آپارتمان مسکونی، آن را به اجاره واگذار نماید و خود محل دیگری را برای سکونت خویش اجاره نماید در احتساب درآمد مشمول مالیات، میزان مال الاجاره ای که به موجب سند رسمی یا قرارداد می پردازد از کل مال الاجاره دریافتی او کسر می شود.



مالیات نقل و انتقال املاک

- ۱- مالیات نقل و انتقال ملک
- ۲- مالیات انتقال حق واگذاری (سرقفلی)
- ✓ **مالیات نقل و انتقال املاک:** نقل و انتقال املاک به ماخذ ارزش معاملاتی و به نرخ پنج درصد مشمول مالیات می گردند.
- ✓ **مالیات انتقال حق واگذاری املاک (حقوق صنفی و سرقفلی):**
- انتقال حق واگذاری محل به ماخذ وجوه دریافتی صاحب حق به نرخ دو درصد در تاریخ واگذاری از طرف صاحب یا صاحبان حق مشمول مالیات می باشد.
- ✓ **تعریف حق واگذاری:**



حق واگذاری محل از نظر این قانون عبارت است از حق کسب یا پیشه یا حق تصرف محل یا حقوق ناشی از موقعیت تجاری محل

✓ مالیات بر درآمد حاصل از ساخت و فروش اولین نقل و انتقال قطعی ساختمان های نوساز اعم از مسکونی و غیره که بیش از دو سال از تاریخ صدور گواهی پایان کار آنها نگذشته باشد، علاوه بر مالیات نقل و انتقال قطعی موضوع ماده (۵۹) این قانون مشمول مالیات مقطوع به نرخ ده درصد به ماخذ ارزش معاملاتی اعیانی مورد انتقال خواهند بود. اشخاص حقیقی یا حقوقی، مشمول مالیات دیگری از بابت درآمد املاک حاصل از ساخت و ساز فروش موضوع این ماده نخواهند بود.

✓ مالیات بر درآمد رضایت مالک یا حق مالکانه دریافتی مالک یا مالکین بابت اعلام رضایت نسبت به انتقال حق واگذاری محل (سرقفلی) یا اجاره بدون انتقال سرقفلی و یا تغییر شغل، مشمول مالیات به نرخ دو درصد موضوع مواد ۷۸ و ۵۹ ق.م.م می باشد.

✓ مهلت ارایه اظهارنامه مودیان موضوع این فصل به استناد ماده ۸۰ ق.م.م مکلف اند اظهارنامه مالیاتی خود را در مورد حق واگذاری محل تنظیم و تا سی روز پس از انجام معامله و در سایر موارد تا آخر تیر ماه سال بعد به انضمام مدارک مربوط به اداره امور مالیاتی محل وقوع ملک ارایه و مالیات متعلق را طبق مقررات پرداخت نمایند.



جرایم مالیاتی :

- ✓ عدم ارایه اظهارنامه در موعد مقرر، ۱۰٪ ده درصد مالیات متعلقه
- ✓ عدم پرداخت مالیات در موعد مقرر معادل ۲/۵ درصد مالیات به ازای هر ماه دیر کرد.
- ✓ در صورتیکه مودیان موضوع ماده ۵۷، اظهارنامه خلاف واقع به ادارات امور مالیاتی ارایه نمایند علاوه بر مالیات متعلقه، یک برابر آن را نیز باید بعنوان جریمه پرداخت نمایند.
- ✓ مبدا احتساب جریمه در مورد مودیانی که مکلف به ارایه اظهارنامه مالیاتی هستند، نسبت به مبلغ مندرج در اظهارنامه از تاریخ انقضای مهلت ارایه آن و نسبت به ما به الاختلاف از تاریخ مطالبه و در مورد مودیانی که از ارایه اظهارنامه خودداری نموده و یا اصولا مکلف به ارایه اظهارنامه نیستند، تاریخ انقضای مهلت ارایه اظهارنامه یا سررسید پرداخت مالیات حسب مورد می باشد.



سایر نکات :

- ✓ درآمد اجاره املاک شامل اشخاص حقیقی و حقوقی میشود. (ماده ۵۲)
- ✓ در مواردی املاکی که با دریافت رهن یا ودیه (اجاره غیر نقدی) به اجاره واگذار می شود طبق بخشنامه ی امور مالیاتی به ازای هر ده میلیون ریال مبلغ ۲۵۰۰۰۰ ریال به عنوان اجاره بهای ماهانه منظور میگردد. در حال حاضر این مبلغ ۱/۵ درصد مبلغ رهن گردیده است. ماده ۵۳
- ✓ خانه های سازمانی املاک اجاره ای محسوب نمیشوند.



- ✓ در مواردی که املاک بااثاثیه واگذار میشوند درآمد ناشی از اجاره اثاثیه نیز جزء درآمد ملک است.
- ✓ مستحقاتی که از طرف مستاجر برای موجد ایجاد میشود براساس ارزش معاملاتی روز تحویل به موجد تقدیم و ۵۰٪ آن جزء درآمد مشمول مالیات اجاره ی سال تحویل محسوب میشود.
- ✓ در صورتی که مستاجر هر گونه هزینه ای را متحمل شود که عرفاً یا طبق قرارداد به عهده صاحب خانه بوده، این مبلغ به درآمد اجاره صاحب خانه اضافه می شود.
- ✓ چنانچه زمانی خارج از مدت اجاره (مهلت تخلیه) به مستاجر داده شود ملک در این مدت از نظر اداره ی مالیاتی ملک اجاره ای تلقی نمی شود
- ✓ نقل و انتقال املاک مسکونی از طرف شرکت های تعاونی مشمول مالیات نیست. ماده ۶۵
- ✓ مستاجرین املاک اوقافی مشمول مالیات هستند.



☑ نکات اساسی در خصوص مالیات بر درآمد مشاغل

- اشخاص مشمول مالیات بر درآمد مشاغل شخص یا اشخاص حقیقی که از طریق اشتغال یا به عناوین دیگر غیر از موارد مذکور در سایر فصل های این قانون نظیر:
- فصل درآمد اجاره املاک - درآمد حقوق و ... در ایران درآمد تحصیل کنند، پس از کسر معافیت های مقرر در این قانون مشمول مالیات بر درآمد مشاغل می باشند.



درآمد مشمول مالیات مودیان مشمول مالیات بر درآمد مشاغل:

- به استناد ماده ۹۴ - درآمد مشمول مالیات مودیان موضوع این فصل عبارت است از کل فروش کالا و خدمات به اضافه سایر درآمدهای آنان که مشمول مالیات فصول دیگر شناخته نشده پس از کسر هزینه و استهلاک مربوط طبق مقررات فصل هزینه های قابل قبول و استهلاک.



تقسیم بندی صاحبان مشاغل بر اساس ماده ۹۵:

- صاحبان مشاغل موضوع این فصل مکلف اند اسناد و مدارک مثبت کافی برای تشخیص درآمد مشمول مالیات خود نگهداری کنند. صاحبان مشاغل از لحاظ تشخیص درآمد مشمول مالیات به گروههای زیر تقسیم می شوند:
- ✓ صاحبان مشاغلی که مکلف به ثبت فعالیت های شغلی خود در دفاتر روزنامه و کل موضوع قانون تجارت هستند. (بند الف)
 - ✓ صاحبان مشاغلی که مکلف به ثبت فعالیت های شغلی خود در دفاتر درآمد و هزینه می باشند. (بند ب)
 - ✓ صاحبان مشاغلی که مشمول بندهای (الف) و (ب) فوق نیستند، مکلف اند صورت خلاصه وضعیت درآمد و هزینه خود را طبق ضوابط و نمونه های تعیین شده از طرف سازمان امور مالیاتی نگهداری کنند. (بند ج)
 - ✓ صاحبان مشاغل موضوع بند (الف) ماده ۹۵: بر اساس ماده ۹۶، صاحبان مشاغل موضوع بند فوق در دوازده گروه فهرست گردیده اند و از دارندگان کارت بازرگانی و کلیه واردکنندگان و صادرکنندگان شروع و به صاحبان موسسات تبلیغاتی و بازاریابی خاتمه می یابد.
 - ✓ صاحبان مشاغل موضوع بند (ب) ماده ۹۵: در ادامه مفاد ماده ۹۶ صاحبان مشاغل موضوع بند مذکور به نوزده گروه تقسیم گردیده که از صاحبان کارگاههای صنعتی شروع و به عاملان فروش و فروشندگان آهن آلات ختم می گردد.



- ✓ صاحبان مشاغل موضوع بند (ج) ماده ۹۵: تمامی صاحبان مشاغلی که مشمول مقررات بندهای (الف) و (ب) نیستند، در زمره صاحبان مشاغل موضوع بند (ج) می باشند.
- ✓ مهلت ارائه اظهارنامه مالیاتی مشاغل به استناد ماده ۱۰۰ مودیان یا صاحبان مشاغل موضوع این فصل اعم از بند (الف) و (ب) و (ج) مکلف اند اظهارنامه مالیاتی مربوط به فعالیت های شغلی خود را در یک سال مالیاتی برای هر واحد شغلی یا برای هر محل جداگانه طبق نمونه ای که وسیله سازمان امور مالیاتی کشور تهیه خواهد شد، تنظیم و تا آخر تیرماه سال بعد به اداره امور مالیاتی محل شغل خود ارائه و مالیات متعلق را به نرخ مذکور در ماده (۱۳۱) این قانون پرداخت نماید.
- ✓ تبصره ۱- ماده ۱۰۰- در مورد کارگاهها و واحدهای تولیدی که نوع فعالیت آنان ایجاد دفتر یا فروشگاه در یک یا چند محل دیگر را اقتضا نماید، مودی مکلف است کلیه درآمدهای حاصل از فعالیت های خود را طی یک اظهارنامه به اداره امور مالیاتی محل وقوع کارگاه یا واحدی تولیدی ارائه نماید.
- ✓ تبصره ۲- ماده ۱۰۰- در مورد مشمولین این فصل که دارای محل ثابت برای شغل خود نمی باشند، محل سکونت آنها از لحاظ ارائه اظهارنامه محل شغل تلقی می گردد.



شرح تقسیم بندی مشاغل بر اساس ماده ۹۶ ق م م

صاحبان مشاغل موضوع بند (الف) ماده (۹۵) این قانون عبارتند از:

- (۱) دارندگان کارت بازرگانی و کلیه وارد کنندگان و صادر کنندگان.
- (۲) صاحبان کارخانهها و واحدهای تولیدی که برای آنها جواز تأسیس و پروانه بهره برداری از وزارتخانه ذیربط صادر شده یا می شود.
- (۳) بهره برداران معادن.
- (۴) صاحبان مؤسسات حسابرسی، حسابداری و دفترداری، خدمات مالی و ارائه دهندگان خدمات مدیریتی، مشاوره ای، انفورماتیک، رایانه ای اعم از سخت افزار و نرم افزار و طراحی سیستم.
- (۵) صاحبان مراکز آموزشی و پرورشی، آموزشگاههای آزاد، مدارس غیرانتفاعی، دانشگاهها و مراکز آموزش عالی.
- (۶) صاحبان بیمارستانها، زایشگاهها، آسایشگاهها، درمانگاهها و خانه های سالمندان.
- (۷) صاحبان متلها و هتل های سه ستاره و بالاتر.
- (۸) بانکداران، عمده فروشها، فروشگاههای بزرگ، واسطه های مالی، نمایندگان توزیع کالاهای داخلی و وارداتی و صاحبان انبارها.
- (۹) نمایندگان مؤسسه های تجاری و صنعتی، اعم از داخلی و خارجی.
- (۱۰) صاحبان مؤسسات حمل و نقل موتوری، زمینی، دریایی و هوایی اعم از مسافری یا باربری.
- (۱۱) صاحبان مؤسسات مهندسی و مهندسی مشاور.
- (۱۲) صاحبان مؤسسات تبلیغاتی و بازاریابی.

(ب) صاحبان مشاغل موضوع بند (ب) ماده (۹۵) این قانون عبارتند از:

- (۱) صاحبان کارگاه های صنعتی.
- (۲) صاحبان مشاغل ساختمانی، تأسیسات فنی و صنعتی، نقشه کشی، نقشه برداری، محاسبات فنی و نظارت.
- (۳) چاپخانه داران، لیتوگرافها، صحافها، ارائه دهندگان خدمات چاپ و گرافیکها.
- (۴) صاحبان مراکز ارتباطات رایانه ای.
- (۵) وکلا، کارشناسان، مترجمان رسمی دادگستری، مشاوران حقوقی، حسابداران رسمی و اعضای سازمان های نظام مهندسی.



- (۶) محققان، پژوهشگران و کارشناسان آزاد که به تهیه و ارائه طرح‌های تحقیقاتی اشتغال دارند.
- (۷) دلالان، حق‌العمل‌کاران و کارگزاران.
- (۸) صاحبان مراکز فرهنگی-هنری، فرهنگسراها، کانون‌های حرفه‌ای و انجمن‌های صنفی و تخصصی.
- (۹) صاحبان سینماها، تماشاخانه‌ها و مکان‌های تفریحی و ورزشی.
- (۱۰) صاحبان مشاغل فیلم‌برداری، دوبلاژ، مونتاژ و سایر خدمات سینمایی.
- (۱۱) پزشکان و دندانپزشکان که دارای مطب هستند و دامپزشکان که به حرفه دامپزشکی اشتغال دارند.
- (۱۲) صاحبان آزمایشگاهها، رادیولوژی‌ها، فیزیوتراپی‌ها، سونوگرافی‌ها، الکتروانسیفالوگرافی‌ها، سی‌تی‌اسکن‌ها، سالن‌های زیبایی و دیگر ارائه‌دهندگان خدمات بهداشتی طبی و غیرطبی.
- (۱۳) صاحبان میهمان‌سراها، میهمان‌پذیرها و مسافرخانه‌ها.
- (۱۴) صاحبان تالارهای پذیرایی، رستوران‌ها، تهیه‌کنندگان غذاهای آماده، ارائه‌دهندگان خدمات پذیرایی و کرایه‌ظروف.
- (۱۵) صاحبان دفاتر اسناد رسمی.
- (۱۶) صاحبان تعمیرگاه‌های مجاز و اتوسرویسها.
- (۱۷) صاحبان نمایشگاه‌ها و فروشگاه‌های اتومبیل و بنگاه‌های معاملات املاک و آژانس‌های کرایه اتومبیل.
- (۱۸) سازندگان و فروشندگان طلا و جواهر.
- (۱۹) عاملان فروش و فروشندگان آهن‌آلات.



مهلت قانونی اعلام شروع فعالیت از سوی صاحبان مشاغل:

بر اساس تبصره ۳- ماده ۱۷۷- صاحبان مشاغل مکلف اند، ظرف چهارماه از تاریخ شروع فعالیت مراتب را کتبا به اداره امور مالیاتی محل اعلام نمایند.



میزان معافیت:

به استناد ماده ۱۰۱- درآمد سالانه مشمول مالیات مودیان موضوع این فصل که اظهارنامه مالیاتی خود را طبق مقررات این فصل در موعد مقرر ارائه کرده اند تا میزان معافیت موضوع ماده (۸۴) این قانون از پرداخت مالیات معاف و مازاد آن به نرخهای مذکور در ماده (۱۳۱) این قانون مشمول مالیات خواهد بود.



چگونگی تخصیص معافیت موضوع ماده (۱۰۱) به واحدهای شغلی و مشارکتی و وراثتی

- بر اساس تبصره ماده مذکور: در مشارکتهای مدنی اعم از اختیاری و قهری شرکا حداکثر از دو معافیت استفاده خواهند کرد مبلغ معافیت به طور مساوی بین آنان تقسیم و باقیمانده سهم هر شریک جداگانه مشمول مالیات خواهد بود .
- ✓ شرکایی که با هم رابطه زوجیت دارند از لحاظ استفاده از معافیت در حکم یک شریک تلقی و معافیت مقرر به زوج اعطا می‌گردد.
- ✓ در صورت فوت احدی از شرکا وراثت وی بعنوان قائم مقام قانونی از معافیت مالیاتی سهم متوفی در مشارکت به شرح فوق استفاده نموده و این معافیت به طور مساوی بین آنان تقسیم و از درآمد سهم هر کدام کسر خواهد شد.



تعیین درآمد مشمول مالیات صاحبان مشاغل

معمولاً مأموران مالیاتی می‌توانند از دو طریق به تعیین و تشخیص درآمد مشمول مالیات صاحبان مشاغل اقدام نمایند که عبارتند از:

- ۱- از طریق رسیدگی به دفاتر و مدارک صاحبان مشاغلی که مکلف به نگهداری دفاتر روزنامه و کل می‌باشند (مشاغل موضوع بند الف) و همچنین صاحبان مشاغل موضوع بند (ب) که مکلف به نگهداری دفاتر درآمد و هزینه می‌باشند در صورتیکه طبق آیین نامه تحریر دفاتر عمل نموده و نیز کلیه اصول و موازین و استانداردهای حسابداری را رعایت نمایند و اظهارنامه ،



ترازنامه و حساب سود و زیان و اسناد و مدارک مربوطه را به موقع به واحد مالیاتی ارائه نمایند، درآمد مشمول مالیات آنان از طریق رسیدگی به دفاتر تعیین می شود

۲- رسیدگی از طریق علی الراس استفاده از این روش با صراحت تمام در ماده ۹۷ قانون مالیات های مستقیم بیان شده است که به موارد آن در ذیل اشاره خواهد شد.

✓ در صورتیکه تا موعد مقرر ترازنامه و حساب سود و زیان و یا حساب درآمد و هزینه و حساب سود و زیان ، حسب مورد، ارائه نشده باشد.

✓ در صورتیکه مودی به درخواست کتبی اداره امور مالیاتی مربوط از ارایه دفاتر و یا مدارک حساب در محل کار خود، خودداری نماید. در اجرای این بند هرگاه مودی از ارائه قسمتی از مدارک خودداری نماید چنانچه مربوط به هزینه باشد از احتساب آن جزء هزینه های قابل قبول خودداری می شود و در صورتی که مربوط به درآمد باشد، درآمد مشمول مالیات این قسمت از طریق علی الراس تعیین خواهد شد.

✓ در صورتیکه دفاتر و اسناد و مدارک ابرازی برای محاسبه درآمد مشمول مالیات به نظر اداره امور مالیاتی غیر قابل رسیدگی تشخیص داده شود و یا به علت عدم رعایت موازین قانونی و آیین نامه مربوط مورد قبول واقع نشود مراتب کتبا با ذکر دلایل به مودی ابلاغ و پرونده برای رسیدگی به هیات متشکل از سه حسابرس منتخب رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور احاله می گردد. مودی می تواند ظرف یکماه با مراجعه به هیات مذکور رفع اشکال نماید.



محاسبه جرایم :

مودیان مشمول بند (الف) و (ب) ماده ۹۵ در صورت عدم ارائه اظهارنامه ۴۰ درصد اصل مالیات قطعی عدم ارایه دفاتر قانونی ۲۰ درصد اصل مالیات قطعی عدم ارایه حساب سود و زیان ۲۰ درصد اصل مالیات قطعی جریمه ۲،۵ درصدی اصل مالیات به ازاء هر ماه تاخیر در پرداخت مالیات از تاریخ سررسید پرداخت مالیات مودیان شمول بند (ج) ماده (۹۵) در صورت عدم ارائه اظهارنامه ۱۰ درصد اصل مالیات جریمه ۲،۵ درصدی اصل مالیات به ازاء هر ماه تاخیر در پرداخت از تاریخ سررسید پرداخت مالیات.

✓ در صورت عدم ارائه اظهارنامه در مهلت قانونی علاوه بر تعلق جرائم فوق موجب عدم برخورداری از معافیت قانونی می گردد.



نحوه محاسبه جرایم مالیاتی :

آن دسته از مودیان بند الف و ب ماده (۹۵) ق.م.م که در موعد مقرر اقدام به ارائه اظهارنامه نموده اند ولی ترازنامه و حساب سود و زیان یا دفاتر قانونی نداده اند، جریمه ای معادل ۲۰ درصد مالیات برای هر یک از موارد مذکور یعنی برای دو مورد فوق جریمه ای معادل ۴۰ درصد مالیات و در مورد رد دفتر مشمول جریمه ای معادل ده درصد مالیات خواهد بود. شایان ذکر است در صورتیکه مودی حتی اگر در اظهارنامه حساب سود و زیان و ترازنامه را ارایه و قید نماید، مشمول جریمه بیست درصدی نمی گردد. هرگاه برگ تشخیص مالیاتی صادر را قبول یا با اداره امور مالیاتی توافق نمایند و نسبت به پرداخت مالیات متعلقه یا ترتیب دادن پرداخت آن اقدام کند از هشتاد درصد جرایم مقرر در این قانون معاف خواهند بود.

همچنین در صورتیکه اینگونه مودیان ظرف یکماه از تاریخ ابلاغ برگ قطعی نسبت به پرداخت یا ترتیب دادن پرداخت آن اقدام نمایند از چهل درصد جرایم متعلقه مقرر در این قانون معاف خواهند بود.



✓ نکات اساسی در خصوص مالیات بر درآمد حقوق

اشخاص مشمول مالیات بر درآمد حقوق درآمندی که شخص حقیقی در خدمت شخص دیگر (اعم از حقیقی یا حقوقی) در قبال تسلیم نیروی کار خود بابت اشتغال در ایران بر حسب مدت یا کار انجام یافته بطور نقد یا غیر نقد تحصیل می کند، مشمول مالیات بر درآمد حقوق است. (ماده ۸۲ ق.م.م.)

درآمد مشمول مالیات حقوق درآمد مشمول مالیات حقوق عبارت است از حقوق (مقرری یا مزد، یا حقوق اصلی) و مزایای مربوط به شغل اعم از مستمر یا غیر مستمر قبل از وضع کسور و پس از کسر معافیت های مقرر در این قانون. (ماده ۸۳ ق.م.م.)



✓ درآمد حقوق به دو نوع: ۱- مزایای غیر نقدی مستمر ۲- مزایای غیر مستمر تقسیم میشود.

مزایای غیر نقدی مستمر: استفاده از مسکن واگذاری با اثاثیه یا بدون اثاثیه استفاده از اتومبیل اختصاصی واگذاری از طرف کارفرما با راننده و یا بدون راننده، سایر مزایای غیر نقدی مستمر از قبیل خواروبار، بن و غیره.

مزایای غیر مستمر: مزایای غیر مستمر به استثناء مالیاتها و قانون کار عبارتند از: اضافه کار، فوق العاده ماموریت، هزینه سفر، پاداش انجام کار، عیدی و پاداش آخر سال، وجه لباس، پرداختی های بابت هزینه درمان و معالجه درمان، باز خرید مرخصی پاداش و بهره وری.

✓ به استناد ماده ۸۲ قانون مالیاتها برای محاسبه درآمد مشمول مالیات حقوق باید درآمدهای غیر نقدی آن تقویم و سپس به درآمدهای نقدی اضافه گردد، تا درآمد مشمول مالیات حقوق مشخص گردد.



چگونگی تقویم مزایای غیر نقدی به نقدی: به استناد تبصره ذیل ماده ۸۳ قانون مالیاتهای مستقیم در حال حاضر صرفاً "مبنای تقویم درآمدهای غیر نقدی زیر به نقدی مشخص می گردد:

الف: مسکن با اثاثیه: معادل ۲۵٪ و بدن اثاثیه ۲۰٪ حقوق و مزایای مستمر نقدی در ماه پس از وضع وجوهی که از این بابت از حقوق کارمند کسر می شود.

ب: اتومبیل اختصاصی: با راننده ۱۰٪ و بدن راننده ۵٪ حقوق و مزایای مستمر نقدی در ماه پس از وضع وجوهی که از این بابت از حقوق کارمند کسر می شود.

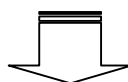
ج: سایر مزایای غیر نقدی معادل قیمت تمام شده برای پرداخت کننده حقوق.



معافیت های مالیاتی در آمد حقوق: همچنین با توجه به ماده ۸۴ ق.م.م: از محل درآمد سالانه مشمول مالیات افراد حقیقی، تا میزان یکصد و پنجاه برابر حداقل حقوق مبنای جدول حقوق موضوع ماده (۱) قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت، مصوب ۱۳۷۰، از درآمد سالانه مشمول مالیات حقوق کلیه حقوق بگیران از جمله کارگران مشمول قانون کار از پرداخت مالیات معاف می باشد.

ضریب حقوق سالانه $150 \times 400 =$ معافیت ماده ۸۴ ق.م.م

✓ **توضیح:** عدد ۴۰۰ به عنوان عدد مبنای در جدول نظام هماهنگ به صورت ثابت می باشد و ضریب سالانه حقوق همه ساله توسط هیئت وزیران تصویب و در ابتدای سال ابلاغ می گردد.



✓ برای مثال: ضریب حداقل حقوق مبنا برای سال ۸۲ عدد ۳۲۰ میباشد که با ضرب آن در عدد ثابت ۴۰۰ حداقل حقوق مبنا برای سال ۸۲ بدست خواهد آمد. میزان معافیت سالانه براساس ماده ۸۴ ق.م.م بشرح زیر محاسبه می گردد:

$$320 \times 400 = 128000$$

$$128000 \times 15\% = 19200000$$

میزان معافیت سالانه مالیات حقوق سال ۸۲

✓ ماده ۹۵: نرخ مالیات بر درآمد حقوق در مورد کارکنان مشمول قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان مصوب ۱۳۷۰/۰۶/۱۳ پس از کسر معافیت های مقرر در این قانون به نرخ مقطوع ۱۰٪ و درمورد سایر حقوق بگیران پس از کسر معافیت های مقرر در این قانون تا مبلغ ۴۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال به نرخ ۱۰٪ و نسبت به مازاد آن به نرخ های مقرر ماده ۱۳۱ این قانون خواهد بود.



نحوه محاسبه مالیات حقوق در بخش خصوصی:

برای محاسبه مالیات حقوق و مزایای مستمر ماهیانه تحت حقوق و مزایای مستمر ماهیانه هر یک از کارکنان پس از کسر، معافیت های قانونی را ۱۲ برابر نموده، سپس با اعمال نرخ ماده ۱۳۱ مالیات سالیانه درآمد حقوق را محاسبه که یک دوازدهم این مبلغ به عنوان مالیات درآمد حقوق و مزایای مستمر ماهانه تلقی خواهد شد.



نحوه محاسبه مالیات اضافه کار:

الف: شرکت دولتی: مبلغ اضافه کار ماهیانه صرفاً شامل ۱۰٪ مالیات خواهد شد.
ب: شرکت خصوصی: مبلغ اضافه کار ماهیانه براساس مجموع درآمد سالیانه شامل درآمدهای مستمر و غیر مستمر صورت خواهد گرفت یعنی نخست حقوق و مزایای مستمر مشمول مالیات حقوق بگیر را ۱۲ برابر نموده و سپس مزایای غیر مستمر شامل اضافه کاری به آن افزوده شده و با توجه به نرخ ماده ۱۳۱ مالیات محاسبه خواهد شد.



سایر مزایای غیر نقدی:

به استناد بند ۱۲ ماده ۹۱ قانون مالیاتها مزایای غیر نقدی پرداختی به کارکنان حداکثر معادل دو دوازدهم معافیت های موضوع ماده ۷۴ قانون مالیاتهای مستقیم از شمول مالیات معاف است.



نحوه محاسبه مالیات عیدی و پاداش آخر سال:

به استناد بند ۱۰ ماده ۹۱ قانون مالیاتهای مستقیم عیدی سالانه یا پاداش آخر سال مجموعاً تا میزان یک دوازدهم میزان معافیت مالیاتی موضوع ماده ۸۴ از پرداخت مالیات معاف می باشد، عیدی و پاداش حقوق بگیران شاغل در بخش خصوصی مازاد بر مبلغ فوق به مجموع درآمدهای سالانه حقوق آنان اضافه شده و مشمول مالیات به نرخ ماده ۱۳۱ قانون مالیاتهای مستقیم خواهد شد.



سایر معافیت های حقوق

- ✓ حقوق بازنشستگی و وظیفه یا مستمری پرداختی به وراثت و حق سنوات و حقوق ایام مرخصی استفاده نشده که در موقع بازنشستگی یا از کارافتادگی به حقوق بگیر پرداخت می شود.
- ✓ هزینه سفر و فوق العاده مسافرت مربوط به شغل.
- ✓ مسکن واگذاری در محل کارگاه یا کارخانه جهت استفاده کارگران و خانه های ارزان قیمت سازمانی در خارج از محل کارگاه یا کارخانه که مورد استفاده کارگران قرار می گیرد.
- ✓ وجوه حاصل از بیمه بابت جبران خسارت بدنی و معالجه و امثال آن.



- ✓ عیدی سالانه یا پاداش آخر سال جمعا" معادل یک دوازدهم میزان معافیت مالیاتی موضوع ماده ۸۴ ق.م.م.
- ✓ خانه های سازمانی که با اجازه قانونی یا بموجب آئیننامه های خاص در اختیار ماموران کشوری گذاشته میشود.
- ✓ وجوهی که کارفرما بابت هزینه معالجه کارکنان خود یا افراد تحت تکفل آنها مستقیما" یا به وسیله حقوق بگیر به پزشک یا بیمارستان باستناد اسناد و مدارک مثبت پرداخت کند.
- ✓ مزایای غیر نقدی پرداختی به کارکنان حد اکثر معادل دو دوازدهم معافیت موضوع ماده ۸۴ ق.م.م.
- ✓ درآمد حقوق پرسنل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران اعم از نظامی و انتظامی ، مشمولان قانون استخدامی وزارت اطلاعات و جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و آزادگان.
- ✓ ۵۰٪ مالیات حقوق کارکنان شاغل در مناطق کمتر توسعه یافته طبق فهرست سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور بخشوده می شود.
- ✓ به منظور تشویق کارفرمایان کارگاههای موجود به استخدام نیروی کار جدید ، دولت موظف است کارفرمایانی را که در دوران برنامه از طریق مراکز خدمات اشتغال وزارت کار و امور اجتماعی مبادرت به استخدام نیروی کار جدید نمایند تخفیفاتی به شرح زیر قرار دهد:

کاهش مالیات کارفرمایان این گونه کارگاهها به میزان بر حقوق دریافتی از کارکنان جدید الاستخدام.(ماده ۴۹ برنامه سوم توسعه). بر اساس آئیننامه اجرایی کلیه کارفرمایان مذکور با احراز شرایط مندرج در این آئیننامه از پرداخت مالیات بر حقوق کارکنان جدید الا استخدام علاوه بر نیروهای موجود بمیزان صددرصد معاف میباشند.

- ✓ اقساط ماهیانه تسهیلات اعتباری مسکن از بانکها، از درآمد مشمول مالیات دریافت کنندگان تسهیلات کسر و مانده درآمد مکتسبه در شمول محاسبات مالیاتی قرار می گیرد. استفاده از این معافیت مالیاتی فقط برای یکبار برای هر خانوار و یا افراد متاهل مجاز بوده و شامل واحد های با مساحت مفید حد اکثر ۱۲۰ متر مربع خواهد بود.(ماده ۱۳۹ برنامه سوم توسعه)



مرور زمان مالیاتی حقوق:

- مرور زمان مالیات حقوق ، در موارد تخلف کارفرما از تکالیف مقرر در ماده ۸۵ ق.م.م جاری بوده و مالیات متعلق با رعایت مرور زمان مالیاتی موضوع ماده ۱۵۷ ق.م.م قابل مطالبه خواهد بود.
- ✓ در مواردیکه با اسناد و مدارک اثبات گردد که مالیات متعلق توسط کارفرما بموقع کسر گردیده لیکن بحساب مزبور واریز نگردیده است ، وصول این مالیات مشمول مرور زمان نخواهد بود.



تکلیف پرداخت کنندگان حقوق:

- پرداخت کنندگان حقوق هنگام هر پرداخت یا تخصیص آن مکلف اند، مالیات را طبق مقررات ماده (۸۵) این قانون محاسبه و کسر و ظرف سی روز ضمن تسلیم فهرستی متضمن نام و نشانی دریافت کنندگان حقوق و میزان آن به اداره امور مالیاتی محل پرداخت و در ماههای بعد فقط تغییرات را صورت دهند. (ماده ۸۶ ق.م.م)



استرداد اضافه پرداختی بابت مالیات بر درآمد:

- حقوق اضافه پرداختی بابت مالیات بر درآمد حقوق طبق مقررات مستر خواهد شد مشروط به این که بعد از انقضای تیر ماه سال بعد تا آخر آن سال با درخواست کتبی حقوق بگیر از اداره امور مالیاتی محل سکونت مورد مطالبه قرار گیرد. (ماده ۸۶ ق.م.م)



جرایم مالیاتی پیش بینی شده در فصل مالیات بر حقوق:



- ۱- عدم ارایه لیست حقوق توسط پرداخت کنندگان حقوق در موعد مقرر و یا تسلیم بر خلاف واقع، موجب تعلق جریمه معادل دو درصد حقوق پرداختی خواهد شد. (ماده ۱۹۷ ق.م.م)
- ۲- عدم کسر و ایصال بموقع مالیات حقوق توسط پرداخت کنندگان حقوق، مشمول جریمه معادل ۲۰ درصد مالیات پرداخت نشده، خواهد شد. (ماده ۱۹۹ ق.م.م)



جدول معافیت ماهانه ی حقوق

۱۳۸۱	معافیت ماهانه	۱۴۵۰۰۰۰ ریال
۱۳۸۲	معافیت ماهانه	۱۶۰۰۰۰۰ ریال
۱۳۸۳	معافیت ماهانه	۱۷۵۰۰۰۰ ریال
۱۳۸۴	معافیت ماهانه	۱۹۰۰۰۰۰ ریال
۱۳۸۵	معافیت ماهانه	۲۱۶۰۰۰۰ ریال
۱۳۸۶	معافیت ماهانه	۲۲۷۰۰۰۰ ریال
۱۳۸۷	معافیت ماهانه	۲۴۵۰۰۰۰ ریال
۱۳۸۸	معافیت ماهانه	۲۶۰۰۰۰۰ ریال



✓ نکات اساسی در خصوص مالیات بر درآمد اتفاقی

- به موجب ماده ۱۱۹ قانون مالیات های مستقیم، درآمد نقدی و یا غیرنقدی که شخص حقیقی یا حقوقی بصورت بلاعوض و یا از طریق معاملات محاباتی و یا بصورت رایگان و یا به عنوان جایزه یا هر عنوانی دیگر از این قبیل تحصیل می نماید، مشمول مالیات اتفاقی به نرخ مقرر در ماده ۱۳۱ قانون مالیات های مستقیم خواهد بود.
- بر اساس ماده ۱۲۰ قانون مالیات های مستقیم، درآمد مشمول مالیات اتفاقی عبارت است از صد در صد درآمد حاصله و در صورتی که غیر نقدی باشد، به بهای روز تحقق درآمد مشمول مالیات اتفاقی عبارت است از صد در صد تقویم می شود مگر در مورد املاکی که در اجرای مفاده ماده ۶۴ قانون مذکور برای آن ها ارزش معاملاتی تعیین شده است که در اینصورت ارزش معاملاتی ماخذ محاسبه مالیات قرار خواهد گرفت.
- ✓ در مورد صلح معوض و هبه معوض به استثنای نقل و انتقال قطعی املاکی که بصورتی غیر از عقد بیع انجام می شود، درآمد مشمول مالیات اتفاقی عبارت خواهد بود از مابه التفاوت ارزش عوضین که بر اساس مقررات این ماده تعیین می شود، نسبت به طرف معامله ای که از آن منتفع شده است.
 - ✓ به موجب ماده ۱۲۱ قانون مالیات های مستقیم، صلح با شرط اختیار فسخ و هبه با حق رجوع از نظر مالیاتی قطعی تلقی می گردد ولی در صورتی که ظرف شش ماه از تاریخ وقوع عقد معامله فسخ یا اقاله یا رجوع شود، وجوهی که بعنوان مالیات درآمد اتفاقی وصول شده است قابل استرداد می باشد، در اینصورت اگر در فاصله بین وقوع عقد و فسخ یا اقاله یا رجوع منتقل الیه از منافع آن استفاده کرده باشد نسبت به آن منفعت مشمول مالیات درآمد اتفاقی خواهد بود.
 - ✓ بموجب ماده ۱۲۲ قانون مالیات های مستقیم، در مورد صلح مالی که منافع آن مادام العمر برای مدت معین به مصالح یا شخص ثالث اختصاص داده می شود، بهای مال به ماخذ جمع ارزش عین و منفعت در تاریخ تعلق منافع، ماخذ مالیات متصالح در تاریخ مزبور خواهد بود.
 - ✓ در صورتی که قبل از تاریخ تعلق منفعت انتقالی صورت گیرد، قیمت مذکور در سند ماخذ مالیات انتقال دهنده قرار خواهد گرفت که طبق مقررات مالیات درآمد اتفاقی مشمول مالیات خواهد بود. لیکن ماخذ مالیات آخرین انتقال



گیرنده عین که منافع مال نیز به او تعلق بگیرد، عبارت خواهد بود از مابه التفاوت بهای مال به شرح حکم فوق و مبلغی که طبق سند پرداخته است.

- ✓ بر اساس ماده ۱۲۳ قانون مالیات های مستقیم، در صورتی که منافع مالی بطور دایم یا موقت بلاعوض به کسی واگذار شود انتقال گیرنده مکلف است مالیات منافع هر سال را در سال بعد پرداخت نماید.
- ✓ به موجب ماده ۱۲۴ قانون مالیات های مستقیم، مال مورد وصیت به نفع اشخاص معین در حدودی که وصیت قانونا نافذ است، بعد از قطعی شدن آن در مورد وراثت به سهم الارث آن ها اضافه و مشمول مالیات بر ارث می باشد و در مورد غیر وراثت نسبت به کل آن مشمول مالیات اتفاقی خواهد بود.
- ✓ به موجب ماده ۱۲۵ قانون مالیات های مستقیم، انتقالی که طبق مقررات مالیات بر ارث مشمول مالیات می باشد، مشمول مالیات درآمد اتفاقی نخواهد بود.

- ✓ بر اساس ماده ۱۲۶ قانون مالیات های مستقیم، صاحبان درآمد اتفاقی مکلف اند در هر سال اظهارنامه مالیاتی خود را در مورد منافع موضوع ماده ۱۲۳ قانون مذکور تا آخر اردیبهشت ماه سال بعد و در سایر موارد ظرف سی روز از تاریخ تحصیل درآمد یا تعلق منافع به اداره امور مالیاتی مربوط ارایه و مالیات متعلق را بپردازند. در صورتی که معامله در دفاتر اسناد رسمی انجام و مالیات وصول شده باشد تکلیف ارایه اظهارنامه ساقط می شود.
- ✓ بر اساس ماده ۱۲۷ قانون مالیات های مستقیم، موارد زیر مشمول مالیات اتفاقی نخواهد بود:

الف) کمک های نقدی و غیر نقدی بلاعوض سازمان های خیریه یا عام المنفعه یا وزارتخانه ها یا موسسات دولتی و شرکت های دولتی یا شهرداری ها یا نهادهای انقلاب اسلامی به اشخاص حقیقی غیر از مواردی که مشمول مالیات حقوق است.

ب) وجوه یا کمک های مالی اهدایی به خسارت دیدگان جنگ، زلزله، سیل، آتش سوزی و یا حوادث غیر مترقبه دیگر

ج) جوایزی که دولت برای تشویق صادرات و تولید و خرید محصولات کشاورزی پرداخت می نماید.

- ✓ بر اساس ماده ۱۲۸ قانون مالیات های مستقیم، درآمد مشمول مالیات اشخاص حقوقی ناشی از درآمدهای اتفاقی از طریق رسیدگی به دفاتر، تشخیص خواهد شد و مالیات هایی که طبق مقررات مالیات درآمدهای اتفاقی در منبع پرداخت می گردد، به عنوان پیش پرداخت مالیات آنها منظور خواهد شد.



✓ نکات اساسی در خصوص مالیات حق الوکاله

ماده ۱۰۳) وکلای دادگستری و کسانی که در محاکم اختصاصی وکالت نمی کنند مکلفند در وکالتنامه های خود رقم حق الوکاله را قید نمایند و معادل پنج درصد آن بابت علی الحساب مالیاتی روی وکالتنامه تمبر الصاق وابطال نمایند که در هر حال مبلغ تمبر حسب مورد نباید کمتر از میزان مقرر در زیر باشد:

الف - در دعاوی و اموری که خواسته آنها مالی است پنج درصد حق الوکاله مقرر در تعرفه برای هر مرحله .
ب - در مواردی که موضوع وکالت مالی نباشد یا تعیین بهای خواسته قانوناً لازم نیست و همچنین در دعاوی کیفری که تعیین حق الوکاله بنظر دادگاه است پنج درصد حداقل حق الوکاله مقرر در آئین نامه حق الوکاله برای هر مرحله.

ج - در دعاوی کیفری نسبت به مورد ادعای خصوصی که مالی باشد بر طبق مفاد حکم بند «الف» این ماده.
د - در مورد دعاوی و اختلافات مالی که در مراجع اختصاصی غیر قضایی رسیدگی و حل و فصل می شود بر یا حق الوکاله آنها تعرفه خاصی مقرر نشده است از قبیل اختلافات مالیاتی و عوارض توسعه معابر شهرداری و نظایر آنها میزان حق الوکاله صرفاً از لحاظ مالیاتی بشرح زیر:



تا ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال مابه‌التفاوت، پنج درصد تا سی میلیون (۳۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال مابه‌التفاوت، چهار درصد نسبت به مازاد ده میلیون ریال از سی میلیون ریال مابه‌التفاوت به بالا سه درصد نسبت به مازاد سی میلیون ریال منظور می‌شود و معادل پنج درصد آن تمبر باطل خواهد شد.

✓ تبصره ۱) در هر مورد که طبق مفاد این ماده عمل نشده باشد وکیل با رعایت مقررات قانون آئین دادرسی مدنی در هیچیک از دادگاهها و مراجع مزبور قابل قبول نخواهد بود مگر در مورد وکالت‌های مرجوعه از طرف وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی و شهرداریها و مؤسسات وابسته به دولت و شهرداریها که محتاج به ابطال تمبر روی وکالتنامه نمی‌باشند.

✓ تبصره ۲) وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی و شهرداریها و مؤسسات وابسته به دولت و شهرداریها مکلفند از وجوهی که بابت حق‌الوکاله به وکلا پرداخت میکنند پنج درصد آنرا کسر و بابت علی‌الحساب مالیاتی وکیل ظرف ده روز به اداره امور مالیاتی محل پرداخت نمایند.

✓ تبصره ۳) در صورتی که پس از ابطال تمبر تعقیب دعوی به وکیل دیگری واگذار شود وکیل جدید مکلف به ابطال تمبر روی وکالتنامه مربوط نخواهد بود.

✓ تبصره ۴) در مواردی که دادگاهها حق‌الوکاله یا خسارت حق‌الوکاله را بیشتر یا کمتر از مبلغی که ماخذ ابطال تمبر روی وکالتنامه قرار گرفته است تعیین نمایند مدیران دفتر دادگاهها مکلفند میزان مورد حکم قطعی را به اداره امور مالیاتی مربوط اطلاع دهند تا مابه‌التفاوت مورد محاسبه قرار گیرد.



✓ نکات اساسی در خصوص مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی

مشمولین مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی: کلیه شرکت‌ها و موسسات تجاری و انتفاعی که مراحل قانونی در اداره ثبت شرکت‌ها را طی نموده و به ثبت رسیده‌اند و دارای شماره ثبت می‌باشند، مشمول مالیات بر درآمد این فصل می‌باشند.



درآمد مشمول مالیات و نرخ مالیاتی مربوط: به استناد ماده ۱۰۵ ق.م.م جمع درآمد شرکت‌ها و درآمد ناشی از فعالیت‌های انتفاعی سایر اشخاص حقوقی که از منابع مختلف در ایران یا خارج از ایران تحصیل می‌شود، پس از وضع زیان‌های حاصل از منابع غیر معاف و کسر معافیت‌های مقرر به استثنای مواردی که طبق مقررات این قانون دارای نرخ جداگانه‌ای می‌باشد، مشمول مالیات به **نرخ بیست و پنج درصد (۲۵٪)** خواهند بود.

✓ در مورد اشخاص حقوقی ایرانی غیر تجاری که به منظور تقسیم سود تاسیس نشده‌اند، در صورتی که دارای فعالیت انتفاعی باشند، از ماخذ کل درآمد مشمول مالیات فعالیت انتفاعی آنها مالیات به نرخ مقرر در این ماده وصول می‌شود.



تکلیف اشخاص حقوقی:

الف) ارایه اظهارنامه مالیاتی موضوع ماده ۱۱۰: بر اساس ماده ۱۱۰ - اشخاص حقوقی مکلف‌اند اظهارنامه و ترازنامه و حساب سود و زیان متکی به دفاتر و اسناد و مدارک خود را حداکثر تا چهار ماه پس از سال مالیاتی همراه با فهرست هویت شرکاء و سهامداران و حسب مورد میزان سهم شرکت‌ها یا تعداد سهام و نشانی هر یک از



آنها را به اداره امور مالیاتی که محل فعالیت اصلی شخص حقوقی در آن واقع است ارایه و مالیات متعلق را پرداخت نمایند. پس از ارایه اولین فهرست مزبور، ارایه فهرست تغییرات در سنوات بعد کافی خواهد بود.

✓ محل ارایه اظهارنامه و پرداخت مالیات اشخاص حقوقی خارجی و موسسات مقیم خارج از ایران که در ایران دارای اقامتگاه یا نمایندگی نمی باشند، تهران است. حکم این ماده در مورد کارخانه داران و اشخاص حقوقی در دوران معافیت نیز جاری خواهد بود.

(ب) پلمپ دفاتر: قانونی اشخاص حقوقی بایستی قبل از شروع سال مالی جدید اقدام به پلمپ دفاتر در اداره ثبت شرکت ها نمایند؛ بدین معنی که برای عملکرد سال ۱۳۹۰ مودیان موظفند که تا پایان مهلت ۸۹/۱۲/۲۹ نسبت به پلمپ دفاتر اقدام نمایند.

(ج) پرداخت حق تمبر: اشخاص حقوقی باید ظرف مدت دو ماه از تاریخ ثبت قانونی، مالیات دو در هزار حق تمبر را پرداخت نمایند. ضمناً در مورد شرکت هایی که به افزایش سرمایه اقدام می نمایند، مکلفند ظرف دو ماه از تاریخ افزایش سرمایه در اداره ثبت شرکت ها نسبت به ابطال تمبر اقدام نمایند.

(د) ارائه لیست حقوق بگیران: اشخاص حقوقی بایستی هنگام پرداخت یا تخصیص حقوق، مالیات متعلق را طبق مقررات ماده ۸۵ این قانون محاسبه و کسر و ظرف سی روز ضمن ارائه لیست حقوق بگیران که حاوی مشخصاتی نظیر نام و نشانی دریافت کنندگان حقوق و میزان آن می باشد به اداره امور مالیاتی محل پرداخت نموده و در ماههای بعد فقط تغییرات را اعلام نمایند.

✓ مهلت رسیدگی به مالیات اشخاص حقوقی (شرکت ها) - در صورت ارایه اظهارنامه مالیاتی موضوع ماده ۱۱۰، یک سال - در صورت عدم ارایه اظهارنامه مالیاتی، پنج سال



روش های رسیدگی به مالیات اشخاص حقوقی:

(الف) رسیدگی از طریق دفاتر: اگر اشخاص حقوقی در موعد مقرر اقدام به ارایه اظهارنامه ، ترازنامه ، صورت حساب سود و زیان و ارائه دفاتر قانونی (روزنامه و کل) و اسناد و مدرک نمایند و درآمد اعلام نمایند، رسیدگی از طریق دفاتر صورت می گیرد.

(ب) رسیدگی از طریق علی الراس: در صورتیکه اشخاص حقوقی از ارایه اظهارنامه مالیاتی در موعد مقرر خودداری نموده و همچنین نسبت به سایر تکالیف خویش اقدام ننمایند، رسیدگی مالیات آنها از طریق علی الراس انجام می پذیرد.

✓ رد دفاتر از سوی هیات بند ۳ ماده ۹۷ به علت عدم رعایت آیین نامه تحریر دفاتر



ارجاع پرونده به هیات بند ۳ ماده ۹۷ ق.م.م:

در صورت عدم رعایت آیین نامه تحریر دفاتر، بعنوان مثال: تاخیر پلمپ یا تاخیر ثبت وقایع مالی، فاکتورهای فروش شماره سریال چاپی نداشته باشند یا اسناد درآمدی مورد قبول سازمان امور مالیاتی نباشد، یا اصولاً دفاتر برای تشخیص درآمد مشمول مالیات قابل رسیدگی نباشد (مثلاً شرکت تولیدی محاسبه بهای تمام شده را ارایه ننماید یا شرکت بازرگانی صورت گردش کالا ندهد) پرونده مالیاتی شرکت مورد رسیدگی به هیات بند ۳ ماده ۹۷ ق.م.م ارجاع داده می شود.



✓ در صورت ارجاع پرونده به هیات بند ۳ دو ماه به مهلت رسیدگی اضافه می گردد.



معافیت ها:

به استناد ماده ۱۳۲- درآمد مشمول مالیات ابرازی ناشی از فعالیت های تولیدی و معدنی در واحدهای تولیدی یا معدنی در بخش های تعاونی و خصوصی که از اول سال ۱۳۸۱ به بعد از طرف وزارتخانه های ذیربط برای آنها پرونده بهره برداری صادر یا قرارداد استخراج و فروش منعقد می شود، از تاریخ شروع بهره برداری یا استخراج به میزان هشتاد درصد (۸۰٪) و به مدت چهار سال و در مناطق کمتر توسعه یافته به میزان صد در صد (۱۰۰٪) و به مدت ده سال از مالیات موضوع ماده ۱۰۵ این قانون معاف هستند.

✓ معافیت های موضوع این ماده شامل درآمد واحدهای تولیدی و معدنی مستقر در شعاع یکصد و بیست کیلومتری مرکز تهران و پنجاه کیلومتری مرکز اصفهان و سی کیلومتری مراکز استان ها و شهرهای دارای بیش از سیصد هزار نفر جمعیت بر اساس آخرین سرشماری به استثنای شهرک های صنعتی استقرار یافته در شعاع سی کیلومتری مراکز استان ها و شهرهای مذکور نخواهد بود.

✓ صد در صد درآمد شرکت های تعاونی روستایی، عشایری، کشاورزی، صیادان، کارگری، کارمندی، دانشجویان و دانش آموزان و اتحادیه های آنها از مالیات معاف است

✓ همچنین بر اساس ماده ۱۳۸، آن قسمت از سود ابرازی شرکت های تعاونی و خصوصی که برای توسعه و بازسازی و نوسازی یا تکمیل واحدهای موجود صنعتی و معدنی خود یا ایجاد واحدهای جدید صنعتی یا معدنی در آن سال مصرف گردد از پنجاه درصد (۵۰٪) مالیات متعلقه موضوع ماده ۱۰۵ این قانون معاف خواهد بود مشروط بر اینکه قبلاً اجازه توسعه یا تکمیل واحدهای صنعتی یا معدنی جدید در قالب طرح سرمایه گذاری معین از وزارتخانه ذیربط تحصیل کرده باشد. در صورتیکه هزینه اجرای طرح یا طرح های یاد شده در هر سال مازاد بر سود ابرازی همان سال باشد و یا از هزینه طرح سرمایه گذاری کمتر باشد شرکت می تواند از معافیت مذکور در محاسبه مالیات سود ابرازی سال های بعد حداکثر به مدت سه سال و به میزان مازاد مذکور و یا باقیمانده هزینه اجرای کامل طرح بهره مند شود.

✓ به استناد تبصره ۳ ماده ۱۳۸- کارخانه های واقع در محدوده آبریز تهران که تعداد کارکنان آنها کمتر از پنجاه نفر نباشد در صورتیکه تاسیسات خود را کلاً به خارج از شعاع یکصد و بیست کیلومتری مرکز تهران انتقال دهند بر اساس ضوابطی که از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت ذیربط حسب مورد برقرار می شود تا ده سال از تاریخ بهره برداری در محل جدید از پرداخت مالیات بر درآمد ناشی از فعالیت صنعتی مربوط معاف خواهند بود.



☑ نکات اساسی در خصوص مالیات بر درآمد وسائط نقلیه

مشمولین مالیات کلیه دارندگان وسائط نقلیه عمومی نظیر: دارندگان تاکسی، مینی بوس، اتوبوس، وانت بارها و کامیون و ... مشمول مالیات این بخش از صاحبان درآمد می باشند. نحوه تعیین درآمد مشمول مالیات در تعیین درآمد مشمول مالیات عوامل مختلفی نظیر: نوع و مدل اتومبیل مدنظر می باشد که هر ساله طی توافق سازمان امور مالیاتی با اتحادیه مربوطه تعیین می گردد. نرخ مالیات بر درآمد وسائط نقلیه با توجه به اینکه مالیات بر درآمد این دسته از مودیان طی توافق سازمان امور مالیاتی با اتحادیه مربوطه برای کلیه دارندگان وسائط نقلیه تعیین می گردد، قطعی بوده و فقط برای آن دسته از مودیان که در موعد قانونی اقدام به ارایه اظهارنامه ننموده اند، رسیدگی بصورت علی الراس انجام می شود.



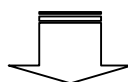
تکلیف مودیان این فصل مودیان مالیاتی موضوع این فصل مکلف اند در تیرماه هر سال نسبت به ارایه اظهارنامه مالیاتی برای عملکرد سال قبل اقدام نمایند.

جرایم مالیاتی : عدم اعمال معافیت موضوع ماده ۱۰۱ ق.م.م در صورت عدم ارایه اظهارنامه مالیاتی از سال ۸۶ به بعد - عدم ارایه اظهارنامه در موعد مقرر معادل ۱۰ درصد مالیات قطعی شده - جریمه دیرکرد معادل ۲/۵ درصد مالیات به ازای هر ماه تاخیر از تاریخ سررسید پرداخت میباشد.



✓ مالیات بر درآمد کشاورزی

ماده ۸۱ : درآمد حاصل از کلیه فعالیت های کشاورزی ، دامپروری ، دامداری ، پرورش ماهی و زنبور عسل و پرورش طیور ، صیادی و ماهیگیری ، نوغان داری ، احیای مراتع و جنگلها ، باغات اشجار از هر قبیل و نخیلات از پرداخت مالیات معاف می باشد . دولت مکلف است مطالعات و بررسی های لازم را در زمینه کلیه فعالیت های کشاورزی و آن رشته از فعالیت های مزبور که ادامه معافیت آنها ضرورت داشته باشد معمول و لایحه مربوط را حداکثر تا آخر برنامه سوم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید .



برخی از معافیت های مالیاتی شاخص در قانون مالیاتهای مستقیم

مجاز معافیت	شرح
ماده ۲۰	معافیت سهم الارث هر یک از وراث طبقه اول مبلغ سی میلیون ریال و در مورد افراد کمتر از ۲۰ سال سن یا معلول از کار افتاده پنجاه میلیون ریال
ماده ۲۱	معافیت اموالی که جزء ماترک متوفی باشد و بلاعوض در اختیار وزارتخانه ها یا موسسات دولتی یا شهرداریها و ... واگذار شود.
ماده ۲۲	معافیت مطالبات متوفی در صورتیکه طبق رای هیئت حل اختلاف غیر قابل وصول باشد.
ماده ۲۴	معافیت اموال متوفی از مالیات بر ارث از جمله وجوه بازنشستگی و ... و ۸۰٪ سپرده های متوفی نزد بانکها و ۸۰٪ ارزش سهام متوفی در شرکت های پذیرفته شده در بورس و ۴۰٪ سهام متوفی در شرکتهای سهامی عام تولیدی و صنعتی و ...
ماده ۲۵	معافیت وراث طبقات اول و دوم نسبت به اموال شهدای انقلاب اسلامی
تبصره ۱ ماده ۳۲	اثاث البیت محل سکونت جزء ماترک متوفی محسوب نمی شود.
ماده ۴۱	در صورتیکه مالی بجای مالیات قبول شود انتقال آن به دارائی با توافق وراث مشمول هیچگونه مالیاتی نمی شود.
ماده ۵۷	شخص حقیقی که هیچگونه درآمدی (بجز حقوق بازنشستگی و وظیفه و جواز و سود ناشی از سپرده های بانکی) ندارد تا میزان معافیت مالیاتی در آمد حقوق ماده (۸۴) قانون در آمد مشمول مالیات سالانه مستغلات از مالیات معاف می باشد.
ماده ۶۷	معافیت از مالیات املاک در زمان اقاله یا نسخ تا ۶ ماه بعد از معامله
ماده ۶۸	معافیت از مالیات نقل و انتقال و املاکی که در اجرای ماده ۳۴ قانون ثبت مصوب ۱۳۲۰ به دولت تملیک شود
ماده ۷۰	معافیت از مالیات نقل و انتقال املاکی که جهت عمران و آبادانی و راهسازی و ... به دولت یا شهرداری
ماده واحده	تفسیر قانونی ماده ۷۰ مبنی بر فعالیت سرقفی در زمان انتقال جهت عمران و آبادانی و راهسازی و ... به دولت یا شهرداری...
ماده ۷۱	معافیت احدائی توسط خریدار زمین یا از طریق اسناد عادی معامله شود
ماده ۷۲	اگر نقل و انتقال ماده ۵۲ به نرخ ماده ۵۹ باشد وجه دیگری بابت مالیات بر درآمد مزبور مطالبه نمی شود.
ماده ۸۱	معافیت درآمد حاصل از کلیه فعالیتهای کشاورزی، دامپروری، پرورش ماهی و ...
ماده ۸۴	تا میزان یکصد و پنجاه برابر حداقل حقوق مبنا جدول حقوق ماده (۱) قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت - مصوب ۱۳۷۰ - در آمد سالانه مشمول مالیات حقوق کلیه بگیران از جمله کارگران مشمول قانون کار، از یک یا چند منبع، از پرداخت مالیات معاف می شود.
ماده واحده	۵۰٪ حقوق آزادگان
ماده ۹۱	معافیت از پرداخت مالیات حقوق بگیران: که شامل روسا و اعضای ماموریت های سیاسی و خارجی در ایران و ... حقوق بازنشستگی و ... هزینه های سفر و فوق العاده های مسافرت، وجوه دریافتی بیمه عمر، عیدی و پاداش، معادل ۱/۱۲ معافیت ماده (۸۴) حقوق نیروهای مسلح و مشمولان قانون استخدامی وزارت اطلاعات و جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی
ماده ۹۲	۵۰٪ مناطق غیر توسعه یافته
ماده ۱۰۱	معافیت بر درآمد مشاغل تا میزان معافیت موضوع ماده (۸۴) بشرط تسلیم اظهارنامه مالیاتی
ماده ۱۲۵	انتقالاتی که مشمول مالیات ارث می باشد مشمول مالیات بر درآمد اتفاقی نخواهد بود
ماده ۱۲۷	معافیت های بخش مالیات اتفاقی که شامل کمک های نقدی و غیر نقدی سازمانهای خیریه و ... به اشخاص حقیقی و کمکهای مالی به خسارت دیدگان جنگ و ... جوایز دولت برای تشویق صادرات و تولید و خرید محصولات کشاورزی پرداخت می نماید، می باشد.
ماده ۱۳۲	معافیت های واحدهای تولیدی و معدنی از ۸۰٪ درآمد حاصل از تولید
تبصره ۲ ماده ۱۳۲	معافیت ۲۰٪ از درآمد مشمول مالیات ابرازی حاصل از معافیت های تولیدی، معدنی، طراحی مهندسی و طراحی مونتاز
تبصره ۳ ماده ۱۳۲	کلیه تاسیسات ایرانگردی و جهانگردی دارای پروانه بهره برداری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هر سال از پرداخت ۵۰٪ مالیات متعلقه معاف هستند.
ماده ۱۳۶	معافیت از پرداخت وجوه دریافتی بابت بیمه عمر که از طرف موسسات بیمه طرف قرارداد عاید ذینفع می شود.
ماده ۱۳۷	هزینه های درمانی پرداختی جهت خود و وابستگان همچنین حق بیمه پرداختی، قابل کسر از درآمد مشمول مالیات می باشد.





ماده ۲۰: نرخ مالیات بر ارث نسبت به سهم الارث به شرح زیر است:

طبقه سوم	طبقه دوم	طبقه اول	شرح
%۳۵	%۱۵	%۵	تا مبلغ ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
%۴۵	%۲۵	%۱۵	تا مبلغ ۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال نسبت به مازاد ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
%۵۵	%۳۵	%۲۵	تا مبلغ ۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال نسبت به مازاد ۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
%۶۵	%۴۵	%۳۵	نسبت به مازاد ۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

از سهم الارث هر یک از وراث طبقه اول مبلغ سی میلیون (۳۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به عنوان معافیت کسر و مازاد به نرخ های مذکور مشمول مالیات می باشد. معافیت مذکور برای هر یک از وراث طبقه اول که کمتر از بیست سال سن داشته یا محجور یا معلول از کار افتاده باشند مبلغ پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال خواهد بود.



ماده ۱۳۱:

نرخ مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی به استثنای مواردی که طبق مقررات این قانون دارای نرخ جداگانه ای می باشد به شرح زیر است:

- تا میزان سی میلیون (۳۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه به نرخ پانزده درصد (۱۵٪).
- تا میزان یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه نسبت به مازاد سی میلیون (۳۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به نرخ بیست درصد (۲۰٪).
- تا میزان دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه نسبت به مازاد یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به نرخ بیست و پنج (۲۵٪).
- تا میزان یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه نسبت به مازاد دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به نرخ سی درصد (۳۰٪) نسبت به مازاد یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه به نرخ سی و پنج درصد (۳۵٪).



ماده ۱۰۳:

وکلا دادگستری و کسانی که در محاکم اختصاصی وکالت می کنند مکلف اند در وکالت نامه های خود رقم حق الوکاله ها را قید نمایند و معادل پنج درصد آن بابت علی الحساب مالیاتی روی وکالت نامه تمبر الصاق و ابطال نمایند که در هر حال مبلغ تمبر حسب مورد نباید کمتر از میزان مقرر در زیر باشد:

- (الف) در دعاوی و اموری که خواسته آنها مالی است پنج درصد حق الوکاله مقرر در تعرفه برای هر مرحله.
- (ب) در مواردی که موضوع وکالت مالی نباشد یا تعیین بهای خواسته قانوناً لازم نیست و همچنین در دعاوی کیفری که تعیین حق الوکاله به نظر دادگاه است پنج درصد حداقل حق الوکاله مقرر در آیین نامه حق الوکاله برای هر مرحله.
- (ج) در دعاوی کیفری نسبت به مورد ادعای خصوصی که مالی باشد بر طبق مفاد حکم بند (الف) این ماده.
- (د) در مورد دعاوی و اختلاف مالی که در مراجع اختصاصی غیر قضایی رسیدگی و حل و فصل می شود و برای حق الوکاله آنها تعرفه خاصی مقرر نشده است از قبیل اختلافات مالیاتی و عوارض توسعه معابر شهرداری و نظایر آنها میزان حق الوکاله صرفاً از لحاظ مالیاتی به شرح زیر:
- تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال مابه الاختلاف، پنج درصد، تا سی میلیون (۳۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال مابه الاختلاف، چهار درصد نسبت به مازاد ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال. از سی میلیون (۳۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال مابه الاختلاف به بالا سه درصد نسبت به مازاد سی میلیون (۳۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال منظور می شود و معادل پنج درصد آن تمبر باطل خواهد شد.

